**مدیریت بانکداری**

**(در ایران ، اروپا و ایالات متحده آمریکا)**

تقدیم به آنکه با موی سپیدش،

خوی نجیبش،

کوه امیدش

گستره­ی وسیع جنت بود و من

تنها "پدری "خواندمش

**فهرست مطالب**

**فصل اول: نظام­ها و مدل­های بانکداری**

**فصل دوم: مدیریت بانک، تأمین و تخصیص منابع**

**فصل سوم: اصول و شاخص­های بانکداری**

**فصل چهارم: قوانین و مقررات بانکی در ایران**

**فصل پنجم: قوانین و مقررات بانکداری در اروپا**

**فصل ششم: قوانین و مقررات بانکداری در ایالات متحده آمریکا**

پیش­گفتار

فصل اول :

نظام­ها و مدل­های بانکداری

یک نظام کارآ و سالم بانکی برای تمام کشورها پیش­نیاز عمده و عامل اصل رشد پایدار اقتصادی به شمار می‌رود. بانک­ها مؤسساتی هستند که می­توانند از محل سپرده­های مردم و در ارتباط با سایر بخش­های اقتصاد، این نقش مهم را ایفا کنند. جمع­آوری سپرده­های سرگردان، تخصیص اعتبار و حفظ انضباط مالی، تسهیل جریان پرداخت­ها، فراهم آوردن تنوع لازم در سبد دارایی­ها، کاهش ریسک و کمک به نظارت یکپارچه، تکیه­گاهی برای اجرای سیاست‌های پولی می­باشد.

سیستم بانکی شبیه به شبکه شریان خون در بدن انسان می­باشد که دارای دو کارکرد اصلی است؛ تجهیز منابع از طریق جمع­آوری وجوه مازاد و تخصیص آن اشخاصی که با کسری منابع روبرو هستند. مهم­ترین نقش­های بانک‌ها در اقتصاد به شرح زیر است:

1. کمک به رشد اقتصادی
2. ایجاد ارزش افزوده برای اقتصاد
3. کنترل یا ایجاد تورم
4. تسهیل در پرداخت­ها
5. تسهیل در مبادلات خارجی.
   1. **نقش بانک‌ها در تغییرات حجم پول**

در میان تمام واسطه­های مالی، تنها بانک‌ها قادرند که بر حجم پول کشور تأثیرگذار باشند. بانک‌ها می­توانند با ایجاد سپرده­های دیداری[[1]](#footnote-1) به وسیله­ی اعطای تسهیلات و تنزیل اسناد تجاری نه تنها پول جدید ایجاد نمایند بلکه تحت شرایط معینی تا چند برابر موجودی نقدی خود به میزان قدرت خرید موجود در جامعه بیافزایند. افزایش حجم سپرده­ها در بانک‌ها برابر مجموع تسهیلات اعطایی به شبکه بانکی به­علاوه سپرده وارده به اولین بانک است. از سوی دیگر، میزان تسهیلات اعطایی به درصد ذخایر قانونی بانک‌ها ارتباط دارد. به‌طور نمونه اگر نرخ ذخیره قانونی ارائه شده از 10% به 20% افزایش یابد قدرت پول آفرینی شبکه بانکی کاهش یافته و اگر از 10% به 5% کاهش یابد، قدرت وام دهی و در نتیجه قدرت پول آفرینی شبکه بانکی افزایش می‌یابد.

* + 1. **سیاست پولی**

به‌طور ساده، سیاست پولی به هر سیاستی اطلاق می­گردد که باعث تغییر حجم پول گردد. سیاست‌هایی که باعث افزایش حجم پول می­گردند. سیاست پولی انبساطی و به سیاست‌هایی که باعث کاهش حجم پول می­گردند، سیاست پولی انقباضی گفته می­شود. هدف از اتخاذ تدابیر پولی، حفظ ارزش پول و کمک به رشد اقتصادی کشور است. منظور از حفظ ارزش پول، حفظ ارزش داخلی و خارجی آن است ارزش داخلی پول در واقع قدرت خرید پول در داخل کشور است که با افزایش قیمت­ها کاهش می­یابد.

اهداف اصلی سیاست‌های پولی عبارتند از: تسریع رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال کامل، تثبیت سطح عمومی قیمت­ها، ایجاد تعادل در موازنه پرداخت­های خارجی، برقراری ثبات نرخ بهره، برقراری ثبات در بازارهای مالی و ارز، توزیع عادلانه درآمد.

بانک­های مرکزی جهت دستیابی به اهداف اقتصادی ابزارهای مختلفی را در جهت اعمال سیاست‌های پولی در اختیار دارند. این ابزارها در زمان­های مختلف با توجه به تحولات و تفاوت ساختارهای اقتصادی و اجتماعی یکسان نمی­باشد. به‌طور مثال نرخ بهره یک ابزار مهم در جهت اعمال سیاست در نظام سرمایه­داری پولی محسوب می­شود اما در نظام بانکداری بدون ربا این متغیر کاربردی ندارد. در سال­های اخیر و در اکثر کشورهای جهان ابزارهای زیر به‌عنوان اهرم­های پولی مورد استفاده قرار گرفته اند:

1. نسبت نرخ ذخیره قانونی
2. تسهیلات تنزيل مجدد و نرخ آن
3. عملیات بازارهای بار
4. کنترل کمی و کیفی اعتبارات
5. ترغیب اخلاقی

چنانچه جامعه با شکاف تورمی مواجه باشد بایستی تقاضای کل کاهش یابد. در این شرایط بانک مرکزی از سیاست پولی انقباضی استفاده کرده و از طریق ابزارهای سیاست پولی نظیر عملیات بازار باز اقدام به فروش اوراق قرضه می­کند تا از این طریق ذخایر بانکی کاهش یافته، قدرت اعتباردهی آنها کم شده و در نتیجه حجم پول کاهش یابد. در اثر کاهش حجم پول، نرخ بهره افزایش یافته و سرمایه­گذاری بخش خصوصی و تقاضای کل کاهش می­یابد.

برعکس اگر جامعه با یک شکاف رکودی مواجه باشد، بانک مرکزی به‌منظور مقابله با آن از سیاست پولی انبساطی استفاده می­کند. به‌طور مثال، نرخ ذخیره قانونی را کاهش می­دهد و یا اینکه اقدام به خرید اوراق قرضه از بازار مالی می­کند در نتیجه ذخایر بانک­های تجاری افزایش یافته، قدرت اعتباردهی آن و در نتیجه حجم پول در جامعه افزایش می­یابد. با افزایش حجم پول، نرخ بهره کاهش و سرمایه­گذاری افزایش می­یابد، در نتیجه افزایش تقاضای کل را در پی خواهد داشت.

**۲-۱-۱- پایه پولی[[2]](#footnote-2)**

بانک مرکزی تنها مرجع مجاز برای چاپ پول در یک سیستم اقتصادی می­باشد. بانک مرکزی حق نشر اسکناس را در کنار سایر وظایفی که به نوعی کنترل حجم پول مربوط است، دارا می­باشد. برای پی بردن به میزان حجم پول به‌طور عام و اسکناسی که هر ساله چاپ می­شود به‌طور خاص، به معرفی عاملی به نام پایه پولی نیاز دارد.

"پایه پولی" یا "پول پرقدرت[[3]](#footnote-3)" عبارتست از بدهی بانک مرکزی به بخش خصوصی(سکه و اسکناس در دست مردم) و بانک­های دیگر. اسکناس و سکه در دست بانک­ها و سپرده­های آزاد و سپرده­های قانونی بانک­ها نزد بانک مرکزی. به عبارت دیگر پایه پولی عبارتست از مجموع خالص دارایی­های داخلی و خارجی بانک مرکزی (از بعد منابع). پایه پولی را می­توان از سمت دارایی­های بانک مرکزی در ترازنامه نیز تعریف کرد: پایه پولی عبارتست از مجموع دارایی­های داخلی و خارجی بانک مرکزی.

همانطور که بیان گردید پایه پولی از مجموع بدهی­های بانک مرکزی تشکیل می­گردد که شامل اسکناس در جریان و ذخائر بانک­ها می­باشد که اصطلاحاً مصارف پایه پولی[[4]](#footnote-4) نیز نامیده می­شود. دارایی­ها و بدهی­های بانک مرکزی عبارتند از:

**دارایی­ها:**

1. دارایی­های خارجی
2. بدهی بخش دولتی
3. بدهی بانک­ها
4. سایر دارایی­ها (شامل؛ اسکناس و مسکوک نزد بانک مرکزی و اموال منقول و غیر منقول آن).

**بدهی­ها:**

1. اسکناس و مسکوک در جریان[[5]](#footnote-5)
2. ذخائر بانک­ها (ذخائر قانونی[[6]](#footnote-6) و احتیاطی[[7]](#footnote-7))
3. سپرده­های بخش دولتی
4. بدهی­های ارزی
5. حساب سرمایه و سایر بدهی­ها

فرمول زیر، با توجه به برابری دو طرف دارایی­ها و بدهی­ها، پایه پولی را از طریق منابع به دست آمده نشان می­دهد.

خالص سایر دارایی­ها + بدهی­های بانکی - خالص بدهی بخش دولتی + خالص دارایی­های جاری = پایه پولی

این رابطه، عواملی را که بر پایه پول تأثیر می­گذارد را نشان می­دهد. افزایش یا کاهش در هر یک از اجزای دارایی­ها منجر به افزایش یا کاهش پایه پول می­گردد. به ­عبارت دیگر منجر به کاهش یا افزایش اسکناس و مسکوک در دست اشخاص و یا ذخائر بانکی می­گردد[[8]](#footnote-8).

نکته قابل توجه این است که بانک مرکزی باید برابر ١٠٠./ اسکناس­های منتشر شده همواره دارایی­هایی بدین شرح بعنوان پشتوانه در اختیار داشته باشد:

۱- طلا(شمش، طلای مسکوک موجود در خزانه بانک، طلا در بانک­های خارجی و مؤسسات بین­المللی).

۲- ارز (اسکناس خارجی، مطالبات ارزی، اسناد صادره یا تضمین شده دولت­ها و سازمان‌های معتبر بین­المللی، موجودی حساب در IMF و...)

۳- اسناد و اوراق بهادار

* 1. اصول چهارگانه بانکداری

مدیریت بانکداری اقتضا می­کند که تمام منابع بانکی، یعنی سپرده­های جمع­آوری شده، را نمی­توان در اختيار متقاضیان قرار داد زیرا بانک بایستی پاسخگوی تقاضای ناگهانی سپرده­گذاران نیز باشد. بنابراین لازم است تا مقداری از سپرده­ها به‌صورت نقد در صندوق بانک قرار گیرد. اما نگهداری پول راکد زیاد در بانک نیز منجر به زیان بانک خواهد بود. بنابراین بانک­ها بایستی بخشی از دارایی­های خود را به‌صورت نقد یا دارایی­های بدون کسب درآمد نگهداری کنند که در زمان نیاز و مراجعه سپرده­گذاران برای تبديل سپرده به نقدینگی بتوانند خدمات لازم را فراهم نمایند. از سوی دیگر بانک­ها مبادرت به اعطای وام و سرمایه­گذاری می­نمایند تا جوابگوی نیاز سیستم اقتصادی نیز باشند.

نکته قابل توجه این است که ترکیب دارایی­های بانک از قاعده و قانون مشخصی پیروی نمی­کند بلکه این امر به ساختار بانکی، فضای حقوقی جامعه، عادات و رجحان­های مردم از عملیات بانکی، فرهنگ بانکداری جامعه، حجم معاملات، توسعه­یافتگی، بازار سرمايه ، انواع ابزار مشتقه در بازار سرمایه و... بستگی دارد. به‌طور کلی بانک­ها بایستی همواره اصول زیر را مدنظر قرار دهند.

۱- اصل نقدینگی(ترکیب پرتفوی): اصل نقدینگی به این معناست که؛ ترکیب سبد دارایی و ذخاير بانکی بایستی طوری تنظیم شود که از قدرت نقدشوندگی بالایی برخوردار باشد. یعنی در صورت نیاز بانک تجاری به وجوه نقد، این اسناد و یا دارایی­های بانک بدون تحمل ضرر، قابل تبدیل به وجوه نقد یا قابل تنزيل نزد بانک مرکزی باشد.

۲- اصل منفعت و درآمدزایی: اصل منفعت بیانگر این است که بانکدار بایستی تسهیلات بانکی را چنان تنظیم نمايد که تمام منابع حاصل از سپرده­ها پس از کسب الزام­های قانونی یا منابع آزاد به سوی اعتبارات یا سرمایه­گذاری­ها تخصیص یابد تا ضمن تأمین هزینه­های بانک، درآمد و اندوخته­ای برای افزایش سرمایه و توسعه آینده بانک داشته باشد. به‌طور معمول اقلامی که از سود بالایی برخوردار هستند قابلیت نقدشوندگی آنها کمتر است (مانند اوراق بهادار بلندمدت). در مقابل اقلامی که از نقدشوندگی بالایی برخوردار هستند سوددهی آنها به مراتب کمتر است (مانند وجوه نقد در صندوق). در نتیجه اصل منفعت با اصل نقدینگی در تقابل و تضاد بوده و تنظیم تعادل میان این دو اصل، کارایی مدیریت در بانک را نشان می­دهد.

۳- اصل امنیت: این هدف و اصل به مفهوم چگونگی برگشت اصل و سود تسهیلات اعطایی و پرهیز از ریسک بالا می­باشد. به تعبیر دیگر بانک­ها باید امنیت دارایی مردم را حفظ کنند و دارایی آنها باید پاسخگوی تعهدات و بدهی ایشان باشد. این اصل، بانکدار را از انجام عملیات بانکی پرریسک مانند؛ سفته­بازی که منابع بانک و منافع سپرده­گذاران را با خطر مواجه می­سازد برحذر می­دارد.

۴- اصل نظارت (مقررات و نظارت بر اجرای آن توسط بانک مرکزی): در شرایط فعلی نظارت توسط دو اداره نظارت بر موقعیت مالی بانک­ها، نظارت غیرحضوری و اداره­ی نظارت بر بانک­ها (نظارت حضوری) صورت می­گیرد.

2-2 **نظام­ها** و مدل­های بانکداری

سپرده­پذیری و تسهیلات­دهی، دو ویژگی اصلی و بارز بانک­ها تلقی می­شوند، به گونه­ای که الگوهای بانکداری با ارائه­ی نوع خاصی از این خدمات هویت می­یابند و معرفی می­شوند. نوع سپرده­ها و خدمات پرداختی که بانک­ها ارائه می­کنند، در کنار شکل قرارداد تسهیلاتی که بانک­ها به مشتریان خود پیشنهاد می­دهند و همچنین ورود یا عدم ورود به عرصه­های مختلف اقتصادی، می­تواند به شکل­گیری و ارائه الگویی متمایز از سایر الگوها منجر شود.

**مدل­های بانکداری**

به‌طور کلی، هفت مدل غالب بانکداری شامل؛ بانکداری تجاری، بانکداری پس­انداز، بانکداری محدود، بانکداری سرمایه­گذاری، بانکداری توسعه­ای، بانکداری مجازی و بانکداری جامع، در عملیات بانکی مطرح است.

* + 1. **بانکداری تجاری:** این مدل از الگوهای بانکداری در جهان بسیار فراگیر و متنوع است و تأثیر بسزایی را در اقتصاد کشورهای غربی ایفا می­کند. این مدل به سه نوع؛ بانکداری خرد، بانکداری شرکتی و بانکداری اختصاصی تقسیم می­شود و در آن پرداخت سه نوع وام عمده شامل؛ وام تجاری، وام مصرفی و وام رهنی متداول می­باشد. بانک­های تجاری کارکردهای بسیار مهمی در عرصه­ی اقتصادی ایفا می­کنند بدین ترتیب که امروزه می­توان از آنها به‌عنوان مهمترین عامل تأثیرگذار بازار پول بر اقتصاد نام برد. کارکردهای کلان بانک­های تجاری در اقتصاد را می‌توان به‌صورت خلاصه طبقه­بندی کرد:
  1. خلق پول
  2. تعادل میان مازاد و کمبود منابع مالی
  3. ­ارائه ابزارهای پرداخت برای مبادلات خرد و کلان
  4. عرضه خدمات مالی بین­المللی
  5. ارائه خدمات مربوط به سرمایه­گذاری

1-1-1-3) **بانکداری خرد:** در این الگو بانک­ها نهادهای سپرده­پذیری هستند که دارای شعبه­های متعدد بوده و خدمات متداول را به مشتریان حقیقی ارائه می­دهند.

2-1-1-3) **بانکداری شرکتی:** در این مدل سعی بانک بر این است تا با ساختاری منعطف در جایگاه یک شریک تجاری معتمد و کارآمد نقش­آفرینی کند و از 20% مشتریان، 80% سود بانکی را ایجاد کند. بنابراین بایستی تمرکز خاصی به این20% مشتریان ثروتمند و شرکتی صورت گیرد.

3-1-1-3)بانکداری اختصاصی: در این مدل، بانک در راستای مدیریت کلیه امور مالی و غیرمالی مشتریان ویژه­ی خود، طیف وسیعی از محصولات و خدمات متنوع مالی و غیرمالی را به آنان ارائه می­کند. در واقع بانک، وکیل مشتری می­شود تا کلیه­ی امور مالی و غیرمالی آنها را مدیریت و اجرا نماید، بدون اینکه مشتری درگیر این امور شود. در بانکداری سنتی، تمرکز بر نیازهای مشتری است در حالی که این مدل مبتنی بر ویژگی­های محصول و مشتری است. بنابراین می­توان بانکداری اختصاصی را مشتری محور و بانکداری سنتی را محصول محور نامید. راهبرد بانک­های ارائه­دهنده­ی خدمات بانکداری اختصاصی مبتنی بر کاهش شعب و تمرکز خدمت­رسانی به مشتریان متمول­تر است. مهم­ترین وجوه تمایز بانکداری خرد و بانکداری اختصاصی را می­توان به‌صورت جدول زیر خلاصه کرد.

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| ویژگی­ها | بانکداری خرد | بانکداری اختصاصی | ویژگی­ها | بانکداری خرد | بانکداری اختصاصی |
| تمرکز خدمات | غير متمرکز | متمركز | تمرکز فعالیت | محصول محور | مشتری­محور |
| طیف مشتریان | انبوه | محدود | تمرکز درآمدی ٠١٠ | درآمد بهره | کارمزد خدمات |
| شکل خدمات | خدمات استاندارد | خدمات منعطف | مزیت رقابتی | هزینه | تمایز |
| نوع خدمات | خدمات مالی | خدمات مالی و غیرمالی | تعامل مشتریان | فردی ساده | فردی پیچیده |

این نوع بانکداری با برآوردن نیازهای افراد با ثروت خالص بالا، سود مطلوبی را برای بانک به ارمغان می­آورد. علاوه بر این، بانکداری اختصاصی، زمینه را برای حرکت از درآمدهای سودمحور به درآمدهای کارمزدمحور فراهم می­آورد. همچنین درآمد بانک با ریبسک­های پذیرفته­شده­ی متداول مانند تسهیلات اعطایی به بخش­های اقتصادی ارتباط ضعیفی دارد. پس تلاطم درآمدهای حاصل از بانکداری اختصاصی به نسبت پایین است.

* + 1. بانکداری پس­انداز: تفاوت عمده این مدل بانکداری با بانک­های تجاری این است که این مؤسسات معمولاً اجازه ایجاد سپرده­های دیداری و صدور دسته­چک را ندارند و اغلب در زمینه­ی اعطای وام­های مصرفی فعالیت می­کنند. شرکت­های وام و پس­اندار، شناخته­شده­ترین نوع موسسات مالی این طبقه هستند که می­توانند به لحاظ تجاری در قالب شرکت تعاونی و با شرکت سهامی ثبت شوند. بانکداری پس­انداز در کشورهای اسلامی به‌صورت بانک‌های قرض‌الحسنه نمود یافته است. این بانک­ها از طریق جذب منابع مردمی در حساب­های قرض‌الحسنه‌ی پس­انداز و جاری تجهیز منابع می­کنند و از منابع خود جهت پرداخت تسهیلات قرض‌الحسنه استفاده می­نماید.
    2. بانکداری محدود: در این مدل از بانکداری، بانک­ها نهادهایی مختص سپرده­پذیری و پرداخت هستند که از وام­دهی به بخش خصوصی منع شده­اند و تمام دارایی­های ناشی از سپرده­ها را در دارایی­های باکیفیت و امنیت بالا سرمایه­گذاری می­کنند. همچنین گستره­ی مقرراتی که بانک­های محدود با آن مواجه هستند بسیار کوچک است. بانک­های محدود صرفاً بایستی گزارش مکرر دارایی­ها و سپرده­های خود تهیه کنند تا بتوانند هنگام نظارت مقامات پولی، به سرعت پاسخگو باشند.
    3. بانکداری سرمایه­گذاری: در این الگو، بانک­ها نهادهایی هستند که به‌عنوان پذیره­نویس یا نماینده­ی شرکت­ها و شهرداری­ها و... اقدام به انتشار اوراق بهادار می­کنند. این مؤسسات وظایف کارگزار با معامله­گر را انجام داده، خدمات مشاوره­ای به ناشر ارائه می­دهند و برای اوراق بهادار ناشر، بازارسازی می­کنند. این واسطه مالی در بازار سرمایه ایران، به شرکت­های تأمین سرمایه معروف است. مهمترین وجوه تمایز میان بانک­های تجاری و بانک‌های سرمایه­گذاری به‌صورت جدول زیر می­باشد.

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **ویژگی­ها** | **بانک تجاری** | **بانک سرمایه­گذاری** | **و یژگی­ها** | **بانک تجاری** | **بانک سرمایه­گذاری** |
| حوزه فعالیت | بازار پول | بازار سرمایه | ریسک عملیات | محدود | بالا |
| سبد مشتریان و خدمات | عمدتاً مشتریان خرد و واسطه گری | مشتریان شرکتی و تأمین مالی | قدرت خلق پول | بسیار تأثیرگذار | بدون تأثیر/کم­تأثیر |
| منبع درآمدی | حاشیه سود واسطه­گری | کارمزد خدمات | ارتباط با اقتصاد | اقتضایی و غیرپیوسته | کاملاً بهم پیوسته |
| تخصیص منابع | مستقیم به اشخاص | مستقیم به شرکت­ها |  | | |

* + 1. بانکداری توسعه­ای: این نوع از بانکداری الگویی خرد از خدمات تخصصی ارائه شده (اعطای وام­های سرمایه­گذاری و ارائه­ی خدمات تخصصی به کشورهای عضو) توسط بانک جهانی است. بانک­های توسعه­ای، مؤسسات مالی هستند که سرمایه را با شرایط مناسب تجهیز می­کنند تا در فعالیت­های تولیدی، توسط خود و دیگران و یا مشترکاً، در راستای اهداف برنامه­های توسعه­ی اقتصادی کشور، به نحو مطلوبی سرمایه­گذاری نمایند. وظایف خرد بانک­های توسعه­ای عمدتاً معطوف به ویژگی­های کارآفرینی و تشویق و ترغیب بخش خصوصی نسبت به ورود به عرصه­ی فعالیت­های اقتصادی است و وظایف این بانک­ها در سطح کلان اقتصادی، نقش رابط بین مراجع سیاستگذار و برنامه­ریز دولتی و شرکت­های اقتصادی (خصوصی و دولتی) را بر عهده دارند. این بانک­ها از یک طرف عامل انتقال سیاست­ها و اهداف برنامه­های توسعه دولت به شرکت­های تولیدی و خدمات تولیدی هستند و از طرف دیگر، مسئولیت انتقال مسائل و مشکلات اجرایی شرکت­ها به مراجع سیاست­گذار کشورها را دارند.
    2. بانکداری مجازی: بانکداری مجازی و بانکداری الکترونیک به معنی ارائه­ی خدمات بانکی از طریق کانال­های الکترونیکی است در حالی که بانکداری مجازی یکی از انواع کسب‌وکارهای بانکداری مانند بانکداری خرد، شرکتی و اختصاصی است که با بر مشتریان دنیای مجازی، به ارائه خدمات بانکداری می­پردازد. به عبارت دیگر، بانک مجازی بانکی بدون شعبه است که عملیات و خدمات بانکی را صرفاً از طریق درگاه­های الکترونیکی انجام می­دهد. این بانک یک بانک ۲۴ ساعته است و با بهره­گیری از فرصت­ها و امکانات دنیای مجازی و روش­های نوین بانکداری، خدمات خود را در همه وقت، همه­جا و به‌صورت برخط به مشتریانش ارائه می­دهد.
    3. بانکداری جامع: بانک­های جامع "سوپرمارکت­های مالی" هستند که ترکیبی از هر دو طیف خدمات بانک­های تجاری و بانک­های تخصصی را ارائه می­کنند. این سوپرمارکت­های خدمات مالی، وظایف استاندارد بانکداری تجاری و خدمات بانک­های سرمایه­گذاری، کارگزاری و دلالی اوراق را ترکیب می­کنند. بانک­های جامع مدرن، همچنین به فروش بیمه، رهن و وجوه سرمایه­گذاری توسط مؤسسات وابسته نیز اقدام می­کنند و از شبکه­های بانکداری الکترونیکی قدرتمندی نیز برخوردارد. کارکردهای بانک‌های جامع در اقتصاد به شرح زیر است:
* افزایش کارایی و رشد اقتصادی
* کاهش هزینه­های تأمین مالی شرکت­ها
* افزایش تنوع و کاهش ریسک
* صرفه­جویی در مقیاس و قلمرو
* حل مشکل انتخاب معکوس و مخاطره­ی اخلاق(دسترسی فراگیر به اطلاعات)

١-۴-بانکداری بین­المللی

بانکداری بین­المللی به کسب‌وکار انجام شده توسط بانک­ها در سراسر مرزهای ملی و یا فعالیت­هایی که مستلزم استفاده از ارزهای مختلف است اطلاق می­شود. به‌طور دقیق، طبق تعربف بانکداری بین­المللی توسط لوییس و دیویس (1987,p.221)، بانکداری بین­المللی را به دو نوع اصلی فعالیت تقسیم می­کنند: بانکداری خارجی سنتی و بانکداری ارز یورو. بانکداری خارجی سنتی شامل معاملات با افراد غیرمقیم به وسیله ارز داخلی است که تأمین مالی تجارت و دیگر معاملات بین­المللی را تسهیل می­کند. بانکداری ارز یورو شامل بانک­هایی می‌شود که معاملات خارجی ارز به‌طور یکجا را در مقیاس بزرگ (اعم از وام­ها و سپرده­ها)، چه با ساکنان و افراد مقیم و چه با افراد غیرمقیم انجام می­دهند. این تعریف نشان می­دهد که بانک­های بین­المللی در امور مربوط به تأمین مالی، کسب‌وکار معاملات ارز و اخذ وام و سپرده­گذاری به‌طور یکجا (بزرگ) در ارتباط هستند.

باید توجه داشته باشید که بانکداری بین­المللی و بانکداری چند ملیتی اصطلاحاتی هستند که معمولاً به جای هم به کار می­روند و به بانک­هایی اشاره دارد که به فعالیت­های جهانی مشغول هستند.

مهمترین انگیزه گسترش بانک­ها در خارج از کشور به موارد زیر مربوط می­شود: مابه­التفاوت قیمت عامل و موانع تجاری، آربیتراژ و هزينه سرمایه، مزایای مالکیت، تنوع درآمد، ظرفیت مدیریتی مازاد، موقعیت و چرخه عمر محصول.

بانک­های بین­المللی می­توانند طیف وسیعی از انواع مختلف خدمات مالی و بانکی را از طریق عملیات بین­المللی شان انجام دهند. یکی از مشکلاتی که در توصیف انواع فعالیت­های بانکداری بین­المللی وجود دارد به تنوع آن مربوط می­شود. به‌طور سنتی، نقش بانک­ها در ارائه خدمات به شرکت­های چند ملیتی همواره مورد تأکید قرار گرفته است اما همانطور که بسیاری از بانک­ها به خارج از کشور گسترش یافته­اند، قیود مشتریان آنها در حال حاضر طیف کاملی از خدمات اعم از محصولات بانکداری خرد به سرمایه­گذاری عمده و فعالیت­های بانکداری تجاری را در بر می­گیرد.

همه کسب‌وکارهای بین­المللی از طریق شرکت­های خدمات مالی از جمله بانک­های عمدتأ تجاری، بانک­های سرمایه­گذاری و شرکت­های تأمین منابع سرویس­دهی می­شوند. هسته محصولات و خدمات بانکی(به‌طور انحصاری) شبیه به آن دسته از خدماتی است که به مشتریان بزرگ سازمانی ارائه می­شود. این موارد به‌طور معمول بر این طیف­ها تمرکز دارد؛

* + انتقال پول و مدیریت وجوه نقد
* تسهیلات اعتباری
* وام‌های سندیکایی[[9]](#footnote-9) (فقط به شرکت­های بزرگ و چندملیتی)
* تأمین بدهی از طریق صدور اوراق قرضه
* تأمین مالی بدهی نظیر تأمین مالی با پشتوانه دارایی
* اوراق بهادار داخلی و بین­المللی
* تعهد خرید اوراق بهادار و خدمات مدیریت سرمایه
* مدیریت ریسک و خدمات مدیریت اطلاعات
* معاملات ارز
* تأمین مالی تجاری

بانکداری بین­المللی بر خلاف اینکه معمولاً به‌عنوان طبقه­ای از فعالیت­های بانکداری که با شرکت­های بزرگ چند ملیتی ارتباط دارد، لحاظ می­شود. همچنین برگیرنده­ی بانکداری خرد و دیگر کسب‌وکارهای بانکداری تجاری در بازارهای خارجی می­شود و این فعالیت­ها به‌ندرت با عملیات داخلی خود تفاوت دارد.

۵-۱- بانک مرکزی

بررسی­های تاریخی برای تعیین نخستین بانک با شیوه مدیریت بانک مرکزی به اواسط قرن ۱۶ میلادی بر می‌گردد. بر این اساس اگر چه به عقیده بسیاری ریکز بانک (RIKS BANK) سوئد، نخستین بانک مرکزی جهان قلمداد می­شود ولیکن مفاهیم و معانی مترتب بر بانک­های مرکزی در طی دوران همواره دچار تغییر بوده است[[10]](#footnote-10).

پل ساموئلون اقتصاددان مشهور و برجسته جهان و برنده جایزه نوبل اقتصاد در سال ۱۹۷۰ میلادی تمدن بشری و تحول در تاریخ را نتیجه اختراع سه عامل می­داند: آتش، چرخ و بانک مرکزی. این گفته پل ساموئلسون نشان می­دهد که بانک مرکزی چه نقش مهمی در تحول تمدن بشری و اقتصاد دارد و چقدر می­تواند در طراحی اقتصاد یک جامعه مؤثر باشد.

بنابراین بانک­های مرکزی به‌عنوان نهادی بسیار با اهمیت در اقتصاد کنونی تلقی می­شوند و به‌عنوان مرجع پولی اجراکننده سیاست‌های اقتصادی دولت عمل می­نمایند و نقش هماهنگ­کننده و هدایت­کننده­ی جریان­های پولی را برای حصول به هدف­های معین پیش­بینی­شده اقتصادی به‌عهده دارند. بانک­های مرکزی به‌عنوان مادر بانک­ها و بانک دولت عمل نموده، سپرده­های قانونی و سپرده­های دیداری بانک­های تجاری را نزد خود نگه می­دارند و از این طریق می­توانند بر عملکرد بانک­ها نظارت داشته باشند. همچنین به‌عنوان تنظیم­کننده نظام پولی و اعتباری کشور دارای وظایفی بسیار مهم و اهدافی هستند که با انجام آنها تأثیر زیادی در سطح جامعه ایجاد می‌کنند.

به‌طور معمول، وظایف اصلی بانک­های مرکزی کشورها عبارتند از: مدیریت ذخایر ارزی و تثبیت نرخ ارز و نظارت بر معاملات طلا ناشر اسکناس و سکه، حفظ ذخایر بانک‌های تجاری اجرای سیاست‌های پولی و اعتباری نظارت بر امور اعتباری و نظام بانکی نمایندگی دولت در سازمان‌های پولی و مالی بین‌المللی، تشویق جریان در بازار سرمایه مدیریت اتاق پایاپای.

تمامی وظایف بانک مرکزی در راستای اعمال عملیات­های کنترل پولی با هدف کنترل اعتبارات است و سیاست پولی که بانک مرکزی موظف به اجرای آن است را می­توان کنترل حجم پول در اقتصاد ملی به‌منظور ثبات اقتصادی تعریف نمود. مهم­ترین ابزارهای مورد استفاده در سیاست‌گذاری پولی عبارتند از:

* نسبت سپرده قانونی (به‌منظور تغییر ضریب فزاینده پولی و عرضه پول)
* نرخ تنزيل مجدد (هزینه استقراض از بانک مرکزی و تغییر نرخ بهره بانک­ها)
* عملیات بازار آزاد (خرید و فروش اوراق قرضه دولی توسط بانک مرکزی)
* کنترل اعتبارات (کنترل مستقیم اعتبارات از طریق نرخ بهره و حدود اعتباری)
* ترغیب اخلاقی

مهم­ترین بانک­های مرکزی دنیا شامل بانک مرکزی انگلستان، بانک مرکزی آلمان و بانک مرکزی آمریکا هستند. البته در این رده­بندی می­توان بانک مرکزی ژاپن را نیز نام برد. دلایل اهمیت بانک مرکزی ژاپن عبارتند از:

* نقش این بانک در توسعه و رشد پایدار این کشور
* شیوه­ی خاصی که برای تأمین مالی پروژه­های توسعه­ای این کشور اتخاذ کرد (درون­زا).

**۱-۵-۱-** **فلسفه وجودی و کارکردهای بانک مرکزی**

بخش­های بانکی در اکثر کشورها دارای یک ساختار هرمی می­باشند که در آن یک بانک مرکزی در رأس قرار گرفته و مؤسسات بانکی عادی در قاعده هرم قرار دارند. با گذشت زمان، نقش و عملکردهای بانک مرکزی و در نتیجه محیطی که آنها در آن فعالیت کرده­اند، توسعه و تکامل یافته است. آزادسازی، نوآوری­های مالی و تکنولوژیکی به ایجاد تغییرات عمده در محیط عمل بانک­ها یاری رسانده است. مهم­ترین عملکرد هر بانک مرکزی اعمال عملیات­های کنترل پولی از طریق سیاست‌های پولی می­باشد. بانک­های مرکزی می­توانند به­مثابه بانک اصلی در سیستم مالی تصور شوند که مسئول هر دو بخش کارکردهای خرد از قبیل کمک به بخش بانکی مثل وام‌دهنده­ی نهایی و کارکردهای کلان مانند اتخاذ سیاست‌های پولی می­باشند.

به‌طور معمول کارکردهای اصلی یک بانک مرکزی عبارتند از:

1. نظارت و کنترل انتشار اسناد بدهی کوتاه­مدت و سکه­ و پول.
2. بانک مرکزی نماینده رسمی دولت در مبادلات خاص و ارز و طلا می­باشد.
3. کنترل واسطه­های مالی غیربانکی که برای مشتریان اعتبار ایجاد می­کنند.
4. بانک مرکزی به‌عنوان بانکدار دولت عمل می­کند.
5. صیانت از سپرده­گذاران بواسطه جلوگیری از ورشکستگی موسسات مالی(وام­دهنده­ی نهایی).
6. نظارت بر ایجاد پول اعتباری و کنترل مقدار آن از طریق دو ابزار مستقیم و غیرمستقیم.

مهم­ترین ابزارهای غیرمستقیم بانک­های مرکزی در عملیات پولی عبارتند از:

1. عملیات بازار آزاد
2. تسهیلات تنزیلی
3. الزام­های ذخیره­ای

در عملیات بازار آزاد، درصورتی­که استراتژی دولت در کاهش تورم، کاهش عرضه­ی پول باشد، بانک مرکزی اقدام به فروش اوراق قرضه می­کند و برعکس اگر استراتژی دولت جهت ایجاد رونق در بازار، از طریق افزایش عرضه­ی پول باشد، دولت اقدام به خرید اوراق قرضه می­کند. از مهم­ترین مزیت­های این ابزار؛ اجرای دقیق عدم تحمیل مالیات بر سیستم بانکی است.

در صورتی که بانک مرکزی اوراق قرضه دولتی را بفروشد عرضه پول کاهش می­یابد

در صورتی که بانک مرکزی اوراق قرضه دولتی را بخرد، عرضه پول افزایش می­یابد

**عملیات بازار آزاد**

دومین ابزار غیرمستقیم بانک مرکزی جهت اجرای سیاست‌های بانکی، اعطای وام به بانک­ها و تسهیلات تنزیل است. استفاده این ابزار به بانک­ها این امکان را می­دهد تا برای تأمین نیازهای نقدینگی خود در کوتاه‌مدت، از بانک مرکزی با "نرخ تنزیل" استقراض کنند. بنابراین بانک مرکزی با تغییر نرخ تنزیل می­تواند عرضه‌ی پول در کوتاه­مدت را در سیستم بانکی کنترل نماید.

در استفاده از این نوع ابزار، اگر بانک مرکزی نرخ تنزیل را افزایش دهد هزینه تمام شده­ی استقراض از بانک مرکزی برای بانک­ها افزایش می­یابد، بنابراین پول کمتری قرض می­گیرند و برعکس اگر بانک مرکزی نرخ تنزیل را کاهش دهد هزینه تمام شده­ی استقراض از بانک مرکزی برای بانک­ها کاهش یافته و در نتیجه پول بیشتری قرض می­گیرند، وام بیشتری می­فروشند و عرضه پول در جامعه افزایش می­یابد.

**تسهیلات تنزیل**

اگر نرخ تنزیل را کاهش یابد، سبب افزایش فروش وام توسط بانک­ها و در نتیجه افزایش عرضه پول می­شود

اگر نرخ تنزیل را افزایش یابد، سبب کاهش فروش وام توسط بانک­ها و در نتیجه کاهش عرضه پول می­شود

الزام­های ذخیره­ای بیانگر این است که بانک­ها بایستی مقداری از دارایی­های خود را برای مقاصد احتیاطی ذخیره کنند. حال هرچه نسبت ذخیره­ی قانونی افزایش یابد سبب می­شود تا میزان سرمایه در دسترس بانک­ها کاهش یافته و فروش وام توسط بانک­ها محدود شود درنتیجه محدود کردن نرخ رشد عرضه پول را به دنبال خواهد داشت. برعکس هرچه نسبت ذخیره­ی قانونی کاهش یابد سبب می­شود تا میزان سرمایه در دسترس بانک­ها افزایش یافته و در نتیجه قدرت وام­دهی بانک­ها و نرخ عرضه پول در جامعه نیز افزایش یابد.

**الزام­های ذخیره­ای**

اگر نسبت ذخیره­ی قانونی کاهش یابد، میزان سرمایه در دسترس بانک­ها و قدرت وام­دهی آنها افزایش می­یابد

اگر نسبت ذخیره­ی قانونی افزایش یابد، میزان سرمایه در دسترس بانک­ها و قدرت وام­دهی آنها کاهش می­یابد

1-5-2- استقلال بانک مرکزی

در سال­های اخیر گرایش قابل توجهی به سمت استقلال بانک مرکزی در بسیاری از کشورها بوجود آمده است و این مساله باعث ایجاد بحث­های قابل توجهی در سراسر جهان شده است. به نظر می­رسد که مطالعات نظری حاکی از مهم بودن استقلال بانک مرکزی می­باشد زیرا می­تواند به تولید سیاست‌های پولی بهتر یاری رساند. به‌عنوان مثال، متون گسترده­ای در این زمینه پیش­بینی می­کنند که استقلال بیشتر بانک مرکزی نرخ تورم کمتر در اقتصاد را به دنبال دارد. استقلال بانک مرکزی می­تواند به‌عنوان استقلال از نفوذ و فشار سیاسی در هدایت نقش­هایش به‌ویژه سیاست‌های پولی تعریف شود. امکان دو نوع استقلال در این مورد وجود دارد استقلال هدف و استقلال ابزاری، یعنی توانایی بانک مرکزی در مورد استقلال مجموعه ابزارهای سیاست پولی برای دست یابی به مجموعه اهداف خود[[11]](#footnote-11).

برای یک بانک مرکزی، داشتن استقلال ابزاری بدون داشتن استقلال هدف معمول می­باشد، هر چند به‌ندرت پیش می­آید که بتوان بانکی را یافت که استقلال هدف را بدون داشتن استقلال ابزاری در اختیار داشته باشد. برای مثال در انگلستان بانک مرکزی این کشور، استقلال ابزاری را اعطا کرده و مسأله را معروف به اهداف تورمی اعمال می­کند. این بدان معنی است که حکومت تصمیم به هدف قرار دادن نرخ تورم می­گیرد و بانک مجاز است که به‌طور مستقل سیاست‌هایی را انتخاب کند که در دستیابی به هدف­هایش مفید واقع شود. باید گفت چنین وضعیت­هایی تنها در سیستم­های دموکراتیک قابل پذیرش می­باشند. زیرا که بانک انتخاب­کننده اهداف نیست و اهداف باید تنها توسط یک دولت منتخب تعیین گردد.

برخی محققان مانند برگرن و دیگران (۲۰۱۲) عوامل و میزان اعتماد عمومی به توانایی بانک مرکزی را در میزان استقلال بانک مرکزی مؤثر می­دانند و معتقد به وجود رابطه U شکل بین اعتماد عمومی و استقلال بانک مرکزی هستند. در حالی که استقلال بانک مرکزی نشان می­دهد که استقلال از نفوذ و فشار سیاسی در هدایت کارکردهایش در سیاست‌های پولی خاص وابسته به اطاعت از دولت می­باشد. در این مورد اخیر این خطر وجود دارد که ممکن است دولت سیاست‌های پولی را به دلایل سیاسی و اقتصادی دستکاری کند. هر چند لازم به ذکر می­باشد که همه بانک­های مرکزی مستقل مجبور به اطاعت از دولت می­باشند، این امر نشان می­دهد که در عمل بانک­های مرکزی هرگز نمی­توانند به‌طور کامل مستقل باشند.

به‌طور کلی در حمایت از استقلال بانک مرکزی دلایل عمدتاً سیاسی و اقتصادی دخیل می­باشند. علاوه بر این، یک مشکل اصلی بین مردم و بانک مرکزی و دولت (کارگزاران) وجود دارد این است که این کارگزاران ممکن است انگیزه­هایی برای اقدام بر خلاف منافع عمومی داشته باشند. بر اساس دیدگاه طرفداران استقلال بانک مرکزی به‌طور خاص این حکومت است که تمایلی قوی برای عمل در جهت منافع خود را دارا می­باشد. تنها اقدام یک بانک مرکزی مستقل از اقدامات روزمره می­تواند به­مثابه تضمینی برای یک ثبات اقتصادی طولانی­مدت در نظر گرفته شود.

فصل دوم

مدیریت بانک، تأمین و تخصیص منابع

**اصول مدیریت بانک**

با توجه به اینکه بانک­ها، سپرده­ها و پس­اندازهای جمع­آوری­شده­ی اشخاص را در اختیار متقاضیان وام قرار می‌دهند چنین عملیاتی باید به گونه­ای تنظیم گردد که در صورت مراجعه احتمالی سپرده­گذاران، بانک بتواند پاسخگوی بازپرداخت وجوه آنها باشد. در واقع، مدیر بانک بایستی همواره وجوه را تأمین و به‌صورت بهینه بکارگیری نماید. بنابراین فعالیت­های مدیریت بانک در برگیرنده­ی برنامه­ریزی راهبردی برای اجرا و کنترل فرآیندهاست که بر اساس آن ترکیب مطلوب دارایی، بدهی و ریسک تعیین می­شود.

اصول مدیریت بانک عبارتست از: مدیریت دارایی­ها، مدیریت بدهی­ها، مدیریت تجهیز منابع و مدیریت ریسک[[12]](#footnote-12).

هر چند اصول مدیریت بانک با دغدغه­های مدیران بانک­ها در ارتباط هستند ولی متفاوت از آن می­باشند. نگرانی و دغدغه، محصول عدم اطمینان و عدم اطمینان ناشی از کمبود اطلاعات می­باشد. عدم اطمینان به معنای کمبود اطلاعات هر چند جزئی در زمینه­ی فهم و یا آگاهی از یک رخداد، پیامد و یا احتمال وقوع آن می­باشد.

با این تعریف، مهم­ترین نگرانی­های مدیران بانک­ها عبارتند از:

* تأمین (تجهیز) منابع ارزان جهت کسب درآمد کافی
* تخصیص مناسب منابع
* مدیریت نقدینگی
* کفایت سرمایه

در این فصل به اصول مدیریت بانک و همچنین نگرانی­های مدیران بانک­ها می­پردازیم.

**۱-۱-۲ مدیریت دارایی­ها**

با توجه به اینکه قسمت اعظم دارایی­های بانکی را تسهیلات و سرمایه­گذاری­ها تشکیل می­دهند، بنابراین مدیریت دارایی­های بانکی به معنای رعایت موازنه تسهیلات و سرمایه­گذاری در چارچوب دغدغه­ها و نگرانی‌های چهارگانه­ی مدیران بانک­ها می­باشد.

مهم­ترین اقلام دارایی­های بانک تجاری، بر اساس اقلام مندرج در ستون سمت راست ترازنامه عبارتند از:

1. وجوه نقد (موجودی صندوق و سپرده نزد بانک مرکزی)
2. بروات تنزیلی (در صورت کمبود نقدینگی بروات تنزیلی را نزد بانک مرکزی مجدداً تنزیل می­کنند)
3. طلا - ارز، تسهیلات اعطایی و سرمایه­گذاری­ها (شامل فروش وام و خرید سهام شرکت­ها و اسناد خزانه)
4. ساختمان و اموال (دارایی­های فیزیکی یا ثابت)
5. سایر اقلام نامعلوم در تکلیف وصول)

تعیین سطوح دارایی­های بالقوه­ی بانک، مستلزم پاسخ به سه سوال زیر است:

1. بانک چه نسبتی از دارایی­های سررسید شده را می­تواند تمدید کند؟
2. سطح مورد انتظار درخواست­های جدید وام چه مقدار است؟
3. انبار مالی برای تأمین تعهدات بانک، چه مقدار است؟

دارایی­ها از لحاظ درجه نقدشوندگی

دارایی­ها از لحاظ درجه نقدشوندگی را می­توان به چهار دسته زیر تقسیم کرد:

الف) وجوه نقد و اوراق بهادار دولتی که واجد شرایط وثیقه­گذاری در بازار باز هستند

ب) اوراق بهادار قابل فروش مانند سهام و وام­های بین بانکی قابل فروش

ج) پرتفوی وام قابل فروش بانک

د) دارایی­های در رهن اشخاص ثالث

برای طبقه­بندی دارایی­ها، بانک باید مشخص کند که نقدشوندگی یک دارایی چگونه بر سناریوهای مختلف تأثیر می­گذارد.

**۲-۱-۲- مدیریت بدهی­ها**

ستون بدهی­ها در ترازنامه­ی بانک نشان­دهنده­ی بدهی­های بانک می­باشد. به‌طور معمول مؤلفه­های این ستون عبارتست از:

1. سپرده­ها (نشان­دهنده کارایی و درجه اعتماد مردم به بانک)
2. استقراض از بانک مرکزی و سایر بانک­ها (شامل سه نوع وام؛ اعتبارات تعدیلی، اعتبارات فصلی، اعتبارات بسط­یافته)
3. وجوه اداره شده (وجوه با مصارف مشخص)
4. سرمایه (تفاوت بین دارایی­ها و بدهی­های بانک در ترازنامه)

**ب)مدیریت بدهی­های بانکی:** مدیریت بدهی بانکی به معنای ایجاد ترکیب مناسب بدهی­های بانک (سپرده‌های دیداری و غیر دیداری) با استفاده از ابزارهایی چون نرخ بهره پرداختی و تنزیل مجدد، در چارچوب دغدغه­ها و نگرانی­های چهارگانه مدیران بانک می­باشد، مثل؛ تغییر بهره پرداختی بابت بدهی­های غیر دیداری جهت جلوگیری از خروج سپرده­های دیداری و یا جذب سپرده­های مدت­دار و یا افزایش ظرفیت وام­دهی از طریق تنزیل مجدد نزد بانک مرکزی.

به‌منظور ارزیابی جریانات نقد ناشی از بدهی­ها، بانک باید در وهله­ی اول رفتار بدهی­هایش را در شرایط عادی تجاری بررسی کند. بدین منظور بایستی چهار پرسش زیر را بررسی نماید.

1. کدام­یک از منابع تأمین مالی احتمالاً در هر شرایطی برای بانک باقی می­مانند و آیا می­توان این منابع را افزایش داد؟
2. در صورت بروز مشکلات، کدام­یک از منابع تأمین مالی و با چه نرخی به‌صورت تدریجی از حساب­های بانک خارج می­شوند؟ آیا ارزش­گذاری سپرده­ها می­تواند ابزاری برای کنترل برج جریان خروجی سپرده­ها باشد؟
3. کدام­یک از بدهی­های سررسید شده انتظار می­رود به سرعت از بانک خارج شوند؟
4. آیا بانک از پشتوانه­ی منابع مالی قابل برداشت در مواقع ضروری برخوردار است؟

**۳-۱-۲- مدیریت تأمین منابع**

دارایی­ها بیان­کننده­ی مصارف وجوه به‌منظور ایجاد درآمد برای بانک است. درحالی­که بدهی­ها، خالص منابع وجوه بانک را تشکیل می­دهد. ترکیب ترازنامه­ی بانک منعکس کننده­ی نتایج تصمیمات مالی در خصوص دارایی، بدهی و مدیریت ریسک است. سپرده­های بانکی به یکی از سه طریق زیر ایجاد می­گردد:

1. سپردن وجه نقد توسط سپرده­گذاران
2. واگذاری چک و اسناد مشابه جهت واریز به حساب صاحبان آنها
3. اعطای تسهیلات بوسیله بانک و واریز وجوه آنها به حساب­ها

در ایران براساس مواد ۳ تا ۶ قانون عملیات بانکی بدون ربا و آئین­نامه تجهیز منابع پولی، منابع مالی بانک­ها از طریق دریافت انواع حساب­های سپرده تأمین می­شود. انواع سپرده به شرح زیر است:

الف) سپرده قرض­الحسنه پس­انداز

ب سپرده قرض­الحسنه جاری

ج) سپرده سرمایه­گذاری مدت­دار[[13]](#footnote-13)

**۴-۱-۲- مدیریت ریسک**

تصمیم­ها و انتخاب­ها در هر نوع و اندازه­ای با عوامل درونی و بیرونی و تأثیراتی روبرو می­شوند که موجب عدم قطعیت در چگونگی و زمان دستیابی به اهداف آنها می­شود. تأثیر این عدم قطعیت بر اهداف ریسک نامیده می­شود. ریسک عبارت است از هر آن چیزی که توانایی یک پروژه یا سازمان یا افراد در دستیابی به اهداف خویش و یا خلق ارزش/نتایج را تهدید و یا محدود سازد. بنابراین ریسک به معنای اثر عدم قطعیت بر اهداف و نتیجه آن، فاصله گرفتن از اهداف از پیش تعیین شده می­باشد.

**مدیریت ریسک در بانک**

در یک تقسیم­بندی کلی ریسک­های بانک­ها به چهار گروه تقسیم می­شوند:

1. ریسک تجاری (بازار)
2. ریسک اعتباری
3. ریسک نقدینگی
4. ریسک عملیاتی

* "ریسک بازار" به معنای عدم تطابق سررسید بدهی­ها و دارایی­های بانک و مخاطرات ناشی از نرخ بهره می­باشد. این ریسک بیانگر انحراف نامطلوب از ارزش بازاری پرتفوی بانک است و ملاک سنجش آن توزیع بازدهی بین افق کنونی و آینده است. اهم ریسک­های بازار عبارتند از: تغییرات نرخ بهره، تغییرات نرخ ارز، تغییرات قیمت سهام، تغییرات قیمت کالا، همبستگی بین تغییرات قیمت کالا و سهام، تأثیر تغییرات نرخ بهره بر روی ابزار سرمایه­گذاری شده[[14]](#footnote-14) برای کاهش اثر تغییرات نرخ بهره می­توان از ابزارهای مشتقه­ای مانند سوآپ، معاملات آتی و سلف که ریسک تغییرات نرخ بهره را پوشش دهند، استفاده نمود. همچنین برای مقابله با تغییرات نرخ ارز می­توان از طریق ابزارهای مشتقه نرخ ارز مانند؛ سوآپ­های ارزی، معاملات آتی و سلف تغییرات نرخ ارز را پوشش دهند و برای کاهش ریسک تغییرات قیمت سهام و کالا، از ابزارهای مشتقه مانند؛ شاخص سهام معاملات آتی و سلف بر روی قیمت کالا استفاده نمود.

مؤلفه­های سازنده­ی ریسک بازار عبارتند از: ریسک نرخ بازده (نرخ سود)، ریسک نرخ ارز، ریسک قیمت کالا، ریسک ارزش سرمایه.

* "ریسک اعتباری" به‌عنوان مهمترین ریسک بانکی به معنای ریسک ناشی از قصور مشتریان در ایفای تعهدات خویش و بازپرداخت اصل و بهره وام­های دریافتی می­باشد. هر چه عدم پرداخت وام­ها توسط مشتریان بیشتر باشد بانک باید برای حفظ بقای خود حاشیه سود تفاوت نرخ‌های بهره را افزایش دهد که این امر موجب غیر اقتصادی شدن و کاهش قدرت رقابت بانک می­شود. جنبه­ی دوم این ریسک مربوط به کاهش درجه اعتباری ناشران اوراق قرضه است که از طریق افزایش هزینه­های قرض و افزایش احتمال زیان، منجر به ریسک می­گردد.

مؤلفه­های سازنده­ی ریسک اعتباری عبارتند از: احتمال نکول[[15]](#footnote-15) و زیان ناشی از نکول[[16]](#footnote-16) و مبلغ در معرض نکول[[17]](#footnote-17).

کمیته بال در خصوص ریسک اعتباری دو نوع رویکرد را پیشنهاد می­کند: رویکرد استاندارد؛ مبتنی بر مشخصات مشهود مخاطرات مالی، وزن ثابت برای هر طبقه از ریسک و رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی.

* "ریسک نقدینگی" به معنای این است که بانک برای تأمین نیازهای متقاضیان وام و یا پرداخت سپرده­ها، تمهیدات مناسب و به­موقع را انجام نداده است، بنابراین آمادگی پرداخت آنها را ندارد. به عبارت دیگر ریسک نقدینگی به معنای ریسک ناشی از کمبود نقدینگی برای ایفای تعهدات کوتاه‌مدت و خروجی­های غیرمنتظره­ی وجوه می­باشد. این ریسک نشان­دهنده­ی توانایی بانک در بازپرداخت تعهدات و تأمین مالی مورد نیاز برای افزایش سطح پرتفوی وام­ها و سرمایه­گذاری­هاست.منابع اصلی ایجاد‌کننده­ی این ریسک عبارتند از: جریان­های نقد غیرمنتظره، مدیریت ناکارآمد، اثرات منفی بازار.

مؤلفه­های سازنده­ی ریسک نقدینگی عبارتند از: ریسک بازاری، ریسک تجاری، ریسک عملیاتی و ریسک اعتباری. در حقیقت ریسک نقدینگی را می­توان برآیند حاصل از انواع ریسک بر وضعیت نقدینگی نهاد مالی توصیف کرد و برآیند ریسک­های مختلف است که میزان ریسک نقدینگی را تعیین می­کند.

نکته: بانک­ها با ایجاد یک بازار بین­بانکی با نظارت بانک مرکزی و سرمایه­گذاری در اوراق قرضه/مشارکت و سایر اوراق مشابه سعی دارند تا در زمان کسری نقدینگی، از عهده­ی تقاضای مشتریان برآیند و مازاد منابع خود را در دارایی­های با منافع بیشتر، سرمایه­گذاری نمایند.

* "ریسک عملیاتی" در اثر وجود سیستم­های نامناسب و ناکارآمد داخلی با اتفاقات خارجی حادث می­شود. نمونه­هایی مثل؛ اختلاس، سرقت، تقلب و بسترهای ناکارآمد اطلاعاتی، امنیتی و تکنولوژیکی که ناشی از ناکارآمدی فرآیندهای داخلی است در این دسته‌بندی جای می­گیرند.

در تحلیل ریسک عملیاتی، تمامی ناکامی­های کسب‌وکار که منجر به ضرر و زیان ریسک عملیاتی می­شوند جزء مؤلفه­های ریسک عملیاتی محسوب می­شوند مانند؛ اشخاص، سیستم­ها، فناوری، سیاست­ها، فرآیندها، ناکامی در تحویل، تراکنش­ها و وقایع داخلی و خارجی.

**ضرایب ریسک:** کلیه اقلام و دارایی­های بانک­ها و موسسات اعتباری اعم از اقلام بالای خط و اقلام زیر خط ترازنامه باید بر حسب ریسک مربوط، موزون شوند. ضرایب ریسک انواع دارایی­ها متناسب با مخاطرات احتمالی آنها به ترتیب؛ صفر، ۲۰، ۵۰ و۱۰۰ درصد می­باشد.

در اقلام بالای خط ترازنامه ضریب ریسک صفر درصد شامل؛ وجوه نقد، وام­های دولت، مطالبات از بانک مرکزی و... بوده، ضریب ریسک ۲۰ درصد شامل؛ وجوه در راه، مطالبات از بانک­ها و... همچنین ضریب ریسک ۵۰ درصد شامل؛ وام­های در مقابل رهن ملک مسکونی و ضریب ریسک ۱۰۰ درصد شامل؛ مطالبات نهادهای عمومی غیردولتی مثل شهرداری­ها و تأمین اجتماعی و...، مطالبات از شرکت­ها و موسسات دولتی، مطالبات سرمایه گذشته، سرمایه­گذاری­ها و مشارکت­ها و... می­باشد.

در اقلام زیر خط ترازنامه نیز علاوه بر اینکه مشمول ضرایب ریسک طبقات مختلف دارایی می­گردند باید ضریب تبدیل نیز در مورد آنها اعمال شود. با استفاده از ضریب تبدیل می­توان اقلام زیر خط ترازنامه را برای منظورهای محاسباتی هم­ردیف اقلام بالای خط تلقی نمود.

۵-۱-۲- کفایت سرمایه

این مطلب که "قدرت رقابت هر بانک با میزان سرمایه آن ارتباط مستقیم دارد" حقیقتی انکارناپذیر است ولیکن به این معنی نیست که هر مقدار سرمایه بانک بیشتر باشد بهتر است، زیرا نگهداری سرمایه با هزینه همراه بوده و این هزینه به کاهش بازدهی سرمایه منجر می­شود. بنابراین یکی از مهمترین نگرانی­های مدیران بانک پاسخ به این سوال است که چه میزان سرمایه برای بانک تأمین نمایند. این سوال بیانگر مدیریت کفایت سرمایه می­باشد. زیرا مهمترین شاخصی که فعالیت بانک با آن سنجیده شده و بیانگر کیفیت فعالیت بانک و کارایی مدیریت بانک است، نحوه استفاده از سرمایه می­باشد. نسبت کفایت سرمایه؛ حاصل تقسیم سرمایه پایه به مجموع دارایی‌های موزون شده به ضریب ریسک برحسب درصد می­باشد[[18]](#footnote-18).

**مدیریت کفایت سرمایه:** مدیریت کفایت سرمایه به معنای ایجاد موازنه بین بازده سرمایه و امنیت سپرده‌هاست. زیرا ترجیح بانک این است که برای به حداکثر رساندن بازده، سرمایه کمتری داشته باشند در حالی که ترجیح قانونگذار این است که سرمایه بانک در سطح بالاتری قرار داشته باشد تا ثبات بانک و سپرده‌های اشخاص تأمین شود.

فرمول کفایت سرمایه[[19]](#footnote-19)به شرح زیر است.

سرمایه پایه

= نسبت کفایت سرمایه

(داراییهای بالای خط\* ضریب ریسک) +(داراییهای زیرخط \* ضریب تبدیل \* ضریب ریسک)

سرمایه پایه بانک­ها و موسسات اعتباری حاصل­جمع سرمایه اصلی و سرمایه تکمیلی پس از انجام کسورات لازم می­باشد. اجزاء تشکیل‌دهنده­ی سرمایه اصلی و تکمیلی به شرح زیر می­باشد.

سرمایه اصلی شامل: سرمایه پرداخت شده، اندوخته قانونی، سایر اندوخته­ها، صرف سهام، سود انباشته.

سرمایه تکمیلی شامل: ذخایر مشکوک الوصول عمومی، اندوخته ذخیره تجدید ارزیابی دارایی­های ثابت، اندوخته ناشی از تجدید ارزیابی سهام.

کمیته­ی بال دسته­های کفایت سرمایه­ی بانک­ها را در پنج دسته زیر تقسیم­بندی می­کند:

1. دارای سرمایه­ی مناسب:

کل سرمایه به دارایی­ها ریسک به میزان 10%

سرمایه تایر1[[20]](#footnote-20) نسبت به دارایی­های 4%

1. سرمایه­ی کافی:

سرمایه­ی کافی برای دارایی­های پرمخاطره 8%

سرمایه تایر 1 بر حسب دارایی موزون بر حسب ریسک 4%

سرمایه تایر 1 به مجموع دارایی­ها 4%

1. دارای سرمایه کمتر از مقدار حداقلی:

نمی­تواند پاسخگوی یک میزان حداقلی سرمایه یا بیشتر در رابطه با بانک­های سرمایه­ای باشد

1. به شدت زیر میزان سرمایه­ی مورد نیاز:

سرمایه­ی کل به دارایی­های پرمخاطره کمتر از 6%

سرمایه­ی تایر 1 به دارایی­های پرمخاطره کمتر از 3%

سرمایه­ی تایر 1 به دارایی­های کمتر از 3%

1. دارای سرمایه بسیار ناچیز و بحران­زده

(سرمایه مشترک + سهام ممتاز مداوم + دارایی نامحسوس)/دارایی­های کل=کمتر از 2%

3-2- ترازنامه بانک

فعالیت بانکی به‌صورت مستمر مستلزم اتخاذ تصمیماتی هدف مدیریت مالی در بانک را می­توان به حداکثر رساندن ارزش بانک تعریف کرد که از طریق قابلیت سودآوری و سطح ریسک آن تعیین می­شود. روند ارزیابی ریسک نرخ بهره و ریسک نقدینگی و بکارگیری آنها در نظام تأمین مالی و تخصیص منابع بانکی به‌عنوان مدیریت دارائی- بدهی شناخته می­شود. مدیر دارایی که همواره به تأمین وجوه و بکارگیری بهینه­ی آن­ها می­پردازد دربرگیرنده­ی برنامه­ریزی راهبردی، اجرا و کنترل فرآیندها با هدف ایجاد یک جریان مستمر سودآوری با کیفیت بالا، با ثبات و در حال رشد است. این هدف با دستیابی به یک ترکیب مطلوب میان سطح دارایی و بدهی و میزان ریسک مالی تحقق می­یابد. در این راستا، منابع بانک (سپرده­ها) نقش ورودی و مواد اولیه را دارد که هر چه هزینه تمام شده­ی آن کمتر باشد اثر مثبت بیشتری در سودآوری خواهد داشت (و برعکس). زیرا عامل تعیین­کننده­ی سطح ریسک، بانک است و بر هزینه­ی عملیات آن تأثیر مستقیم دارد. مصارف وجود (تسهیلات اعطایی)، خروجی و محصول سیستم بانک می­باشند که به متقاضیان آن فروخته می­شوند. بنابراین شناخت منابع و مصارف بانک از اهمیت بالایی برخوردار است. ترازنامه­ی بانک نمایانگر دارایی­ها، بدهی­ها و ثروت خالص بانک در یک روز خاص در یک سال است که در آن سپرده­های مشتریان در قسمت بدهی­ها و وام­های پرداختی به مشتریان در قسمت دارایی­ها منعکس می­شود. تسهیلات پرداختی[[21]](#footnote-21) و مطالبات معمولاً مهم­ترین اقلام دارایی‌های بانک را تشکیل می­دهند و انواع دارایی­ها، سرمایه­گذاری و مشارکت­های بانک، سایر ردیف­های ترازنامه بانک­ها می­باشند.

تفاوت در ترکیب بدهی­های مندرج در ترازنامه­ی بانک­ها، شاخص­ها، نرخ­ها و ویژگی­های هر یک از انواع بدهی، به نوع فعالیت بانک وابسته است. بدهی به بانک مرکزی و سایر بانک­ها، شامل وجوه بین بانکی است که معمولاً به‌عنوان تأمین مالی موقت در نظر گرفته می­شود.

سپرده­ها به‌عنوان ورودی اصلی سیستم بانکی، بخش اعظم بدهی­های بانک است. ثبات و ساختار سپرده­ها بسیار با اهمیت و تعیین­کننده­ی استراتژی بانک­ها برای ارزش­آفرینی می­باشد. ساختار سرمایه در سمت چپ ترازنامه، شامل بدهی و حقوق صاحبان سهام است، بنابراین فاقد بدهی­های جاری است. در واقع ساختار سرمایه، ترکیبی از بدهی و حقوق صاحبان سهام است که شرکت­ها به وسیله­ی آن به تأمین مالی بلندمدت دارایی­های خود می­پردازند.

**نمونه ترازنامه­ی یک بانک تجاری**

|  |  |
| --- | --- |
| بدهی‌ها (منابع وجوه) | دارایی­ها (مصارف وجوه) |
| بدهی به بانک مرکزی | موجودی نقد |
| بدهی به بانک­ها و موسسات | مطالبات از بانک مرکزی |
| مجموع سپرده­ها | مطالبات از بانک­ها و موسسات اعتباری |
| حساب­های پرداختنی | تسهیلات اعطایی و مطالبات |
| پیش­دریافت­ها | اوراق مشارکت و سایر اوراق مشابه |
| ذخایر و سایر بدهی­ها | سرمایه­گذاری­ها و مشارکت­ها |
| **جمع بدهی­ها** | حساب­ها و اسناد دریافتنی |
| سرمایه | دارایی­های ثابت |
| اندوخته­ی قانونی و احتیاطی | دارایی­های ثابت نامشهود |
| سود انباشته | سایر دارایی­ها |
| تفاوت تسعیر نرخ ارز |  |
| اقلام در راه | اقلام در راه |
| **جمع حقوق صاحبان سهام** |  |
| **جمع بدهی و حقوق صاحبان سهام** | **جمع دارایی­ها** |
| تعهدات بانک بابت ضمانت­نامه­ها | تعهدات مشتریان بابت ضمانت­نامه­ها |
| تعهدات بانک بابت اعتبارات اسنادی | تعهدات مشتریان بابت اعتبارات اسنادی |
| سایر تعهدات بانک | سایر تعهدات مشتریان |
| وجوه اداره شده و موارد مشابه | وجوه اداره شده و موارد مشابه |

1-2-2- منابع و مصارف وجوه (بدهی­ها)

دارایی­های بانک بیانگر پتانسیل بالقوه بانک برای مصارف وجوه و ایجاد درآمد می­باشد در حالی که بدهی­ها، منابع وجوه بانک را نشان می­دهند. ترکیب ترازنامه­ی بانک منعکس­کننده­ی نتایج تصمیمات مالی در خصوص دارایی، بدهی و مدیریت ریسک است. استقراض وجوه برای بانک مستلزم پذیرفتن هزینه است. بنابراین بانک بایستی از این وجوه به­گونه­ای درآمد ایجاد نماید که ضمن پوشش هزینه ناشی از استقراض منفعتی هم نصیب بانک نماید.

سپرده­های بانکی مهمترین منبع بهره­برداری هر بانک و نماینده­ی تعهدات یا بدهی­های بانک­ها به صاحبان سپرده می­باشد. در ایران براساس مواد ۳ تا ۶ قانون عملیات بانکی بدون ربا و آئین­نامه تجهیز منابع پولی، منابع مالی بانک­ها از طریق دریافت انواع حساب­های سپرده تأمین می­شود. انواع سپرده به شرح زیر است:

**سپرده قرض­الحسنه پس­انداز:** در این روش، افراد منابع مالی مازاد خود را در بانک پس‌انداز می­کنند و بانک هم به آن­ها وام بدون بهره (قرض‌الحسنه) پرداخت می­کند.

**سپرده قرض­الحسنه جاری:** تفاوت این روش با قرض­الحسنه پس­انداز در این است که در این روش مالکان حساب می­توانند از طریق صدور چک، موجودی حساب خود را به برداشت نمایند.

**سپرده سرمایه­گذاری مدت­دار[[22]](#footnote-22)**: این سپرده­ها بر مبنای عقد وکالت و به قصد انتفاع و سود در اختیار بانک قرار می­گیرد، نه عقد قرض. بنابراین بانک به وکالت از سپرده­گذار وجوه مزبور را به شکل­های مختلف همچون مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه­گذاری مستقیم، معاملات سلف و جماله مورد استفاده قرار می­دهد.

بر اساس فلسفه تشکیل بانک و به‌منظور ایجاد تسهیلات لازم برای گسترش فعالیت بخش­های مختلف تولیدی تجاری و خدماتی بانک­ها بایستی قسمتی از سرمایه مورد نیاز این بخش­ها را از طریق اعطای تسهیلات تأمین‌کنند (مصارف وجوه). اعطای تسهیلات به­عنوان محصول اصلی و یکی از مهم­ترین منابع درآمد بانک‌هاست.

4-2- مدیریت نقدینگی

مدیریت نقدینگی به معنای توانایی گردآوری پول نقد در زمان مناسب و با هزینه منطقی برای تأمین نیازهای مشتریان می­باشد. بعبارت دیگر مدیر بانک بایستی ضمن رعایت هزینه منطقی، سررسید منابع و مصارف را نیز در نظر داشته باشد. هزینه­ی منطقی تأمین مالی بدین معنی است که به‌طور معمول تأمین مالی فوری با نرخ بالاتری از هزینه همراه است که این امر تأثیر منفی بر سودآوری بانک دارد. بنابراین تأمین نقدینگی تابع دو عامل هزینه و زمان است.

به‌طور کلی، اگر یک بانک قادر به پاسخگویی به نیازهای نقدینگی خود نباشد در وهله اول تلاش می­کند تا از طریق توسل به بانک مرکزی به‌عنوان وام­دهنده­ی نهایی، نیاز خود را مرتفع کند. مهمترین ابزارهای مدیر بانک برای تأمین نقدینگی عبارتند از: قرض از بانک مرکزی و ذخیره­ی قانونی نزد آن، بیمه سپرده­ها، بازار بین بانکی.

**1-3-2- سطوح نقدینگی و نقد شوندگی**

نقدینگی، لازمه­ی بقای هر نهاد مالی و فراهم نمودن آن مستلزم نگهداری دارایی­هایی با نقدشوندگی بالاست و به سطوح مختلفی تقسیم می­شود که تحت تأثیر مستقیم ساختار و ترکیب اجزاء ترازنامه است. سطوح مختلف نقدینگی عبارتند از:

* توان نقدینگی؛ به معنای توانمندی تبدیل دارایی­ها به وجه نقد یا دارایی­های شبه نقد است.
* توان واریز بدهی­ها؛ به معنای توان بانک در پرداخت بموقع کلیه­ی بدهی­های خود است.
* انعطاف­پذیری مالی؛ به معنای توانمندی تأمین وجه نقد از زمان وصول نیازمندی مالی پیش‌بینی­نشده تا فرصت مناسب برای سرمایه­گذاری است.

هزینه تبدیل یک دارایی به پول معیاری برای سنجش نقدشوندگی آن دارایی است. بعبارت دیگر نقد شدن یک دارایی به زمان و هزینه تبدیل آنها بستگی دارد. یکی از ویژگی­های مهم اوراق بهاداری که در بازارهای ثانویه[[23]](#footnote-23) معامله می­شوند، میزان نقدشوندگی آنهاست. منظور از نقدشوندگی این اوراق بهادار، سهولت فروش و تبدیل آنها به وجه نقد می­باشد بدون آنکه از ارزش آن کاسته شود.

می­توان گفت که نقدینگی یک مسئله نسبی است زیرا از یک سو، نگهداری دارایی­های نقد درآمدی ایجاد نمی­کنند و با هزینه­ی فرصت همراه هستند، از سوی دیگر نیز کمبود دارایی نقد، بانک را با ریسک در حوزه اعتماد عمومی روبرو می­کند. بنابراین مدیریت نقدینگی مستلزم تجزیه و تحلیل نقدینگی، پیش­بینی و طراحی سناریوهای مناسب است. هدف از پیش­بینی نقدینگی، قرار گرفتن در سطحی قابل قبول از وجوه در آینده است به­گونه­ای که موجب کاهش ریسک نقدینگی گردد. بنابراین مدیر بانک بایستی با انجام بررسی­های پیرامونی و درونی، حالت­های گوناگون نیاز به وجه نقد را بر مبنای سه شاخص؛ میزان نقدینگی مورد نیاز، زمان نقدینگی و منابع آتی قابل دسترس پیش­بینی نماید.

در بررسی­های پیرامونی؛ نوسانات قابل­ملاحظه­ی مثبت و منفی نقدینگی، احتمال وقوع، زمان و مقدار مورد نیاز را برای هر یک از حالت­های محتمل و در محیط درونی منابع آتی در دسترس را برای پاسخگویی به کلیه­ی تقاضاهای موجه نقدینگی مشخص نماید. سپس برای مواجهه با هر یک از این حالت­ها، سناریوی مناسب را طراحی نماید که در آن، زمان­بندی جریانات نقد را برای هر نوع از دارایی یا بدهی مشخص کند. هرچه این فرآیند دقیق­تر و کامل­تر انجام پذیرد، آینده برای بانک بیشتر قابل پیش­بینی خواهد شد و از این طریق ریسک نقدینگی کاهش یافته و انعطاف­پذیری مالی بانک بیشتر خواهد شد. انعطاف­پذیری مالی به معنای توان بانک در پاسخگویی به نیازهای مالی پیش­بینی­نشده می­باشد.

از یک سو، در حالت ایده­آل بایستی بین نقدینگی بانک و سودآوری آن موازنه وجود داشته باشد و از سوی دیگر شاخص توانمندی مدیریت نقدینگی سودآوری بیشتر برای بانک است. بنابراین اگر عوامل پیرامونی را ثابت فرض کنیم هرچه ورودی نقدینگی بیشتر از نیاز و توان مدیریتی باشد، سودآوری کمتر و در صورت وجود توانمندی مدیریتی متناسب، سودآوری بیشتر خواهد بود.

ساختار سرمایه شامل؛ بدهی و حقوق صاحبان سهام، یکی از مهمترین عواملی است که بر سودآوری نهاد مالی تأثیر دارد و ترکیبی از سرمایه است که بانک به­وسیله­ی آن به تأمین مالی بلندمدت دارایی­های خود می‌پردازد. هدف اصلی تصمیمات ساختار سرمایه حداکثر نمودن ارزش بازار از طریق ترکیب مناسب وجوه بلندمدت است. ساختار سرمایه در اثر تصمیمات خود در خصوص روش­های تأمین مالی ارتباط نزدیکی با هزینه‌ی سرمایه دارد و بالطبع ارزش نهاد مالی را نیز تغییر می­دهد، بنابراین رابطه­ی آن با سودآوری بانک یکی از مهمترین موضوعات مورد توجه اقتصاددانان مالی است و ساختار بهینه سرمایه، ترکیبی از بدهی و صاحبان سهام است که متوسط هزینه­ی سرمایه را حداقل می­کند.

تصمیمات مربوط به ساختار سرمایه­ی واحد اقتصادی دارای دو جنبه­ی میزان سرمایه­ی مورد نیاز و ترکیب تأمین سرمایه است. مدیران و مالکان بانک در ارتباط با سرمایه بایستی به تصمیم اساسی اتخاذ کنند:

1. با توجه به شرایط محیط بیرونی و توانمندی­های محیط درونی سرمایه­ی مطلوب بانک چه میزان است؟
2. آیا رشد دارایی­های بانک برابر با رشد سرمایه­ای آن است؟
3. درآمد خالص بانک چه مقدار است؟ چه میزان از این درآمد به‌صورت سود تقسیمی بازه زمانی مورد نظر به سهامداران پرداخت خواهد شد؟

در بین دارایی­های بانک، بیشترین قابلیت نقدشوندگی را اسناد خزانه، اوراق صکوک و سپرده­های نزد سایر بانک­ها دارا هستند.

5-2- نقش حساب سرمایه

سرمایه سنگ بنای بانکداری و پشتوانه­ای برای جبران زیان­های پیش­بینی­نشده است. سرمایه[[24]](#footnote-24) در بانکداری شامل حقوق صاحبان سهام به­علاوه­ی بدهی­ها و یک اندوخته جهت زیان­های عملیاتی است.

سرمایه­ی بانک عامل بسیار مهم برای حمایت از بستانکاران و اعتباردهندگان در برابر زیان­های احتمالی ناشی از مدیریت نامناسب ریسک­هاست. عناصر کلیدی سرمایه شامل سهام عادی و سود انباشته است که جزء سرمایه­ی درجه یک محسوب می­شود.

اهم نقش­های حساب سرمایه در بانک عبارتند از:

1. تعیین­کننده­ی موقعیت رقابتی (به همراه هزینه)
2. تأمین امکان رشد بانک و توسعه خدمات
3. تعیین­کننده­ی نهایی ظرفیت وام­دهی
4. تعیین­کننده­ی شاخص کفایت سرمایه (به همراه دارایی)
5. پوشش دادن ریسک و زیان ناشی از شکست بانک در فعالیت­های عملیاتی
6. اطمینان­دهنده به سپرده­گذاران و اعتبار­دهندگان

فصل سوم

اصول و شاخص­های بانکداری

* 1. اصول چهارگانه بانکداری

بانک­ها بایستی هم پاسخگوی تقاضای ناگهانی سپرده­گذاران باشند و هم به نیاز سیستم اقتصادی برای دریافت وام و تسهیلات را پاسخ دهند. مضاف بر اینکه فعالیت­های بانک­ها، مشابه فعالیت همه بنگاه­­های اقتصادی بر اساس سودآوری قرار دارد. بنابراین چنانچه در فصل قبل گفته شد مدیریت بانکداری اقتضا می­کند مقداری از سپرده­ها به‌صورت نقد در صندوق بانک قرار گیرد تا بتواند پاسخگوی تقاضای ناگهانی سپرده­گذاران باشد. از طرف دیگر نیز بانک­ها مبادرت به اعطای وام و سرمایه­گذاری می­نمایند تا ضمن کسب سود، پاسخگوی نیاز سیستم اقتصادی نیز باشند.

با توجه به تأثیرهای متفاوت محیط کلان[[25]](#footnote-25) بر جوامع و همچنین توانمندی­های متفاوت سیستم­های بانکی، ساختار و ترکیب دارایی­های بانک­ها در جوامع، قاعده و استاندارد جامع و مشخصی ندارد. بانک‌ها با استفاده از مدل­های اقتصادسنجی و محاسبات آن ، مبادرت به تعیین و نگهداری ترکیب بهینه­ای از ذخیره­ی دارایی­های درآمدزا می­نمایند. بر این اساس، مرز بین ذخیره­ی وام­ها و سرمایه­گذاری کوتاه­مدت، متوسط و بلندمدت را به­گونه­ای مشخص می­نمایند که تضمین­کننده­ی حداکثر سود بانک است.

اصول چهارگانه زیر به‌عنوان شرط لازم برای موفقیت مدیریت بانک مورد اجماع می‌باشد.

1-1-3- اصل نقدینگی[[26]](#footnote-26)

نقدینگییا ترکیب پرتفوی، لازمه­ی بقای بانک و فراهم نمودن آن مستلزم ترکیبی از سبد دارایی و ذخایر بانکی است که همواره بتواند به نیازهای برداشت سپرده پاسخ دهد. این اصل در بهترین حالت خود به معنای نگهداری پول نقد کافی برای پرداخت به سپرده­گذاران و یا دارایی­هایی با قدرت نقدشوندگی بالا می­باشد، بدین معنا که در صورت نیاز بانک به وجوه نقد، اسناد و یا دارایی­های بانک بدون تحمل ضرر قابل تبدیل به وجوه نقد یا قابل تنزیل نزد بانک مرکزی باشد. بنابراین مدیریت پرتفوی دارایی­ها و مدیریت نقدینگی در ارتباط مستقیم با یکدیگر هستند.

اگر بانک بر اساس استراتژی­های بسیار محتاطانه تصمیم بگیرد نقدینگی خود را افزایش دهد باعث می­شود به هدف درآمدزایی خود نرسد و اگر بر اساس استراتژی­های بیشینه­سازی سود بخواهد به سودآوری بیشتر دست یابد مستلزم این است که نقدینگی او کاهش ­یابد. بنابراین اقتضای مدیریت بانک، ترکیبی از سیاست اعتباری و سرمایه­گذاری عقلایی مدیریت بانک است.

مهمترین استراتژی­های مدیریت نقدینگی عبارتند از:

* استراتژی تبدیل دارایی (مدیریت دارایی­های قابل تبدیل به نقد)[[27]](#footnote-27): این استراتژی به معنای نگهداری دارایی به شکل دارایی­های نقد شونده است. در صورت لزوم، این دارایی­ها برای تأمین نقدینگی فروخته می­شوند.
* تأمین نقدینگی از محل استقراض (مدیریت بدهی­ها)[[28]](#footnote-28): در این استراتژی بانک­ها می­توانند بدون تغییر در حجم و ترکیب پرتفوی دارایی­شان با استقراض از طریق؛ قراردادهای بازخرید، اوراق مرابحه، گواهی سپرده، استقراض از بانک مرکزی و... نقدینگی مورد نیاز خود را تأمین نمایند.
* مدیریت متوازن نقدینگی (دارایی و بدهی)[[29]](#footnote-29): در این استراتژی نیازهای نقدینگی بلندمدت از طریق برنامه­ریزی برای تسهیلات کوتاه­مدت و میان­مدت و یا اوراق بهادار قابل تبدیل به نقد، تأمین می­شوند.

2-1-3- اصل منفعت و درآمدزایی

فعالیت­های بانک­ها مشابه همه بنگاه­های اقتصادی بر اساس سودآوری قرار دارد. مدیریت درست و با درایت بانکداری مستلزم این است که بانکدار بایستی فعالیت­های بانک را چنان تنظیم نماید که ضمن تأمین هزینه­های بانک و پرداخت سهم سود سپرده­گذاران، اندوخته­ی مناسبی از سود برای توسعه و گسترش بانک نیز باقی بماند.

لازمه­ی کسب سود بیشتر، فروش تسهیلاتی با بازدهی بیشتر است. این نوع تسهیلات به‌طور معمول قابلیت نقدشوندگی کمتری دارند (مانند اوراق بهادار بلندمدت). در مقابل اقلامی که از نقدشوندگی بالایی برخوردار هستند سوددهی به مراتب کمتری را به همراه دارند (مانند وجوه نقد در صندوق). بنابراین اصل منفعت با اصل نقدینگی در تضاد است. تنظیم تعادل و رعایت نقطه­ی بهینه میان این دو اصل، کفایت و کارایی مدیریت در بانک را نشان می­دهد. به بیان دیگر، کارایی مدیریت بانک را می­توان در نحوه مصرف منابع بانک سنجید به­گونه­ای که همزمان هم کمترین ریسک را بابت نقدینگی به بانک تحمیل کند و هم بیشترین سود را برای سهامداران بانک به ارمغان بیاورد.

3-1-3 - اصل امنیت

این هدف و اصل به مفهوم چگونگی برگشت اصل و سود تسهیلات اعطایی و پرهیز از ریسک بالا می­باشد. این اصل در تضاد اصل منفعت و اصل نقدینگی، حق تقدم را به رعایت حفظ منافع سپرده­گذاران هدایت می­کند. به تعبیر دیگر، بانک‌ها باید امنیت دارایی مردم را حفظ کنند و دارایی آنها باید پاسخگوی تعهدات و بدهی ایشان باشد. این اصل، بانکدار را از انجام عملیات بانکی پرریسک مانند؛ سفته‌بازی که منابع بانک و منافع سپرده­گذاران را با خطر مواجه می‌سازد، برحذر می‌دارد.

4-1-3- اصل نظارت

بر اساس این اصل قانونگذار قوانینی وضع می­نماید که محور آن حفظ سلامت و ثبات شبکه بانکی، صیانت و حمایت از مشتریان، امنیت سپرده­ها و جلوگیری از بحران­ها می­باشد. به‌طور معمول بانک مرکزی ناظر بر حسن اجرای این قوانین می­باشد و جهت کسب اطمینان از اینکه فعالیت بانک­ها مطابق این مقررات صورت می­گیرد، فعالیت­های آنها را زیر نظر می­گیرد. در این راستا بانک مرکزی عملیات بانک­ها را با ضوابط و مقررات تعیین­شده برای فعالیت بانکی تطبیق می‌دهد.

2-3- اصول ده­گانه در بانک­های تجاری

اصول ده­گانه در بانک­های تجاری عبارتند از :

1. **اصل نقدینگی**

همانگونه که به تفصیل در مورد این اصل بحث شد، اصل نقدینگی به معنای پاسخگویی بموقع به تقاضای برداشت وجه سپرده­گذاران می­باشد که لازمه­ی آن نقدینگی یا ترکیبی از سبد دارایی و ذخایر بانکی است که بانک همواره بتواند به‌صورت آنی به درخواست سپرده­گذار پاسخ دهد.

1. **اصل توانایی در پرداخت**[[30]](#footnote-30)

حساب سرمایه پشتوانه­ی عملیات روزانه­ی بانک و تضمین استمرار آن در بلندمدت است. مقدار سرمایه­ی بانک سبب ایجاد اطمینان سپرده­گذاران در رابطه با قدرت مالی بانک و توانایی بازپرداخت سپرده ایشان می­باشد، اما نمی­تواند جایگزین مدیریت شایسته شود.

1. **اصل سودآوری**[[31]](#footnote-31)

شرط بقای بانک به­مثابه تمامی بنگاهای اقتصادی، سودآوری است. سودآوری به معنای بازده دارایی­ها و بازده سرمایه، هدف مدیریت در بانک می­باشد. به‌طور معمول رسالت مدیر بانک تجاری به حداکثر رساندن ارزش بانک از طریق ایجاد یک جریان مستمر سودآوری با ثبات، با کیفیت و در حال رشد است.

1. **اصل جمع آوری سپرده و پس­انداز**[[32]](#footnote-32)

بانک­ها با عملیات اعتباری خود وجوه نقد، اندوخته­ها و سپرده­های راکدی که توانایی به کارگیری در پروژه­های اقتصادی ندارند را جذب و در اختیار افرادی که توانایی ارزش­آفرینی دارند، قرار می­دهند. مقدار وجوه جذب­شده تعیین­کننده­ی قدرت وام­دهی بانک­ها و سودآوری بانک نیز تابعی از قدرت وام­دهی آن می­باشد**.**

1. **اصل وام دهی و سرمایه­گذاری**[[33]](#footnote-33)

وام­دهی و سرمایه­گذاری دو راه اصلی کسب سود برای بانک­ها هستند. سرمایه­گذاری بانک­ها به معنای تأمین سرمایه لازم جهت اجرای طرح­های تولیدی و عمرانی انتفاعی بوده و دو عامل اصلی گزینش این طرح­ها؛ ریسک و مدت سرمایه­گذاری می­باشد.

1. **اصل ارائه خدمات**[[34]](#footnote-34)

این اصل بیانگر این است که بانک­ها بایستی خدمات لازم را به گونه­ای ارائه نمایند که پاسخگوی نیازهای مشتریان و سیستم اقتصادی باشند. کیفیت و روش­های ارائه خدمات تا اندازه­ای مهم است که الگوهای گوناگون بانکداری با ارائه­ی متمایز خدمات، هویت می­یابند.

1. **اصل رازداری**[[35]](#footnote-35)

رازداری و حفظ اسرار مشتریان از جمله عوامل مهم در اجلب اعتماد و اعتباردهی سپرده­گذاران به بانک‌هاست. مشتریان بانک­ها نیاز دارند که نسبت به رازداری بانک اطمینان حاصل کنند.

1. **اصل کارائی**[[36]](#footnote-36)

کارآیی به معنای درست انجام دادن کارها بوده و از طریق شاخص نسبت نتایج حاصل شده به مقدار نتایجی که باید حاصل شود(نسبت کار انجام شده به کاری که بایستی انجام شود)، اندازه­گیری می­شود. این اصل یکی از اجزاء اصلی بهره­وری و اجرای آن توسط همه­ی اجزاء سیستم بانک شرط لازم برای موفقیت مدیریت بانک می­باشد.

1. **اصل ایمنی**[[37]](#footnote-37)

بانک­ها به‌عنوان امین مردم موظفند امنیت دارایی و سپرده­های مردم را حفظ کنند. بنابراین بر اساس این اصل انجام عملیات بانکی پرریسک جهت کسب سود بیشتر محدود می­شود. از جمله عوامل مؤثر در تأمین امنیت فعالیت­های بانک در قبال ریسک، مبنای کفایت سرمایه است.

1. **اصل صرفه­جویی**[[38]](#footnote-38)

عوامل تعیین­کننده موقعیت رقابتی بانک عبارتند از: هزینه و میزان سرمایه. چنانچه بانک با کمبود سرمایه و یا افزایش هزینه سرمایه مواجه شود، موقعیت تجاری و سهم بازار خود را در برابر رقبا از دست می­دهد. بازده مورد انتظار سهامداران و تعهد ایجاد شده برای بانک جهت دستیابی به آن مهمترین عوامل تعیین­کننده­ی هزینه بانک هستند.

3-3- اصول سرمایه­گذاری در بانک­ها

همانطور که در بخش قبل گفته شد ماهیت تعهدات بانک در مقابل صاحبان سپرده­ها جهت دستیابی به بازده مورد انتظار سهامداران یکی از عوامل اصلی تعیین­کننده­ی هزینه بانک است. هر یک از سناریوهای سودآوری بانک­ها، متأثر از دو عامل هزینه و زمان می­باشد. برای مثال هر چه سررسید اوراق قرضه طولانی­تر باشد امکان تغییر ارزش معاملاتی آن زیادتر و در نتیجه با ریسک بیشتری همراه خواهد شد. بنابراین لازم است سرمایه­گذاری­های بانک، چارچوب­ها و اصولی را رعایت نماید. اصول سرمایه­گذاری در بانک­ها عبارتند از:

الف) کاهش مخاطرات اعتباری

به‌صورت کلی مخاطرات اعتباری به بازپرداخت اصل و بهره وجوه دریافتی توسط مشتریان و انتشاردهندگان اوراق قرضه برمی­گردد. عوامل پیرامونی و محیط کلان مهمترین عوامل موثر در بازپرداخت اصل و فرع وجوه می­باشند. بنابراین مدیران بانک در طراحی استراتژی­های خود ضمن تحلیل سبد فعلی بنگاه، برای دوره­های رونق و رکود، صنایع مختلف، شرایط سیاسی، فرهنگی و ... مؤلفه­های متفاوتی را در نظر می­گیرند تا با بررسی­های دقیق عوامل محیطی، راهبردهایی با کمترین ریسک و بیشترین بازده را تدوین نمایند. یکی از روش­های متداول در این خصوص، مفهوم سبد و پورتفولیو[[39]](#footnote-39) می­باشد. مارکوئیتز[[40]](#footnote-40)، برنده جایزه نوبل ۱۹۹۰ اقتصاد، خصوصیات ریسک-بازده[[41]](#footnote-41) ترکیب­های مختلف دارایی­های مالی را تحلیل کرد و نشان داد که پیکربندی­های مطلوبی وجود دارند که بده-بستان[[42]](#footnote-42) بین ریسک و بازده را بهینه می­کنند. این سبدهای کارا، بازده مورد انتظار را برای سطح مشخصی از ریسک بیشینه می­کنند و یا ریسک را برای سطح مشخصی از بازده کمینه می­سازند.

ب) کاهش مخاطرات پولی

مدیریت بانک بایستی توازن سررسید منابع و مصارف را رعایت نماید تا ریسک ناشی از انطباق نامناسب سررسید دارایی­ها و بدهی­ها را به­گونه­ای کاهش دهد که حتی­الامکان نیاز به فروش سرمایه­گذاری­های بانک قبل از سررسید آنها نداشته باشد. بدین منظور، بانک می­تواند از ابزارهایی مانند؛ استفاده از بازار بین­بانکی، بیمه سپرده­ها، ذخیره­ی قانونی نزد بانک مرکزی و دسترسی به نقدینگی بانک مرکزی برای مدیریت نقدینگی استفاده نماید.

ارزیابی اینکه یک بانک در شرایط و زمان­های مختلف به اندازه­ی کافی نقدینگی دارد یا خیر، تا حد زیادی به رفتار جریانات نقد در شرایط مختلف بستگی دارد. بنابراین تجزیه و تحلیل مخاطرات پولی مستلزم بررسی سناریوهای متنوع است. تحت هر سناریو بانک باید تلاش کند هرگونه نوسانات قابل ملاحظه­ی مثبت و منفی نقدینگی را در نظر بگیرد. این سناریوها باید هم عوامل داخلی (شرایط ویژه بانک) و هم عوامل خارجی (مسائل مربوط به بازار) را مدنظر قرار دهند. لازم است بانک تحت سناریوهای مختلف زمان­بندی جریانات نقد را برای هر نوع از دارایی یا بدهی مشخص کند.

ج) تأمین ظرفیت نقدی بانک

این اصل تا حد زیادی به ویژگی نقد شوندگی دارایی­ها ارتباط دارد. نقدشوندگی به معنای سهولت فروش دارایی­ها و اوراق بهادار و تبدیل آن به وجه نقد بدون کاهش از ارزش آن می­باشد. نقدشوندگی به معنی قابلیت تبدیل دارایی مالی به پول نقد در کمترین زمان است. بنابراین یکی از مهمترین عوامل موثر در قابلیت تبدیل دارایی، مدت سرمایه­گذاری­ها می­باشد. این ویژگی در اوراق بهاداری که در بازارهای ثانویه[[43]](#footnote-43) معامله می­شوند، بسیار برجسته است.

همانطور که در ابتدای این بحث گفته شد هرچه سررسید اوراق قرضه طولانی­تر باشد امکان تغییر ارزش معاملاتی آن زیادتر و در نتیجه با ریسک بیشتری همراه خواهد شد. در نتیجه برای کاهش ریسک بانک، هم از سمت قابلیت نقدشوندگی و هم از سوی ثبات ارزش دارایی­ها، منفعت بانک­ها در سررسیدهای کوتاه­تر در سرمایه­گذاری­ها می­باشد.

4-3- اصل تخصصی بانکی[[44]](#footnote-44)

اصل تخصصی بانکی بستگی به نوع عملیات بانکی دارد. عملیات بانکی عبارتست از عملیات بانکی؛ کوتاه­مدت، میان­مدت، بلندمدت و عملیات مالی به‌صورت انتشار اوراق بهادار.

**الف) اصل تخصص بانکی از نظر بانکداران انگلیسی**

بانکداران انگلیسی معتقدند اعطای اعتبارات و وام­های بلندمدت از محل سپرده­های دیداری خطرناک است زیرا سپرده­های دیداری سپرده­هایی هستند که هر آن ممکن است از طرف صاحبان آنها مورد استفاده قرار گیرند. اگر چه در مواقع عادی همیشه پرداخت سپرده با دریافت سپرده جدید همراه است و از این نظر بانک با مشکلی روبرو نمی­شود ولی در جریان گردش سپرده و اعتبارات نباید مواقع غیر عادی را از نظر دور داشت. زیرا وقتی در بخشی از اقتصاد، بحرانی احساس شود و صاحبان صنایع و بازرگانان در تعهدات خود در مقابل بانک­ها با مشکل روبرو گردند و بانک­ها نتوانند از محل دریافت­های جدید سپرده­های صاحبان سپرده­ها را پرداخت نمایند این امر منجر به عدم اعتماد سپرده­گذاران نسبت به بانک خواهد شد. احتمالاً و در این مواقع، صاحبان سپرده برای دریافت سپرده­های خود به بانک­ها هجوم خواهند آورد و بانک­ها به علت فقدان نقدینگی مجبور خواهند شد پرداخت­های خود را متوقف سازند. بانکداران انگلیسی معتقدند هر دسته از عملیات بانکی باید به بانک­های ویژه­ای واگذار شود.

**ب) اصل تخصص بانکی از نظر بانکداران آلمانی**

بانکداران آلمانی معتقدند که استفاده از سپرده­های دیداری به‌منظور تأمین مالی عملیات بلندمدت بانکی، در گردش سپرده­ها و اعتبارات ایجاد اختلال نمی­نماید. زیرا در مواقع عادی همیشه استرداد سپرده از طرف سپرده­گذاران با ارائه سپرده جدید همراه است و از این نظر دریافت­ها و پرداخت­های بانکی اغلب خودبخود متناسب می­شود.

طرفداران این عقاید می­گویند دلیلی وجود ندارد در مواقع عادی، بانک­ها برای عملیات بانکی نتوانند از محل سپرده­های دیداری استفاده کنند. البته در مواقع غیرعادی که صاحبان صنایع و بازرگانان در تعهدات خود در مقابل بانک­ها با مشکل روبرو شوند و بانک­ها نتوانند از محل دریافت­های جدید، سپرده صاحبان سپرده­ها را پرداخت نمایند، مشکل اساسی در اقتصاد کشور می­باشد که با بحران مواجه گردیده است. در این مواقع دولت وظیفه دارد مشکلات ناشی از بحران را مرتفع سازد و گردش سپرده­ها و اعتبارات را هدایت نماید و از طریق کمک به بانک­ها تا مدتی پرداخت­های آنها را تأمین نماید.

**ب) اصل تخصص بانکی از نظر بانکداران فرانسوی**

نظر بانکداران فرانسوی مانند نظریه بانکداران انگلیسی است ولی عقیده دارند دسته­ای از سرمایه­گذاری­ها را می­توان از محل سپرده­های دیداری تأمین نمود. اعتباراتی که برای تأمین این نوع سرمایه­گذاری­ها اعطاء می­شود اعتبارات میان‌مدت است یعنی اعتباراتی که مدت آنها بین دو تا پنج سال است. این اعتبارات از تجدید اعتبارات کوتاه­مدت در طول سرمایه­گذاری­هایی که از پنج سال تجاوز نمی­کند به وجود می­آید.

در سیستم اعطای اعتبارات میان­مدت از طریق تکرار اعتبارات کوتاه­مدت از نظر عملیات بانکی سیستمی به وجود آمده است که می­توان آنرا حد فاصل سیستم بانکی انگلیسی و آلمانی تصور نمود. در این سیستم اگر چه اعطای اعتبارات میان­مدت از محل سپرده­های دیداری در اختیار بانک­های عادی است ولی سرمایه­گذاری­ها به عهده بانکی است که طبق تخصص برای نوع خاصی اعتبارات، صلاحیت لازم را احراز کرده است.

5-3- رتبه­بندی بانک­ها

رتبه­بندی اعتباری دلالت بر شایستگی اعتباری و قابلیت اطمینان طرف قرارداد در رابطه با تعهدات مالی دارد. انواع مختلفی از سیستم­های رتبه­بندی اعتباری برحسب اندازه­ی رتبه­بندی، تکنیک­های تخصیص رتبه و نوع داده­های تاریخی وجود دارند.

رتبه­های اعتباری می­توانند نشان­دهنده­ی ریسک نسبی در خصوص تسهیلات اعتباری نهاد مالی باشد. در اغلب اقتصادهای غربی رتبه­بندی توسط نهادهای مالی مستقل نظیر «استاندارد اند پورز[[45]](#footnote-45)»، «موديز[[46]](#footnote-46)» و «فیح[[47]](#footnote-47)» صورت می‌گیرد.

**۱-۶-۴- مقایسه رتبه­بندی اعتباری موسسات رتبه­بندی بین­المللی**

موسسه­ی استاندارد اند پورز، رتبه­بندی اعتباری را اینگونه تعریف می­کند: سیستم رتبه­بندی اظهار نظر در مورد ارزش اعتباری یک بدهکار با توجه به اوراق بدهی با سایر تعهدات مالی وی بر اساس عوامل ریسک است. در رتبه­بندی این سیستم عمدتاً به دو شاخص مالی (نظیر تحلیل صورت­های مالی، ساختار سرمایه، جریان نقدی، انعطاف­پذیری مالی و راهبردهای مالی) و شاخص­های تجاری (نظیر وضعیت رقابتی و کیفیت مدیریت) متمرکز می­شود؛ در حالی­که شرکت «مودیز» علاوه بر شاخص­های مالی و تجاری ساختار حقوقی (نظیر رابطه با شرکت­های دیگر دعاوی موجود) و کیفیت مدیریت (نظیر نوع ساختار سازمانی، خلاقیت و نوآوری و کارآفرینی) را نیز مد نظر قرار می­دهد. شایان ذکر است که طی دهه­ی اخیر، بسیاری از بانک­ها با الگوبرداری از سیستم­های رتبه­بندی خارجی[[48]](#footnote-48)، سیستم رتبه­بندی داخلی[[49]](#footnote-49) ایجاد نموده‌اند. در رتبه­بندی داخلی، هدف اصلی همانا طبقه­بندی اعتبارگیرندگان از لحاظ ریسک اعتباری آنهاست.

امروزه یکی از روش­های امتیازدهی به ارزیابی­ جهت رتبه­بندی اعتباری بانک­ها به دو دسته­ی کمی و کیفی تقسیم می‌شوند. در تحلیل کیفی امتیازدهی اعتباری به تجربه­ی افراد مسئول در اعطای تسهیلات وابسته است ولیکن در روش کمی، پیش­بینی­ها به تابع توزیع برآورد شده وابسته است.

تکنیک­های مورد استفاده در سنجش رتبه­ی اعتباری بانک­ها را نیز می­توان به دو دسته تقسیم کرد: الف) رتبه­بندی مقطع زمانی[[50]](#footnote-50) و چرخه­ی فراگیر[[51]](#footnote-51) ب) رتبه­بندی کیفی و کمی.

الف) در سیستم­های رتبه­بندی مقطع زمانی، اطلاعات در زمان رتبه­بندی، عامل اصلی سنجش است، بنابراین رتبه­بندی اعتباری با تغییر مقطع زمانی متفاوت خواهد بود. عامل اصلی تغییر رتبه­بندی در این سیستم، تغییر شرایط قرض‌گیرندگان است که سبب تغییر از دوره­ای به دوره­ی دیگر خوهد بود. بر خلاف این روش،سیستم رتبه­بندی چرخه­ی فراگیر بایستی از دوره­ای به دوره­ی دیگر و مطابق با شرایط قرض­گیرندگان، بروزرسانی شود.

ب) همانطور که گفته شد، سیستم­های رتبه­بندی کیفی بر مبنای قضاوت­های تخصصی و تجربی هستند ولیکن در سیستم­های رتبه­بندی کمی از داده­های کمی و مدل­های ریاضی استفاده می­شود.

جدول زیر طبقه­بندی درجات رتبه­ی اعتباری از AAA تا D را نشان می­دهد. هرچه درجات بیشتر باشد حکایت از ریسک اعتباری کمتری دارد، هرچه درجه ریسک اعتباری بیشتر باشد بیانگر احتمال نکول طرف قرارداد در ایفای تعهدات اعتباری است.

|  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- |
| **استاندارد اند پورز** | | **خدمات سرمایه­گذاری مودیز** | |
| بهترین درجه | AAA | بهترین کیفیت | Aaa |
| درجه­ی بالا | AA | کیفیت بالا | Aa |
| درجه­ی بالاتر از متوسط | A | درجه­ی متوسط به بالا | A |
| درجه­ی متوسط | BBB | درجه­ی متوسط | Baal |
| مناسب سفته­بازی | BB | دارای ابعاد سفته­بازی | Ba |
| بسیار مناسب سفته­بازی | B | عموماً فاقد صفات مطلوب | B |
| کاملاً مناسب سفته­بازی | CCC-CC | در معرض نکول | Caa |
| در مراحل ورشکستگی | C | اغلب نکول­شونده | Ca |
| نکول در پرداخت | D | پایین­ترین درجه | C |

۲-۶-۴- **شاخص­های سلامت بانکی**

برخی از شاخص­های خرد سلامت بانکی (نسبت­های عملیاتی) که برای ارزیابی کارآیی نظام نظارتی بانک مرکزی استفاده می­شود عبارتند از:

1. سرمایه بانک­ها (نسبت کفایت سرمایه)
2. مطالبات سررسید گذشته و معوق بانک­ها
3. سودآوری **(**بازده دارایی­ها و بازده سرمایه)
4. نقدینگی (نسبت دارایی­های نقد به کل سپرده­ها و دارایی­ها)
5. رعایت مقررات در بانک­ها
6. شاخص­های احتیاطی (نسبت مطالبات معوق به کل مطالبات، نسبت بازده دارایی­ها، نسبت بارده حقوق صاحبان سهام)

۳-۶-**۴-مدل** CAMELS

در حال حاضر روش­های متعددی برای رتبه­بندی بانک­ها وجود دارد که رایج­ترین آنها که مورد تأیید ناظر بین­المللی مانند کمیته بال[[52]](#footnote-52) و همچنین بانک تسویه بین­المللی قرار گرفته، مدل رتبه­بندی است که در آن از شاخص­ها و نسبت­های زیر استفاده می­شود. کفایت سرمایه[[53]](#footnote-53)، کیفیت دارایی­ها[[54]](#footnote-54)، توانایی مدیریت[[55]](#footnote-55)، درآمد[[56]](#footnote-56)، نقدینگی[[57]](#footnote-57)، حساسیت به ریسک بازار[[58]](#footnote-58).

این مدل سنگ محکی برای ارزیابی و ارزش­گذاری عملکرد بانک­ها و موسسات اعتباری غیربانکی است. به نظر اکثر کارشناسان شاخص­های روش رتبه­بندی CAMELS می­تواند نقاط آسیب­پذیر بانک­ها را به خوبی شناسایی و دلایل آن را تشریح نماید.

**الف) نسبت کفایت سرمایه**

چنانچه تصریح شد نسبت کفایت سرمایه مهم­ترین شاخص در شناسایی مشکلات بانک­ها بوده و به خوبی بیانگر شرایط بانک و احتمال ورشکستگی آن می­باشد. الزامات بال برای این شاخص به سه درجه تقسیم می­شود که سخت­ترین الزامات برای گروه بال ۳ می­باشد. اگر نسبت کفایت سرمایه در بانک‌های ایران را با الزامات بال ۱ انطباق دهیم به این نتیجه می‌رسیم که برخی از بانک­ها به سختی این شرایط را پاس می­کنند و یا ناکام می­مانند و اگر با استانداردهای بال ۲ انطباق دهیم شرایط سخت­تر و اگر با بال ۳ مقایسه نماییم اوضاع به شدت ناگوار می­شود.

**ب)شاخص کیفیت دارایی­ها**

این شاخص یکی از مهمترین عوامل مؤثر در توانایی بانک­ها برای مواجهه با شرایط بحرانی است. برای محاسبه ی این شاخص چندین روش وجود دارد که به ترتیب اهمیت عبارتند از:

* مانده مطالبات غیرجاری به کل تسهیلات
* تسهیلات غیرجاری به سرمایه پایه
* تسهیلات اعطایی به کل دارایی­ها
* تسهیلات بخشی به کل تسهیلات
* دارایی­های درآمدزا به کل دارایی­ها
* سرمایه­گذاری به کل دارایی

**ج) توانایی مدیریت**

این شاخص ناشی از نوع عملکرد بانک در رابطه با نیروی انسانی و مدیریت عملکرد آن می­باشد. مهمترین روش اندازه‌گیری این شاخص، ارزیابی عملکرد مدیران بانک با توجه به شرایط درونی و پیرامونی بانک و جامعه می­باشد. برای این شاخص در شرایط متفاوت می­توان روش­های محاسبه­ی متفاوتی را در نظر گرفت.

**د) درآمد**

نسبت­های سودآوری و شاخص­های ارزیابی درآمد بانک بدلیل اینکه از طریق قیمت سهام بانک در بورس به‌طور مستقیم بر ارزش روز خالص دارایی­های بانک تأثیر دارند، بسیار با اهمیت هستند. مهمترین روش­های اندازه­گیری این نسبت به ترتیب عبارتند از:

* بازده دارایی­ها
* حاشیه عملیاتی
* بازده سرمایه

**ه) نقدینگی**

چنانچه توضیح داده شد شاخص­های کیفیت نقدینگی بیانگر وضعیت مدیریت وجوه نقد و شرایط نقدینگی بانک در هنگام بروز بحران می­باشند. مهمترین روش­های محاسبه این شاخص به ترتیب عبارتند از:

* نسبت دارایی نقد به کل سپرده
* نسبت ماندگاری سپرده­ها
* پوشش نوسانات
* پوشش بدهی­های کوتاه­مدت
* نسبت بدهی­های پرنوسان

**ز) حساسیت به ریسک بازار**

ریسک بازار[[59]](#footnote-59) به معنای عدم تطابق سررسید بدهی­ها و دارایی­های بانک و مخاطرات ناشی از نرخ بهره بوده و حساسیت به ریسک بازار به معنای مقدار تأثیرپذیری بانک از این عوامل می­باشد. ریسک بازار شامل ؛تغییرات نرخ بهره، تغییرات نرخ ارز، تغییرات قیمت سهام و تأثیر تغییرات نرخ بهره بر روی ابزار سرمایه­گذاری شده می­باشد. مؤلفه­های سازنده­ی ریسک بازار عبارتند از: ریسک نرخ بازده (نرخ سود)، ریسک نرخ ارز، ریسک قیمت کالا، ریسک ارزش سرمایه .

**۴-۶-۴-** **شاخص­های سودآوری بانک­ها**

درآمد خالص یا سود حسابداری[[60]](#footnote-60) یک بانک با کسر هزینه­های بانک از مجموع درآمدهای آن به دست می­آید. برای مقایسه عملکرد مربوط به درآمدهای خالص بانک­ها معمولاً از شاخص­های زیر استفاده می­شود. دو شاخص اول و دوم به­عنوان شاخص­های کلیدی عملکرد[[61]](#footnote-61) بانک نیز شناخته می­شوند.

1. بازده دارایی: نشان می­دهد مدیران بانک با چه کیفیتی توانسته­اند بخشی از دارایی­های خود را به سود تبدیل کنند.
2. بازده حقوق صاحبان سهام: میزان سود کسب شده برای سهامداران را نشان می­دهد.

این دو شاخص بر مبنای داده­های گذشته­ی بانک محاسبه می­شوند. اتکای صرف به این دو شاخص ممکن است گمراه‌کننده باشد. برای داشتن تصویری جامع از بانک و اتخاذ تصمیم بهینه، نیاز است تا به اطلاعات کنونی و آینده بانک نیز دسترسی داشته باشیم. بر این اساس می­توانیم از شاخص حاشیه بهره خالص و ارزش افزوده نیز استفاده کنیم.

1. حاشیه بهره خالص: تفاوت بین درآمد بهره و هزینه­های بهره­ی یک بانک به‌عنوان درصدی از کل دارایی­ها می‌باشد.
2. ارزش افزوده: این شاخص بر جریان عملیاتی بانک‌ها تمرکز دارد و بدلیل اینکه کمتر تحت تأثیر سرمایه‌های کلان قرار دارد، نتایج دقیق­تری[[62]](#footnote-62) را ارائه می­دهد. همچنین بدلیل دخالت دادن هزینه­های بانک در فرمول محاسبه و نوسان­پذیری کمتر نسبت به شاخص­هایی نظیر ROZ، بیانگر مزیت رقابتی بانک­ها می­باشد. روش متداول برای محاسبه این شاخص بدین شرح است.

ارزش افزوده بانک= هزینه اقلام ورودی (هزینه حقوق صاحبان سهام - سود عملیاتی تعدیل شده)

**فصل چهارم**

قوانین و مقررات بانکی در ایران

**بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران**

هدف بانک مرکزی در جمهوری اسلامی ایران بر اساس ماده ۱۰ قانون بانکی و پولی کشور؛ حفظ ارزش پول، موازنه پرداخت­ها، تسهیل مبادلات بازرگانی و کمک به رشد اقتصادی کشور است. طبق فصل دوم قانون پولی و بانکی کشور، که در تاریخ هفتم خردادماه ۱۳۳۹ تصویب شد، کلیه امور مربوط به چاپ اسکناس و ضرب سکه و پشتوانه آن به بانک مرکزی محول و همچنین طبق مواد ۱۴ و ۱۸ قانون انتشار اسکناس، که قبلاً به موجب قانون مصوب ۳۰ تیرماه ۱۳۳۳ با هیأت مشترکی بود، منحصراً به بانک مرکزی ایران واگذار گردید.

اصولاً به دنبال تفکیک عملیات تجاری از چاپ اسکناس و سیاست‌های پولی و اعتباری، لزوم ایجاد بانک مرکزی ایران با هدف نظارت و هدایت فعالیت­های بانکی کشور، تنظیم اعتبارات، حفظ ثبات قیمتها، حفظ ارزش پول، کنترل دقیق امور ارزی و هدایت پس­اندازهای کشور به سوی سرمایه­گذاری­های مولد مطرح شد. بدین ترتیب، بانک مرکزی ایران در تاریخ ۱۸ مردادماه ۱۳۳۹ با سرمایه 3.6 میلیارد ریال[[63]](#footnote-63) و ۳۸۸ نفر پرسنل تأسیس گردید.

1-1-4 **ارکان بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران**

ارکان بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر است.

* مجمع عمومی: شامل؛ رئیس­جمهور (ریاست مجمع)، وزیر امور اقتصادی و دارایی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه­ریزی کشور، وزیر بازرگانی، یک نفر از وزرا به انتخاب هیأت وزیران.

شورای پول و اعتبار: شامل؛ وزیر امور اقتصادی و دارایی یا معاون وی، رئیس کل بانک مرکزی، رئیس سازمان مدیریت و برنامه­ریزی کشور یا معاون وی، دو تن از وزراء به انتخاب هیأت وزیران، وزیر بازرگانی، دو نفر کارشناس و متخصص پولی و بانکی به پیشنهاد رئیس کل بانک مرکزی و تأیید رییس­جمهور، دادستان کل کشور یا معاون وی، رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن، رئیس اتاق تعاون، نمایندگان کمیسیون­های "امور اقتصادی و برنامه و بودجه" و "محاسبات مجلس شورای اسلامی". ریاست شورا بر عهده رئیس کل بانک مرکزی[[64]](#footnote-64) خواهد بود.

* هیأت عامل: شامل؛ رئیس کل، قائم مقام، دبیر کل بانک، سه نفر معاون.
* هیأت نظارت اندوخته اسکناس: شامل؛ رئیس کل بانک مرکزی یا معاون وی، دو نماینده مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس، دادستان کل کشور یا معاون وی، خزانه­دار کل کشور، رئیس کل دیوان محاسبات، رئیس هیأت نظار.
* هیأت نظار: شامل؛ یک نفر رئیس و چهار نفر از میان حسابرسان خبره یا افراد مطلع در امور حسابداری و یا بانکی با داشتن حداقل ده سال سابقه کار که به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی و تصویب مجمع عمومی برای مدت دو سال انتخاب می­شوند.

بانک مرکزی می­تواند با حفظ ارزش پول و تنظیم حجم اعتبارات و اعمال سیاست‌های پولی و نظارت بر عملیات بانک­های تجاری و تخصصی از بروز بحران­های پولی جلوگیری کرده و نقش اساسی را در رشد و توسعه اقتصادی کشور ایجاد نماید. وظایف عمده­ی بانک مرکزی با وظایفی که به عهده بانک­های تجاری یا تخصصی است کاملاً متفاوت می­باشد.

**2-1-4- وظایف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران**

بانک مرکزی می­تواند با حفظ ارزش پول و تنظیم حجم اعتبارات و اعمال سیاست‌های پولی و نظارت بر عملیات بانک­های تجاری و تخصصی از بروز بحران­های پولی جلوگیری کرده و نقش اساسی را در رشد و توسعه اقتصادی کشور ایجاد نماید. وظایف عمده­ی بانک مرکزی با وظایفی که به عهده بانک­های تجاری یا تخصصی است کاملاً متفاوت می­باشد. مهم­ترین وظایف بانک مرکزی را می­توان در سه دسته بیان کرد:

(الف) وظایف عمومی بانک مرکزی

(ب) وظایف بانک مرکزی به‌عنوان تنظیم‌کننده نظام پولی و اعتباری

(ج) بانک مرکزی به‌عنوان بانکدار دولت

مفاد و مصادیق هر یک از این سه گروه به شرح زیر است:

الف) مهم­ترین وظایف عمومی بانک مرکزی عبارتند از:

1. متولی ذخائر بانک­های تجاری و تخصصی
2. آخرین قرض­دهنده تنزیل مجدد استاد نزولی بانک‌های تجاری و تامین نیازهای امتیای آنها، LOLR[[65]](#footnote-65))
3. تسویه محاسبات بین بانک­ها (پایاپای)
4. اجرای سیاست پولی

ب) بر اساس ماده 11 قانون بانکی و پولی کشور[[66]](#footnote-66) مهمترین وظایف بانک مرکزی به‌عنوان تنظیم­کننده نظام پولی و اعتباری عبارتند از:

1. ناشر اسکناس و مسکوک
2. نظارت بر بانک‌ها و موسسات اعتباری
3. تنظیم­کننده مقررات و ناظر معاملات معاملات ارزی
4. تنظیم­کننده و ناظر معاملات طلا در کشور
5. تنظیم­کننده مقررات و ناظر بر ورورد و خروج پول رایج در کشور

ج) بر اساس ماده ۱۲ قانون بانکی و پولی کشور مهمترین وظایف بانک مرکزی به‌عنوان بانکدار دولت عبارتند از:

1. نگاهداری حساب­های موسسات وابسته به دولت(وزارتخانه­ها، شهرداری­ها و...)
2. فروش و بازپرداخت اصل و بهره­ی انواع اوراق فرضه دولتی و اسناد خزانه
3. نگاهداری کلیه ذخایر طلا و ارز کشور
4. نگاهداری وجوه ریالی صندوق بین­المللی پول و موسسات بین­المللی توسعه و...
5. انعقاد موافقت­نامه پرداخت در اجرای قراردادهای پولی و مالی و بازرگانی بین دولت­ها و کشورها

**3-1-4 اختیارات بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران**

تمامی وظایف بانک مرکزی در جهت هدف کنترل اعتبارات است و سیاست پولی که بانک مرکزی موظف به اجرای آن است را می­توان کنترل حجم پول در اقتصاد ملی به‌منظور ثبات اقتصادی تعریف نمود. بر اساس ماده ۱۴ قانون بانکی و پولی کشور، بانک مرکزی در حسن اجرای نظام پولی کشور می­تواند به شرح زیر در امور پولی و بانکی مداخله و نظارت کند (ابزارهای در اختیار بانک مرکزی):

1. تعیین نسبت و نرخ بهره سپرده قانونی بانک­ها نزد بانک مرکزی که کمتر از ۱۰% و بیشتر از ۳۰% نخواهد بود (به‌منظور تغییر ضریب فزاینده پولی و عرضه پول)
2. تعیین نرخ رسمی تنزيل مجدد و بهره وام­ها (هزینه استقراض از بانک مرکزی و تغییر نرخ بهره بانک­ها)
3. تعیین نسبت دارایی­های آتی بانک­ها به کلیه دارایی­ها یا به انواع بدهی­های آنها
4. تعیین میزان حداقل و حداکثر بهره و کارمزد دریافتی بانک­ها
5. تعیین نسبت مجموع سرمایه پرداخت شده و اندوخته بانک­ها به انواع دارایی­ها
6. تعیین حداکثر نسبی تعهدات ناشی از افتتاح اعتبار اسنادی و...
7. تعیین شرایط معاملات اقساطی
8. تعیین نحوه مصرف وجوه سپرده­های پس­انداز و سپرده­های مشابه نزد بانک­ها
9. تعیین حداكثر مجموع وام‌ها و اعتبارات بانک‌ها
10. تعیین شرایط کلی اخذ وام بانک‌ها از اشخاص و صدور گواهی سپرده
11. و...

البته به‌صورت عمومی، موارد زیر را نیز می­توان جزء ابزارهای اصلی بانک مرکزی محسوب کرد:

* عملیات بازار آزاد (خرید و فروش اوراق قرضه دولتی توسط بانک مرکزی)
* کنترل اعتبارات (کنترل مستقیم اعتبارات از طریق نرخ بهره و حدود اعتباری)
* ترغیب اخلاقی

بر اساس ماده ۱۳ قانون بانکی و پولی کشور، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران دارای اختیارات زیر می­باشد.

1. دادن وام و اعتبار به وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی
2. تضمین تعهدات دولت و وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی
3. اعطای وام و اعتبار و تضمین وام و اعتبارات اعطایی به شرکت­های دولتی و شهرداری­ها و...
4. تنزيل مجدد برات­ها و اسناد بازرگانی کوتاه­مدت بانک‌ها و دادن اعتبار به بانک‌ها با تأمین کافی
5. خرید و فروش اسناد خزانه و اوراق قرضه دولتی و اوراق قرضه صادر شده از طرف دولت‌ها و موسسات خارجی
6. خرید و فروش طلا و نقره
7. افتتاح و نگهداری حساب­جاری نزد بانک­های خارجی و انجام کلیه عملیات مجاز بانکی در داخل و خارج.

قوانین و مقررات بانکداری

بانک­ها نقش محوری در اقتصاد کشورها داشته و در به حداقل رساندن برخی عیب­های موجود در بازار (مانند عدم تقارن اطلاعات، خطر اخلاقی و انتخاب نامطلوب) نقش قابل توجهی ایفا می­کنند. همچنین صنعت خدمات مالی و بانکداری از نظر سیاسی بسیار حساس می­باشد و تا حد زیادی متکی بر اعتماد عمومی است. به دلیل ماهیت، بانک­ها نسبت به شرکت­های دیگر بیشتر مستعد ابتلا به مشکلات هستند. علاوه بر این، به دلیل ارتباط بانک­ها، ورشکستگی یک بانک می­تواند به سرعت بر سایر بانک‌ها تأثیر بگذارد (خاصیت سرایت بانکی) و منجر به ترس و هجوم مردم به بانک‌ها برای دریافت سپرده­هایشان شود. در واقع سیستم­های بانکداری در معرض ریسک سیستماتیک قرار دارند و این خطر وجود دارد که مشکلات موجود در یک بانک به سرعت به کل بانک­ها گسترش یابد. تمامی این موارد نشان­دهنده آن است که این نهادها، نیازمند قانونمندی و نظارت سطح بالایی هستند.

در مورد قوانین بانکداری سه نوع مختلف مقررات شناخته شده است: (الف) قوانین سیستماتیک (ب) قوانین احتیاطی (ج) اداره مقررات کسب‌وکار.

الف) قوانین و مقررات سیستماتیک: به همه سیاست‌های عمومی اطلاق می­شود که به‌منظور کمینه کردن خطر هجوم مردم به بانک‌ها طراحی شده و تحت عنوان شبکه دولت می­باشد. این شبکه ایمنی شامل دو ویژگی اصلی است؛ بیمه سپرده و کارکرد وام‌دهنده نهایی.

بیمه سپرده، تضمینی است که تمام یا بخشی از مبلغ سپرده­گذاری شده در یک بانک را، در صورتی که یک بانک ورشکسته شود، به سپرده­گذاران می‌پردازد. ضمانت ممکن است یا به صراحت در قانون بخش خصوصی و بدون حمایت دولت ارائه شود و با به‌طور ضمنی از وعده­های کلامی و با اقدامات گذشته مقامات استنباط شود. در سال‌های اخیر، بسیاری از کشورها این سیاست را اتخاذ کرده­اند و یا در مقابل، یک سیستم سپرده بیمه صریح با رسمی را مد نظر قرار داده­اند. در ایالات متحده آمریکا، شرکت بیمه سپرده فدرال (FDIC) تضمین می­کند که به سپرده­گذاران برای ۱۰۰,۰۰۰ دلار اولی که آنها در صورت ورشکستگی بانک سپرده­گذاری کرده­اند به‌طور کامل خسارت پرداخت خواهد کرد. در انگلستان تنظیمات و مقررات حفاظت از سپرده‌های جدید در سال ۲۰۰۱ معرفی شد. بدنه مسئول برای مدیریت این طرح جدید به‌عنوان جبران خدمات مالی (FSCS) شناخته می­شود که تحت خدمات مالی و قانون بازار ۲۰۰۰(FSCS) راه اندازی شد. FSCS کسب‌وکار انجام شده توسط شرکت­های مجاز توسط سازمان ( FSA )[[67]](#footnote-67) را پوشش می‌دهد.

ویژگی دوم، کارکرد وام‌دهنده­ی نهایی است وظیفه­ی وام­دهنده­ی نهایی (LOLA) یکی از وظایف اصلی بانک مرکزی است. بانک مرکزی و یا دیگر نهادهای مرکزی، از این طریق برای بانک هایی که با مشکل مالی مواجه هستند و به هیچ کانال اعتباری دسترسی ندارند بودجه فراهم می­سازند. از طریق مکانیزم LOLR، مقامات مذکور می­توانند نقدینگی لازم برای بخش بانکی در زمان بحران را فراهم کنند.

ب) قوانین احتیاطی و اداره مقررات کسب‌وکار عمدتاً برای حمایت از مصرف­کننده می­باشند که به نظارت و بازرسی بر نهادهای مالی، با توجه خاص به کیفیت دارایی­ها و کفایت سرمایه مربوط می­شود. قوانین احتیاطی در بریتانیا توسط FSA وضع شده است و به دنبال حصول اطمینان از اینکه شرکت­ها از نظر مالی ایمن هستند، می­باشد. این امر شامل تعیین استانداردهای پوشش مدیریت ریسک و سایر الزامات مرتبط نیز می‌باشد.

ج) اداره مقررات کسب‌وکار در انگلستان بر این موضوع تمرکز می­کند که بانک­ها و سایر موسسات مالی چگونه کسب‌وکار خود را هدایت می­کنند. این نوع از مقررات مربوط به افشای اطلاعات، شیوه­­های کسب‌وکار عادلانه، شایستگی، صداقت و یکپارچگی موسسات مالی و کارکنان آنها می­باشد.

مقررات بانکی در ایران

«قانون اجازه تأسیس بانک ملی ایران» که در سال ۱۳۰۶ به تصویب رسید فاقد مقررات عمومی ناظر بر عملیات بانکداری در ایران بود. ولی با افزایش عملیات بانک­ها پس از جنگ جهانی دوم و توجه به اینکه این فعالیت­ها در آینده احتمالاً توسعه خواهد یافت، نظر خاص دولت را به تنظیم قواعد و مقررات ناظر بر فعالیت­های بانکی، جلب کرد.

تا سال ۱۳۲۵ در مورد فعالیت­های بانکی در ایران ضوابطی وجود نداشت. طی تصویب­نامه­ای که در تیرماه ۱۳۲۵ صادر شد برای اولین بار مقرراتی در مورد فعالیت بانک­ها و موسسات اعتباری پیش­بینی گردید. این تصویب­نامه که اهداف مختلفی از جمله جلب سرمایه به رشته بانکداری را تعقیب می­کرد در عمل با شکست مواجه شد و در پنجم آذرماه ۱۳۲۵ لغو گردید.

اولین طرح قانون بانکداری توسط متخصصین بانک ملی ایران در فروردین ماه ۱۳۳۷ به هیات دولت ارائه شد و در اسفندماه همان سال تقدیم مجلس شورای ملی گردید ولیکن به تصویب نرسید. سرانجام پس از اظهارنظرهای گوناگون و رفت و برگشت­های فراوان در تاریخ هفتم خردادماه ۱۳۳۹، قانون بانکی و پولی کشور به تصویب رسید. عناوین مقرر در فصول چهارگانه این قانون عبارت بود از:

فصل اول: تأسیس شورای پول و اعتبار برای ارشاد فعالیت بانکی و کنترل اعتبارات کشور

فصل دوم: مسایل قانونی مربوط به پول رایج کشور

فصل سوم: وظایف و اختیارات بانک مرکزی ایران

فصل چهارم: مسایل مربوط به بانکداری ایران

در این بخش با توجه به رسالت و هدف از نگارش کتاب به کاربردی­ترین قوانین و مقررات بانکی در ایران اشاره می­شود.

۱-۵- شرایط و نحوه فعالیت بانک­ها

مراجع ثبت شرکت­ها نمی­توانند تقاضای تأسیس بانکی را در ایران به ثبت برسانند مگر آنکه مجوز بانک مرکزی را داشته و رونوشت گواهی شده "اساسنامه مربوط به تصویب شورای پول و اعتبار رسیده است" ضمیمه تقاضای ثبت باشد. هرگونه تغییر در اساسنامه بانک­ها نیز بایستی به تصویب شورای پول و اعتبار برسد. تشکیل بانک فقط به‌صورت شرکت سهامی عام با سهام با نام ممکن می­باشد. حداقل سرمایه بانک­های ایرانی دوست میلیون ریال است که باید تماماً تعهد شده و حداقل 50% آن پرداخت و قبل از تسلیم تقاضای تأسیس، نزد بانک مرکزی سپرده شده باشد.

میزان و نحوه ایجاد اندوخته­ی قانونی بانک­ها و طرز استفاده از آن طبق آیین­نامه­ای که به تصویب شورای پول و اعتبار خواهد رسید تعیین می­شود. اندوخته قانونی از ۱۵% سود ویژه سالیانه کمتر و از ۲۰% بیشتر نخواهد بود.

**فعالیت­های غیر مجاز برای بانک­ها**

* 1. خرید و فروش کالا به‌منظور تجارت

1. معاملات غیرمنقول
2. خرید سهام و مشارکت در سرمایه شرکت­ها و یا خرید اوراق بهادار به میزانی بیش از مجوز بانک مرکزی
3. اعطای اعتبار به اعضای ارکان خود
4. اعطای اعتبار به اعضای ارکان یا روسای ادارات و بازرسان بانک مرکزی
5. انتشار اوراق دیداری در وجه حامل

**ترتیب انحلال و ورشکستگی بانک­ها**

1. درخواست مقام صلاحیت­دار
2. عدم شروع فعالیت در مدت یکسال پس از اخذ مجوز
3. قطع فعالیت بدون عذر موجه برای مدت بیش از یک هفته
4. اقدام برخلاف اساسنامه مصوب
5. قدرت پرداخت بانکی به خطر افتد یا سلب شود

**ارکان بانک­ها عبارتند از:**

1. مجمع عمومی بانک­ها
2. شورای عالی بانک­ها
3. هیات مدیره هر بانک
4. مدیر عامل هر بانک
5. بازرسان قانونی هر بانک

* **اعضاء مجموع عمومی بانک­ها** عبارتند از: وزیر اقتصاد، وزیر صنایع، وزیر بازرگانی، وزیر کشاورزی، وزیر مسکن، رئیس سازمان برنامه بودجه.
* **شورای عالی بانک­ها** از هشت نفر عضو تشکیل می­شود: رئیس کل بانک مرکزی، مدیرکل بانک ملی، نماینده سازمان برنامه بودجه،نماینده وزرای؛ اقتصاد، مسکن، کشاورزی، بازرگانی، صنعت.

**مقررات عمومی بانک­ها**

1. سال مالی از اول فروردین تا پایان اسفند هر سال است
2. ترازنامه و حساب سود و زیان بایستی حداقل یکماه قبل از مجمع عمومی سالیانه به هیأت نظار تسلیم گردد
3. بانک مرکزی حداقل ماهی یکبار خلاصه­ای از وضع حساب­های خود را انتشار خواهد داد
4. سود ویژه بانک در هر سال بر اساس ماده ۲۵ تقسیم خواهد شد

۲-۵- نظام اعتباری

نظام در اصطلاح به معنای مجموعه­ای از اصول قواعد و ضوابط در ارتباط با یکدیگر و در راستای هدف یا اهداف مشخص می­باشد. بنابراین تعریف، در نظام اعتباری نیز رابطه­ به هم پیوسته اصول و قواعد و ضوابط اعتباری، هدف و یا اهداف اعتباری هر جامعه مورد نظر قرار می­گیرد. بانک­ها با اعطای تسهیلات و عملیات اعتباری خود سبب می­شوند تا مازاد منابعی که در اختیار اشخاص است و آنان به هر دلیلی توانایی بکارگیری آن را در پروژه‌های اقتصادی ندارند، از آنان به اشخاصی که ابتکار و خلاقیت کارآفرینی دارند و فاقد سرمایه هستند، منتقل گردد. اعطای وام شاخصه اصلی موفقیت یک بانک تجاری شناخته می­شود زیرا درآمد بانک­های تجاری از محل وام­های پرداختی به مشتریان خود غالباً به تنهایی از مجموع سایر درآمدهای آنها بیشتر است. از طرف دیگر، اهمیت خاص بانک­های تجاری از نظر اقتصادی تأثیر سرمایه­گذاری­های آنها در حجم پول کشور است. بانک­های تجاری، موسساتی هستند که بدهی یا وام آنها در اقتصاد کشور به منزله­ی پول است همین عامل نیز مهمترین وجه افتراق آنها با سایر موسسات مالی می­باشد.

سیاست کلی بانک­ها در پرداخت وام بایستی شامل یک نظام کارآمد باشد و تعریف روشنی را از مسئولیت کنترل دارایی­های مخاطره­آمیز ارائه دهد و حداقل ریسک اعتباری (سوخت شدن اعتبار اعطایی) و خطر سررسید (مخاطرات تفاوت سررسیدها) را تحت پوشش قرار دهد.

**اهداف نظام بانکی جدید**

بر اساس بند اول قانون عملیات بانکی بدون ربا، اهداف نظام بانکی جدید عبارتند از:

1. استقرار نظام پولی و اعتباری بر مینی حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به‌منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور
2. فعالیت در جهت تحقق اهداف و سیاست­ها و برنامه­های اقتصادی دولت جمهوری اسلامی با ابزارهای پولی و اعتباری
3. ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش تعاون عمومی و قرض­الحسنه از طریق جذب و جلب وجوه و اندوخته­ها و پس­اندازها و سپرده­ها و بسیج آنها در جهت تامین شرایط و امکانات کار و سرمایه­گذاری به‌منظور اجرای بندهای ۲ و ۹ اصل چهل و سوم قانون اساسی

با وضع اهداف مذکور، نظام بانکی به‌صورت وسیله­ای جهت نیل به یک اقتصاد مبتنی بر قسط و عدل و عاملی برای سوق منابع مالی در راستای نیازهای اساسی جامعه درآمده و این امر خطیر از طریق انجام معاملات غیر ربوی و هماهنگی سیاست‌های پولی و اعتباری سیاست‌های اقتصادی دولت تحقق می­پذیرد.

حذف بهره، تأمین تسهیلات مورد نیاز جامعه یا باید در قالب قرض­الحسنه و یا در قالب­های مناسب دیگری صورت می­گرفت. در نظام بانکی جدید، همه تسهیلات اعطایی بر معاملات و عقود اسلامی قرار گرفته است.

**معیارهای تعیین اعطای تسهیلات**

بان در بررسی وضع اعتباری در متقاضی تسهیلات، به قدرت و تمایل متقاضی به بازپرداخت تسهیلات اعطایی توجه ویژه دارد. عوامل اصلی در تعیین حد اعتباری متقاضیان تسهیلات به ترتیب درجه اهمیت عبارتند از:

شخصیت و خوشنامی مشتری، صلاحیت (قابلیت) و مجوزهای لازم، ظرفیت درآمدی، شایستگی اعتباری و حرفه­ای، سرمایه متقاضی و قابلیت نقدشوندگی آن، شرایط محیط بیرونی و عمومی اقتصاد، وثیقه.

بنابراین بانک علاقمند است که متقاضی تسهیلات؛ درستکار، سلیم، خوش­قول و از نظر فعالیت­های تجاری و صلاحیت­های حرفه­ای موفق و از نظر مالی از وضعیت مناسبی برخوردار باشد.

**انواع وثایق**

وثیقه از نظر نوع عبارتست از کلیه اموال، اعم از املاک، اشیاء، اجناس(کالا) و اسبابی که دارای ارزش مادی فعلی و آینده بوده و همچنین اسناد، اعم از رسمی، تجاری و عادی که مبین قبول تعهد و تنفیذ حقوق بانک از طرف مشتری یا اشخاص ثالت باشد. وثایق به دو دسته اموال و اسناد طبقه­بندی می­شود.

1. اموال: اموال جنبه ترهینی دارند و به معنی مفهوم مال عینی است، شامل؛ اموال منقول و غیر منقول.

منظور از منقول و غیر منقول، سهولت قابلیت انتقال و جابجایی می­باشد. بنابراین اموال منقول، اموالی است که به سهولت قابلیت جابجایی داشته و عیناً قابل قبض و اقباض باشد (وجه­نقد، اوراق بهادار، کالا، جواهرات، وسایل کار، ماشین­آلات، کشتی، هواپیما و...)

اموال غیرمنقول، عبارت از اموال مادی است که به دلیل ذاتی و بنیانی آن­ها که عمدتاً ناشی از وابستگی آن به زمین باشد، عملاً قابل انتقال نبوده و یا انتقال آنها موجب تضییع ارزش یا کیفیت آنها می­گردد. انواع اموال غیرمنقول عبارتست از: املاک (خانه، دفتر کار، کارگاه و مستحدثات) و منصوبات (تأسیسات، ماشین­آلات و...)

1. اسناد: اسناد وثیقه جنبه تعهد و تضمین دارند که از طریق توثیق و تضمین تعهدات از طریق امضاء اسناد مختلف حاصل می­شوند. اسناد به سه دسته اصلی تقسیم می‌شوند؛ رسمی، تجاری، عادی.

اسناد رسمی لازم الاجرا بوده و طبق قانون بایستی در دفاتر رسمی و یا نزد مقامات دولتی به ثبت رسیده و بدون مراجعه به محاکم دارای صلاحیت، قابلیت اجرا داشته باشد. اسناد تجاری، اسنادی هستند که قابلیت صدور قرار تأمین دارند. برتری این اسناد نسبت به اسناد عادی این است که در صورت مراجعه به مراجع قضایی جهت وصول این اسناد، امکان صدور بلافاصله قرار تأمین وجود دارد.

بر اساس ماده ۱۰ قانون مدنی، اسناد عادی اسنادی هستند که امضاء­کننده آن متعهد به پرداخت مبلغ مورد تعهد و با انجام تعهدات می­باشد. از نظر سرعت و سهولت، رسیدگی اسناد در مراجع قضایی نسبت به اسناد رسمی و تجاری در درجه پایین‌تری قرار دارد.

انواع تسهیلات از لحاظ مدت به سه گروه؛ کوتاه­مدت (حداکثر یکسال) و میان مدت (یک تا ۵ سال) و بلند­مدت (بیش از ۵ سال)، از لحاظ موارد استفاده به سه گروه: تأمین نیازهای جاری (سرمایه در گردش شرکت­ها شامل تأمین مواد اولیه و نقدینگی) و تأمین نیازهای سرمایه­ای (هزینه­های تأسیس و طرح­های جایگزینی) و تأمین نیازهای شخصی و از لحاظ مصرف به چهار گروه زیر تقسیم می­شود: تسهیلات اعطایی تجاری، تسهیلات اعطایی تولیدی، تسهیلات مسکن، تسهیلات متفرقه.

**تسهیلات اعطایی بانک­ها در قالب عقود اسلامی** عبارتند از: قرض­الحسنه، مضاربه، مشارکت­ مدنی، مشارکت حقوقی، سرمایه­گذاری مستقیم، فروش اقساطی، اجاره به شرط تملیک، معاملات سلف، جعاله، مزارعه و مساقات.

**سرمایه­گذاری­های بانکی:** به آن بخش از فعالیت­های بانکی گفته می­شود که بانک­ها در شرایط عدم وجود متقاضی وام و یا شرایط لازم در متقاضیان وام از یک طرف و لزوم استفاده از منابع مالی بانک از طرف دیگر، بانک­های تجاری را مجبور به سرمایه­گذاری مستقیم در سهام شرکت­ها، دولت و موسسات دولتی می­نماید.

**تفاوت­های عمده بین وام­ها و سرمایه­گذاری­های بانکی**

1. سررسید وام­های اعطایی معمولاً کوتاه­تر از سررسید سرمایه­گذاری­ها است
2. توسعه سرمایه­گذاری­ها در بانک، اختیاری است اما توسعه اعطای وام­های بانکی به تقاضای مشتریان بستگی دارد
3. وام­های بانکی بیشتر جنبه شخصی دارد ولی سرمایه­گذاری­های بانک­ها غیر شخصی بوده، ممکن است بین‌المللی هم باشد
4. سرمایه­گذاری­های بانکی معمولاً در بازار آزاد و بورس قابل خرید و فروش می­باشند در صورتیکه بازار وام­ها و اسناد نزولی بانک­ها محدود و غالباً منحصر به بانک مرکزی است.
5. امکان تعدیل سرمایه­گذاری­های بانکی به‌منظور توسعه وام­ها همیشه وجود دارد ولی امکان تعدیل وام­ها به‌منظور شرکت در سرمایه­گذاری­های جدید غیرقانونی است.

3-5- روابط بین بانکی

بازار بین بانکی بخشی از بازار پول است که امکان تأمین منابع کوتاه­مدت را از طریق ابزارهای متداول برای بانک­ها فراهم می­کند. این بازار اجرای سیاست‌های پولی را برای بانک مرکزی امکان­پذیر نموده و اثربخشی آن را افزایش می­دهد. نرخ رایج در این بازار مرجع و مبنایی برای کارکرد اقتصاد می­باشد. سازمان کلرینگ یا اتاق پایاپای اسناد بانکی از جمله نهادهای این بازار می­باشد.

**سازمان کلرینگ اتاق (پایاپای اسناد بانکی****)**

سازمان کلرینگ یا اتاق پایاپای اسناد بانکی، سازمانی است زیر نظر بانک مرکزی که به‌منظور تسهیل در مبادله چک­ها و سایر اسناد بانکی و تسویه و واریز محاسبات مربوطه تشکیل می­گردد. غالب این سازمان به‌صورت شرکت یا اتحادیه تشکیل و با سرمایه پرداختی بانک­های عضو و طبق اساسنامه تنظیم شده، به­وسیله یک هیأت‌مدیره و مدیر عامل اداره می­شود. در ایران این سازمان با نام اتاق پایاپای اسناد بانکی" شناخته می­شود و روش کار آن بدین شرح است که؛ هر یک از بانک­های کشور که عضو این اتاق هستند، روزانه تمام چک­ها و حواله­های واگذاری مشتریان خود را که عهده­ی بانک­های دیگر (داخل یک شهر) به نفع آنها صادر گردیده، جمع­آوری و برای وصول پشت­نویسی می­نمایند. سپس اسناد عهده هر بانک را تفکیک نموده و برای هر دسته از اسناد صورت جداگانه تهیه و نهایتاً در یک برگ صورت خلاصه چک­های تحویلی به کلیه بانک­ها را مشخص کرده و تحویل کارمند مربوطه می­دهد تا در اتاق پایاپای استاد بانکی مورد مبادله قرار گیرد. رئیس اتاق پایاپای اسناد بانکی خلاصه‌ای از عملیات اسناد تحویلی و دریافتی هر بانک را که پذیرفته شده، پس از کسر اسناد برگشتی تهیه و پس از اطمینان از عملیات به استناد آن خلاصه وضعیت بانک­های عضو را بدهکار و بستانکار می­نماید. معمولاً این عمل براساس حساب­های جاری بانک­ها نزد بانک مرکزی انجام می­پذیرد.

پس از مبادله چک­ها بین نمایندگان بانک­ها و تعیین بدهی یا طلب هر بانک صورت تسویه نهایی که در آن وضعیت تمام بانک­های عضو به سازمان پایاپای چک­ها منعکس می­شود تهیه می­گردد (وضعیت بدهی با طلب هر بانک) و پس از گواهی و تأیید رئیس سازمان دستور واریز طلب بانک­های بستانکار و برداشت از حساب­های بدهکار صادر می­شود. بدین ترتیب حساب مخصوص بانک­های عضو که به همین منظور ایجاد گردید بدهکار یا بستانکار می­شود و عمل تسویه بدون انتقال وجه نقد انجام می­شود. بنابراین بانک­ها بدون اینکه مجبور باشند طلب خود را از هر بانک به‌طور جداگانه دریافت یا بدهی خود را به‌طور جداگانه پرداخت نمایند مابه­التفاوت بدهی یا طلب خود را به اتاق پایاپای پرداخت نموده و یا از سازمان مزبور دریافت می­دارند. در حال حاضر عملیات اتاق پایاپای اسناد بانک بر اساس سامانه چکاوک با انتقال اطلاعات (داده­ها و تصویر چک) به‌صورت الکترونیکی انجام می­شود.

**نظام تسویه و پرداخت الکترونیکی**

شبکه بانکی تمامی بانک­های اصلی کشور تا پایان سال ۱۳۸۳ از طریق مرکز شتاب به یکدیگر متصل شدند و ایده شبکه واحد پرداخت تحقق پیدا کرد. در حال حاضر مرکز شتاب نقش سوئیچ ملی کارت­های بانکی را در کشور ایفا نموده و عملاً نظام تهاتر الکترونیکی در کشور اجرا می­شود. متعاقباً جهت تکمیل نظام تسویه و پرداخت­های الکترونیکی، سامانه­های مختلفی راه­اندازی گردید که عبارتند از: سامانه تسویه ناخالص آنی "ساتنا" و سامانه پایا، سامانه حواله الکترونیکی بین بانکی "سحاب"، سامانه الکترونیکی پرداخت کارتی "شاپرک"، سامانه "چکاوک" به‌عنوان اتاق پایاپای چک­های الکترونیکی و...

4-5- آئین­نامه­های قانون عملیات بانکی بدون ربا

* **اهم مفاد آئین­نامه تجهیز منابع پولی**

بانک­ها می­توانند تحت هر یک از عناوین زیر به قبول سپرده قرض­الحسنه مبادرت کنند؛ جاری، پس­انداز. استرداد اصل این سپرده­ها توسط بانک­ها عندالمطالبه می­باشد، سپرده­های قرض­الحسنه جزء منابع بانک بوده و بانک­ها می­توانند از مشوق­هایی مانند حق تقدم اعطای تسهیلات، اعطای جوایز نقدی و غیر نقدی استفاده کنند.

* بانک­ها سپرده­های سرمایه­گذاری مدت­دار را به­صورت سپرده­های سرمایه­گذاری کوتاه­مدت و بلندمدت قبول می‌نمایند. مدت، امتیازات و سایر شرایط این سپرده­ها بایستی به تصویب شورای پول و اعتبار برسد. بانک­ها بایستی استرداد اصل این سپرده­ها را تعهد و یا به هزینه خود بیمه کنند. بانک­ها سپرده­های سرمایه­گذاری مدت­دار را که در به‌کار گرفتن آنها وکیل می­باشند، به‌عنوان منابع سپرده­گذار، در امور مشارکت، مضاربه، اجاره به شرط تملیک، معاملات اقساطی، مزارعه، مساقات، سرمایه­گذاری مستقیم، معاملات سلف و جعاله مورد استفاده قرار دهند. حق‌الوکاله به کارگیری سپرده­های سرمایه­گذاری از سهم منافع سپرده­گذاران کسر خواهد شد و میزان حداقل و حداکثر حق­الوکاله به تصویب شورای پول و اعتبار خواهد رسید.
* **اهم مفاد آیین­نامه تسهیلات اعطایی بانک­ها**
* تسهیلات اعطایی باید به ترتیبی باشد که اصل منابع تأمین شده برای این تسهیلات و همچنین سود مورد انتظار، در صورت تحقق در مدت معین قابل برگشت باشد.
* ضوابط تعیین سود، تعیین مدت و نحوه برگشت اصل و همچنین سود حاصل از تسهیلات به تصویب شورای پول و اعتبار برسد.
* اعطای تسهیلات عنداللزوم منوط به دریافت مبلغی به‌عنوان پیش­دریافت و اخذ تأمین کافی برای حفظ منابع بانک خواهد بود.
* بانک­ها ترتیبی اتحاد خواهند نمود تا عند­اللزوم اموال موضوع تسهیلات اعطایی و یا وثایق آنها در طول مدت اجرای قراردادهای مربوط، همه ساله حداقل به میزان مانده مطالبات ناشی از اعطای این­گونه تسهیلات، به نفع بانک بیمه شود.
* اعطای هر یک از انواع تسهیلات توسط دو یا چند بانک مشترکاً به شخص و یا اشخاص حقیقی و یا حقوقی بلامانع است.
* بانک­ها مکلفند در قراردادهای تنظیمی خود در ارتباط با عملیات مضاربه، معاملات اقساطی، اجاره به شرط تملیک، نسیه، سلف و قرض­الحسنه قید نمایند که قراردادهای مذکور بر اساس توافق حاصله، در حکم اسناد لازم­الاجرا و تابع آئین­نامه اجرایی اسناد رسمی است.
* **اهم مفاد آئین­نامه تسهیلات اعطایی بانکی**
* سرمایه پایه­ی بانک­ها و موسسات اعتباری، حاصل­جمع سرمایه اصلی و سرمایه تکمیلی پس از انجام کسور لازم می‌باشد که در آن؛ اقلام اصلی تشکیل­دهنده­ی سرمایه اصلی عبارتند از: سرمایه­ی پرداخت­شده، اندوخته قانونی، سایر اندوخته­ها (به­جز اندوخته ذخیره تجدید ارزیایی دارایی­های ثابت و سهام متعلق به بانک و موسسه اعتباری)، صرف سهام، سود انباشته (در صورت زیان انباشته این مبلغ از جمع سرمایه اصلی کسر می­گردد) و سرمایه تکمیلی شامل؛ ذخائر مطالبات مشکوک­الوصول عمومی، اندوخته ذخیره تجدید ارزیابی، دارایی­های ثابت، اندوخته ناشی از تجدید ارزیابی سهام می­باشد.
* **اهم مفاد آئین­نامه کفایت سرمایه**
* نسبت کفایت سرمایه حاصل تقسیم سرمایه پایه به مجموع دارایی­های موزون شده و ضریب ریسک بر حسب درصد می­باشد. حداقل نسبت کفایت سرمایه برای کلیه بانک­ها و موسسات اعتباری (اعم از دولتی و غیردولتی) حداقل ۸ درصد تعیین می­شود. بانک مرکزی می­تواند در مواردی که استانداردهای بین­المللی و یا ضرورت حفظ سلامت بانک­ها و موسسات اعتباری اقتضا نماید صدور بالاتری را برای تمام یا برخی بانک­ها و موسسات اعتباری تعیین نماید.
* کلیه اقلام دارایی بانک­ها و موسسات اعتباری اعم از اقلام بالای خط ترازنامه و اقلام زیر خط ترازنامه باید بر حسب ریسک مربوط، به ترتیبی که در این آیین­نامه تعریف شده موزون شوند. دارایی­های مشمول ضریب ریسک صفر درصد (وجوه نقد، مطالبات از بانک مرکزی، تسهیلات اعطایی به دولت، مطالباتی که وثایق آنها اوراق بهادار است و...)، دارایی­های مشمول ضریب ریسک ۲۰ در صد (وجوه در راه، مطالبات از بانک­ها و موسسات داخلی و...)، دارایی­های مشمول ضریب ریسک ۵۰ درصد (تسهیلات اعطایی در مقابل رهن کامل واحد مسکونی)، دارایی­های مشمول ضریب ریسک ۱۰۰ درصد (مطالبات از نهادهای عمومی غیردولتی مثل شهرداری­ها و...، مطالبات از بخش غیردولتی، مطالبات از شرکت­ها و موسسات دولتی، مطالبات سرمایه گذشته و معوق و...)

**5-5- بانک‌ها در ایران**

طبق قوانین جاری در کشور، بانک باید به‌صورت شرکت سهامی عام و با سهام بانام و تحت شرایط خاص تأسیس گردد. از نظر قانون تشکیل بانک به‌صورت مؤسسه انفرادی یا شرکت تضامنی، نسبی، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت مختلط سهامی و غیرسهامی امکان­پذیر نیست. اساسنامه بانک باید پس از تنظیم بر اساس مقررات قانون تجارت به تصویب شورای پول و اعتبار برسد تا پس از صدور مجوز از طرف بانک مرکزی بتواند مانند سایر شرکت­های سهامی در دفتر ثبت شرکت­ها ثبت گردد. صدور مجوز فعالیت بانک و استفاده از سرمایه سپرده شده نزد بانک مرکزی پس از ثبت بانک امکان­پذیر است و هر زمان که مصالح کشور ایجاب نماید بانک مرکزی می­تواند مجوزهای صادره را در هر مرحله متوقف یا لغو نماید.

**1-5-5- مقایسه بانک با سایر شرکت­های تجاری**

تفاوت­های بانک و شرکت­های تجاری به شرح زیر است.

1. از نظر مقررات مربوط به تأسیس نوع شرکت (مجوز بانک مرکزی، مجوز شورای پول و اعتبار و مجوز شروع فعالیت)
2. از نظر حداقل سرمایه (بانک­های غیرتجاری ۴۰۰ میلیارد ریال و سایر شرکت­ها ۵ میلیون ریال)
3. از نظر سهام (سهام بانک الزاماً با نام است)
4. از نظر ذخیره احتیاطی ( ذخیره احتیاطی + ذخیره قانونی)
5. از نظر حدود فعالیت (خرید و فروش کالا به‌عنوان تجارت اموال غیرمنقول برای بانک­ها ممنوع است).

**2-5-5- انواع بانک در ایران**

در حال حاضر، نهادهای سپرده­پذیر را در ایران می­توان در سه بخش دسته­بندی کرد: بانک­ها، موسسات اعتباری غیربانکی و صندوق­های قرض­الحسنه. به موجب قانون بانکی و پولی کشور تشخیص عملیات بانکی به عهده شورای پول و اعتبار است. در یک تقسیم­بندی کلی بانک­ها از لحاظ نوع مالکیت نیز به دو گروه دولتی (بانک­های؛ ملی، سپه، رفاه کارگران) و غیر دولتی (نظیر بانک­های؛ سینا، پاسارگاد، پارسیان، اقتصاد نوین، سامان، کارآفرین، سرمایه و...) تقسیم می­شوند، همچنین به لحاظ نوع فعالیت نیز، به دو گروه بانک­های تجاری[[68]](#footnote-68) و بانک­های تخصصی (مثل بانک مسکن) تقسیم می­شوند.

وظایف بانک­های تجاری معمولاً به دو دسته وظایف اصلی و وظایف فرعی تقسیم می­شوند. وظایف اصلی شامل تجهیز منابع و تخصیص منابع با رعایت اصول چهارگانه بانکداری[[69]](#footnote-69) صورت می­گیرد. وظایف فرعی که شامل؛ صدور ضمانتنامه­های بانکی، قبول امانات، فروش اوراق بهادار و سایر خدمات بانکی، بر اساس اصول ده­گانه انجام می­پذیرد. اصول ده­گانه بانک­های تجاری[[70]](#footnote-70) به شرح زیر است.

1. اصل نقدینگی 2-اصل توانایی در پرداخت 3-اصل سودآوری 4- اصل جمع­آوری سپرده و پس­انداز 5- اصل وام­دهی و سرمایه­گذاری 6-اصل ارائه خدمات 7- اصل رازداری 8- اصل کارایی 9- اصل ایمنی 10-اصل صرفه­جویی.

فعالیت بانک­های تخصصی؛ تأمین مالی، مشارکت و سرمایه­گذاری مستقیم در یک بخش ویژه­ی اقتصادی است. نقش عمده این بانک­ها، در فرآیند توسعه اقتصادی کشورها می‌باشد. اینگونه بانک­ها، علاوه بر نقش اصلی خود به کلیه امور و خدمات بانکی نیز می­پردازند (1-بانک­های صنعتی و معدنی 2-بانک­های کشاورزی 3- بانک­های رهنی در حوزه مسکن و ساختمان). بانک­ها به لحاظ مالکیتی به بانک­های دولتی و غیردولتی و به لحاظ کارکردی به بانک­های تجاری و تخصصی تقسیم می­شوند (جدول زیر). براساس صورت­های مالی حسابرسی­شده بانک­ها، ۹۰ درصد از دارایی­های بانکی در اختیار ۱۰ بانک بزرگ؛ ملی، ملت، صادرات، تجارت، سپه، پارسیان، مسکن، کشاورزی، اقتصادنوین، پاسارگاد و ۶۴ درصد از دارایی­ها در اختیار ۵ بانک بزرگ کشور؛ ملی، ملت، صادرات، تجارت و سپه) قرار دارد.

|  |  |
| --- | --- |
| **بانک‌ها و سایر موسسات ادغام شده** | **نام بانک پس از ادغام** |
| بانک­های اعتبارات صنعتی، توسعه صنعتی و معدنی ایران، توسعه و سرمایه­گذاری ایران، شرکت سرمایه­گذاری بانک­های ایران، صندوق ضمانت صنعتی و صندوق معادن | بانک صنعت و معدن |
| بانک­های رهنی ایران، شرکت سرمایه­گذاری ساختمانی بانک­های ایران و شرکت پس­انداز و وام مسکن کوروش، اکباتان، پاسارگاد و در شهرستانها؛ شرکت­های پس­انداز و وام مسکن مشهد، تبریز، شیراز، اصفهان، اهواز، گیلان، کرمانشاه، همدان، مازندران، گرگان، ارومیه، سمنان و آبادان | بانک مسکن |
| بانک تعاون کشاورزی ایران و بانک توسعه کشاورزی | بانک کشاورزی |
| بانک­های ایران و انگلیس، اعتبارات ایران، ایران و خاورمیانه، تجارتی ایران و هلند، بازرگانی ایران، ایرانشهر، صنایع ایران، شهریار ایرانیان،کار، بین­المللی ایران و ژاین و بانک ایران و روس از تاریخ16/11/59 | بانک تجارت |
| بانک­های تهران، داریوش، پارس، اعتبارات تعاونی توزیع، ایران و عرب، بین­المللی ایران، عمران بیمه ایران و تجارت خارجی ایران و فرهنگیان | بانک ملت |

**عملیات بانکی بدون ربا و بانکداری اسلامی**

بانک­­ها در تأمین مالی اسلامی، شریک کسب‌وکار بوده و در سود و زیان مشتری شریک هستند. در حقیقت اساس مالی اسلامی مبتنی بر شراکت و به واسطه­گری محض است. در بانکداری اسلامی ارتباط بین ریسک و بازده به‌طور رسمی برقرار می­شود و تمرکز بر موفقیت در رسیدن به اهدافی نظیر عدالت اجتماعی به­وسیله توزیع بهتر ثروت و درآمد، توسعه­ی فعالیت‌های کسب‌وکار اخلاقی، ایجاد یک نظام مالی عادلانه و برچیدن نااطمینانی در فعالیت­های اقتصادی می­باشد. چارچوب حقوقی انتقال منابع در بانکداری اسلامی به‌صورت شکل زیر است.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| متقاضی سرمایه | بانک اسلامی | سپرده­گذار  عرضه­کننده سرمایه |
| وکیل سپرده­گذار |
| شریک سرمایه­گذار |

* عقود اسلامی رایج در بانکداری اسلامی

در بانکداری فرآیند تخصیص منابع در قالب قراردادهایی صورت می­گیرد که در آنها اصل محوری این نوع بانکداری(مشارکت بانک در سود و زیان) رعایت می­گردد. قراردادها یا عقود رایج در بانکداری اسلامی عبارتند از:

1. قرض­الحسنه 2- مضاربه 3- مشارکت مدنی 4- مشارکت حقوقی 5- سرمایه­گذاری مستقیم 6- مزارعه 7- مساقات 8- جعاله 9- اجاره به شرط تملیک 10- فروش اقساطی 11- معاملات سلف 12- استصناع 13- مرابحه 14- خرید دین 15- اوراق قرضه(صکوک).
2. **قرض­الحسنه:** قرض عقدی است که به موجب آن، یکی از طرفین یعنی قرض­دهنده مالکیت مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر (قرض‌گیرنده) می­دهد و طرف مزبور مثل آن را از حیث مقدار، جنس و وصف رد می­کند. بنابراین قرض­گیرنده تعهد می­کند به میزان وجوهی که دریافت کرده را به بانک مسترد کند. به بیانی دیگر، به بیان مختصر، قرض‌الحسنه عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین مقدار معینی از مال خود را در زمان حال به دیگری واگذار می­کند، در مقابل قرض­گیرنده متعهد می­شود که عین مال یا قیمت آن را در زمان معین باز پس دهد.

برخی موارد مجاز برای اعطای این تسهیلات عبارتند از: شرکت­های تعاونی، تولیدی و خدماتی(غیر تجاری و معدنی)، راه‌اندازی واحدهای تولیدی راکد، جلوگیری از توقف واحدهای تولیدی موجود.

طبق ماده ۱۶ آیین­نامه قانون عملیات بانکی بدون ربا، قرض­الحسنه در موارد زیر قابل پرداخت است:

الف) تأمین وسایل و ابزار و سایر امکانات لازم برای ایجاد کار جهت کسانی که فاقد اینگونه امکانات می­باشند در شکل تعاونی.

ب) کمک به امر افزایش تولید با تأکید بر تولیدات کشاورزی دامی صنعتی.

ج) رفع احتیاجات ضروری شامل هزینه­های ازدواج تهیه جهیزیه درمان، بیماری تعمیر و تأمین مسکن، هزینه­های ضروری.

1. **مضاربه:** مضاربه از ریشه ضرب (الضرب فی الارض) یعنی سیر و سفر در زمین گرفته شده است و به موجب این قرارداد یکی از طرفین (مالک) عهده دار تأمین سرمایه نقدی می­گردد با قید اینکه طرف دیگر عامل با آن تجارت کند و در سود حاصله شریک باشند. در این نوع قرارداد بانک (مالک) سرمایه را تأمین می­کند و طرف دیگر (عامل یا مضارب) با آن به تجارت می­پردازد و در نهایت سود حاصل از سرمایه، بین بانک و طرف دیگر تقسیم می­شود. سرمایه باید نقد، عین و معلوم باشد. مضاربه با منفعت، دین، جنس و کالا درست نیست. برخی از ویژگی­های مضاربه به شرح زیر می­باشد:

الف) سرمایه مضاربه حتما باید وجه نقد باشد.  
ب) مضاربه از عقود جایز است و از این رو هریک از طرفین حق فسخ قرارداد را دارد مگر اینکه شرط دیگری در قرارداد تعیین شده باشد. در قراردادهای بانکی، متن قرارداد مضاربه را طوری تنظیم نموده­اند که عامل با امضای قرارداد، شرط "ترک فسخ" را تا زمان تسویه کامل از جانب خود بپذیرد.  
ج) مضاربه از جمله تسهیلات کوتاه­مدت است و نباید از یک دوره خرید و فروش، حداکثر یک­سال، بیشتر شود.

د) در مضاربه نقش مالک و عامل از یکدیگر جداست، یعنی مالک فقط تأمین­کننده تمام سرمایه لازم است و عامل صرفاً کار عاملیت خود را انجام می­دهد.

ه) مضاربه صرفاً در بخش بازرگانی کاربرد دارد.

و) همه هزینه­های مضاربه به عهده مالک است.

ز) مسئولیت عامل در حفظ سرمایه مضاربه، همان مسئولیتی است که در قانون به عهده امین گذاشته شده است.

سرمايه مضاربه شامل یکی از این اقلام می­باشد. قیمت خرید کالا، هزینه بیمه و حق ثبت سفارش، هزینه حمل و نقل، هزینه انبارداری، حقوق گمرکی و سود بازرگانی، هزینه­های بانکی، هزینه بسته­بندی، هزینه توقف و انتظار نوبت کشتی (دموراژ).

1. **مشارکت مدنی:** مشارکت بانک­ها در امور تولیدی، تجاری و خدماتی یکی از انواع تسهیلات بانکی است و بر دو گونه است، عقد مشارکت مدنی و مشارکت حقوقی.

مشارکت مدنی به معنای درآمیختن سهم­الشرکه­ی نقدی یا غیر نقدی متعلق به اشخاص حقیقی و حقوقی به نحو مشاع، به قصد انتفاع طبق قرارداد می­باشد. این نوع مشارکت تابع عقد مشارکت مدنی است، بانک­ها با سهم­الشرکه­ی نقدی یا کالایی خود، به نحو مشاع در انجام دادن کار معینی در زمینه­های تولیدی، بازرگانی و خدماتی به مدت محدود و به قصد انتفاع شریک می­شوند. این تسهیلات کوتاه­مدت و حداكثر يكساله است اما در برخی از طرح­های کشاورزی، تولیدی و مسکن و ساختمان می­توان آن را تا سه سال تمدید کرد.

مشارکت مدنی به وسیله بانک­ها به‌منظور ایجاد تسهیلات لازم برای فعالیت­های تولیدی، بازرگانی و خدماتی صورت گرفته و موضوع مشارکت بایستی مشخص باشد. مشارکت مدنی پس از اتمام موضوع شرکت تصفیه و مرتفع می­شود.

نکات قابل توجه در مشارکت مدنی:

الف) بانک­ها مکلف هستند در قرارداد مدنی، نحوه تسويه مشارکت را قید نمایند.

ب) در مواردی که مشارکت مدنی جهت امور تولیدی (صنعتی، معدنی، کشاورزی، احداث مسکن و ساختمان) و هم­چنین برای طرح­های جدید خدماتی صورت می­پذیرد، فروش اقساطی سهم­الشرکه بانک در خاتمه قرارداد با رعایت ضوابط و مقررات مربوط مجاز است.

ج) اعطای تسهیلات مشارکت مدنی در مواردی که موضوع آن­ها کالاهای لوکس و تجملی و غیرضروری است، مجاز نمی‌باشد.

د) بانک­ها موظف هستند ترتیبی اتخاذ نمایند که تعهدات مالی و انجام معاملات توسط شریک از حد سهم­الشرکه واریز و تحویل شده به شریک بیشتر نباشد.

ه) هزینه­های انجام شده توسط شریک را در طرح­ها و همچنین امور ساختمان می­توان به‌عنوان آورده غیر نقدی شریک پذیرفت.

1. **مشارکت** **حقوقی[[71]](#footnote-71)**: مشارکت حقوقی به معنای تأمین قسمتی از سرمایه­ی شرکت­های سهامی جدید و یا قسمتی از تمام شرکت­های سهامی موجود می­باشد. این نوع مشارکت تابع حقوق تجارت است و بانک با خرید حداکثر ۴۹ درصد سهام شرکت­های سهامی، در واقع به این شرکت­ها تسهیلات اعطا [می­کند](http://می.کند).

نکات قابل توجه در مشارکت حقوقی:

الف) مشارکت حقوقی منحصراً در شرکت­های سهامی (عام و خاص) انجام می­پذیرد.

ب) واحدهایی که بانک­ها در آن­ها مشارکت و یا سرمایه­گذاری نموده باشند تابع قانون تجارت خواهد بود، مگر اینکه مشمول قانون دیگری باشند.

ج)مشارکت یک یا چند بانک یا اشخاص حقیقی و حقوقی در یک شرکت سهامی بلامانع است.

د) مشارکت حقوقی برای تأمین تسهیلات بلندمدت مورد نیاز واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

ه) میزان مشارکت یک یا چند بانک در هر شرکت سهامی جدید نباید از ۴۹ درصد کل سرمایه شرکت و میزان خرید سهام شرکت­های سهامی موجود توسط یک یا چند بانک، از 20 درصد سرمایه شرکت تجاوز نماید.

و) بانک­ها در دو مورد به مشارکت در شرکت­های سهامی مجاز نخواهند بود. نخست شرکت­هایی تولیدی که در بدو مشارکت، نسبت سرمایه­ی آن­ها به کل منابع مالی شرکت (با احتساب مشارکت بانک­ها) کمتر از 30 درصد باشد و دوم در مورد شرکت­های بازرگانی و خدماتی که این نسبت کمتر از ۲۰ درصد باشد.

ز) بانک­ها مکلف هستند بر نحوه­ی مصرف منابع موضوع مشارکت در طرح­های جدید و همچنین توسعه و تکمیل طرح­ها، نظارت لازم و کافی را به عمل آورند.

1. **سرمایه­گذاری مستقیم:** سرمایه­گذاری مستقیم عبارتست از تأمین سرمایه لازم جهت اجرای طرح‌های تولیدی و طرح­های عمرانی انتفاعي توسط بانك­ها ( تنها با تشکیل شرکت­های سهامی). سرمایه­گذاری بانک­ها در طرح­های تولیدی و عمرانی منوط است به:

الف) برنامه این­گونه سرمایه­گذاری­ها در ضمن لایحه­ی بودجه سالانه کشورکه به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

ب) نتیجه­ی ارزیابی طرح، حاکی از عدم زیان­دهی باشد.

ج) موضوع سرمایه­گذاری، تولید اشیای تجملی و مصرفی غیرضروری نباشد. سرمایه­گذاری بانک­ها تنها با تشکیل شرکت­های سهامی مجاز است که پس از رسیدن به مرحله بهره­برداری، بانک­ها با هماهنگی شورای عالی بانک­ها، می­توانند سهام شرکت سرمایه­گذاری را بفروشند.

نکات قابل توجه در سرمایه­گذاری مستقیم:

الف) اجرای طرح­های موضوع سرمایه­گذاری مستقیم از طریق شرکت­های سهامی مجاز است.

ب) صد در صد سرمایه­گذاری ثابت برای اجرای طرح­های موضوع سرمایه­گذاری مستقیم باید به‌صورت منابع مالی بلندمدت تأمین شود.

ج) برنامه اینگونه سرمایه­گذاری­ها باید ضمن لایحه بودجه سالیانه کشور به تصویب مجلس شورای اسلامی برسد.

د) تأسیس و راه­اندازی واحدهای جدید تولیدی و عمرانی از طریق این­گونه سرمایه­گذاری­ها در مواردی که مشارکت حقوقی امکان­پذیر نبوده ولی امکان سرمایه­گذاری مستقیم بانک­ها با توجه به اولویت­های برنامه سوم توسعه اقتصادی و عمرانی کشور وجود داشته باشد، مجاز است.

ه) فروش تمام یا قسمتی از سهام بانک­ها در شرکت­هایی که از طریق سرمایه­گذاری­ها تشکیل شده­اند، در صورتی مجاز است که پس از رسیدن طرح به مرحله بهره برداری، با هماهنگی شورای عالی بانک­ها انجام پذیرد.

و) همانگونه که گفته شد سرمایه­گذاری بانک­ها فقط در مورد طرحهایی مجاز است که نتیجه ارزیابی حاکی از عدم زیان­دهی باشد، در ضمن بانک­ها به هیچ وجه حق ندارند در تولید کالاهای تجملی و مصرفی غیر ضروری سرمایه­گذاری نمایند.

1. **مزارعه**: در عقد مزارعه یکی از طرفین (مزارع) زمین خود را برای مدت معین در اختیار دیگری (عامل) قرار می­دهد تا کشاورزی کند و حاصل را میان آن دو تقسیم شود. طبق ماده ۱۷ قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک­ها می­توانند اراضی مزروعی و یا باغات را که در اختیار و تصرف خود دارند به مزارعه و یا مساقات بدهند. مزارعه یکی از روش­های تأمین نیازهای مالی کوتاه­مدت در بخش کشاورزی محسوب می­شود. زیرا حداکثر مدت مزارعه یک سال است، مگر اینکه دوره زراعی، زراعت موضوع قرارداد بیش از یک سال باشد، در این صورت مدت مزارعه معادل یک دوره زراعی تعیین خواهد شد.
2. **مساقات**: در عقد مساقات یک طرف (مالک) درختان خود را در اختیار دیگری (عامل) قرار می­دهد تا آن را نگهداری و آبیاری کند و در مقدار مشاعی از ثمره اعم از میوه گل و ... شریک شود. در حقیقت مساقات معامله­ایست که بین صاحب درخت و امثال آن با عامل در مقابل حصه مشاع از ثمره واقع می­شود و ثمره، اعم از میوه و برگ و گل و غیره می­باشد. مساقات از جمله تسهیلات کوتاه مدت برای تأمین نیازهای مالی بخش کشاورزی محسوب [می‌شود](http://می.شود). حداکثر مدت قرارداد مساقات یک سال می­باشد مگر اینکه یک سال برای برداشت محصول کافی نباشد که در اینصورت مدت قرارداد به نحوی تعیین می­گردد که ثمره حاصل شود.
3. **جعاله:** جعاله عبارتست از التزام شخص کارفرما (جاعل) به ادای مبلغ یا اجرت معلوم (جعل) در مقابل انجام عملی معین، طبق قرارداد. طرفی که عمل را انجام می­دهد عامل یا پیمانکار نامیده [[می­شود](http://می.شود).](http://می.شود) این قرارداد در فعالیت­های اقتصادی بویژه فعالیت­های خدماتی استفاده می­شود. بر اساس ماده ۱۶ قانون عملیات بانکی بدون ربا بانک­ها می‌توانند در امور تولیدی، بازرگانی و خدماتی با تنظیم قرارداد مبادرت به جعاله نمایند.

به بیان دیگر، در این نوع قرارداد یک طرف ملتزم (جاعل) می­شود اجرت معلومی (جعل) را در مقابل عمل به طرف دیگر (عامل) پرداخت کند. طبق ماده سه آئین نامه جعاله شورای پول و اعتبار، بانک­ها می­توانند هم به‌عنوان عامل و هم به‌عنوان جاعل، جعاله را منعقد سازند و مدت جعاله حداکثر یک سال است. زمانی که بانک عامل جعاله است مکلف است 20 درصد جعل را قبل از شروع عملیات دریافت کند. در این گونه موارد، معمولاً بانک برای خود حق جعاله ثانوی، یعنی واگذاری قسمتی از عمل را به شخص ثالث شرط می­کند. در مقابل در مواردی که بانک جاعل جعاله است، به نفع آن شرط می­شود که طرف عامل حق جعاله­ی ثانوی را بدون اذن بانک ندارد.

هزینه‌های لازم برای عمل موضوع جعاله بر عهده­ی عامل است مگر آنکه مقتضای عرف یا توافق طرفین امر دیگری باشد. جعل در نظام بانکی می­تواند یکباره یا به دفعات با اقساط مساوی یا نامساوی پرداخت شود.

1. **اجاره به شرط تملیک**: نوع خاصی از عقد اجاره است که به موجب آن به نفع مستأجر (خریدار وام) شرط می­شود که پس از پایان مدت اجاره، موجر (بانک) مورد اجاره را به وی تملیک کند. به بیان دیگر طبق این قرارداد بانک مورد اجاره را تهیه کرده و در اختیار مشتری قرار می­دهد و در صورتی که مستأجر به تعهدات خود عمل کرده و اقساط را پرداخت نماید در پایان مدت اجاره، مالک عین مال مورد اجاره می­شود. این قرارداد ترکیبی از دو قرارداد خرید و اجاره است. در عقد اجاره، باید مدت اجاره و میزان اجاره بها و در صورت اقساطی بودن آنها شماره­ی اقساط و مبلغ هر قسط معین شود. بر اساس شیوه­نامه­های بانکی، بانک­ها مکلفند قبل از انعقاد قرارداد اجاره به شرط تملیک، بیش از ۲۰ درصد قیمت مورد اجاره را به‌عنوان قسمتی از اجاره بها دریافت کنند. همچنین اجاره­ی کالاهایی که عمر مفید آنها کمتر از دوسال است به نحو مزبور ممنوع است.

بر اساس ماده ۱۲ و قسمتی از ماده ۱۰ قانون عملیات بانکی بدون ربا، مورد اجاره می­تواند انواع اموال منقول و غیر منقول باشد مشروط به اینکه عمر مفید آنها کمتر از دو سال نباشد. خرید اموالی که مصرف انحصاری داشته و یا بر اثر نصب و بهره­برداری، امکان استفاده مجدد از آن سلب می­شود، به‌منظور اجاره به شرط تملیک مجاز نیست.

1. **فروش اقساطی**: بیع اقساطی عبارتست از واگذاری کالا به قیمت معلوم به دیگری به ترتیبی که تمام یا قسمتی از بهای مزبور طی اقساط (مساوی یا غیر مساوی) در سررسیدهای معین دریافت شود. بانک­ها می­توانند جهت تسهیل در صنایع اموال منقول (با عمر بیش از یک سال) را خریداری و به‌صورت به مشتری بفروشند. در امر مسکن، مدت وصول قیمت فروش بوسیله شورای پول و اعتبار و حداقل و حداکثر نرخ سود را بانک مرکزی با تصویب شورای پول و اعتبار تعیین می­کند.

فروش اقساطی را با توجه به قانون عملیات بانکی بدون ربا می­توان به سه دسته تقسیم نمود:

الف) مواد اولیه لوازم یدکی و ابزار کار: بر اساس بند الف ماده ۱۳ قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک­ها می­توانند به‌منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی، مواد اولیه لوازم یدکی و ابزار کار مورد نیاز واحدهای تولیدی را بنا به درخواست این واحدها و تعهد آنها مبنی بر خرید و مصرف عوامل مورد درخواست، خریداری و به‌صورت نسیه به واحدهای مذکور به فروش برساند. مدت وصول قیمت فروش کالاهای موضوع مواد اولیه و لوازم یدکی و ابزار کار نباید حداکثر از یک سال تجاوز نماید. اخیراً بر اساس دستورالعمل بانک مرکزی، بانک­ها می­توانند کالاهای ضروری مصرفی دست اول تولید داخلی را خریداری و به‌صورت اقساطی، سه ساله واگذار نمایند. این عمل در مورد خودرو پنج ساله قابل تقسیط است.

ب) وسایل تولید ماشین­آلات و تأسیسات: طبق ماده ۱۱ قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک­ها می­توانند به‌منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت گسترش امور صنعت و معدن کشاورزی و خدمات اموال منقول را بنا به درخواست مشتری و تعهد او مبنی بر خرید و مصرف اموال مورد درخواست، خریداری نموده و با اخذ تأمین به‌صورت اقساطی به مشتری واگذار نماید. مدت وصول قیمت فروش اقساطی وسائل تولید ماشین‌آلات و تأسیسات، نباید از طول عمر مفید این اموال بیشتر شود.

ج) مسکن: طبق ماده ۱۰ قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک­ها می­توانند به‌منظور ایجاد تسهیلات لازم در گسترش امر مسکن با هماهنگی وزارت مسکن و شهرسازی واحدهای ارزان قیمت به‌منظور فروش اقساطی و یا اجاره به شرط تملیک احداث نمایند.

1. **معاملات سلف (پیش­خرید):** طبق ماده ۱۴ آیین نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا معامله سلف عبارتست از پیش خرید نقدی محصولات تولیدی به قیمت معین. اگر در قرارداد بیع برای تحویل مدت مشخص شود معامله را بیع سلف [می­گویند](http://می.گویند). بانک­ها جهت تأمین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی می­توانند محصولات آنها را پیش­خرید کنند. وجه خرید باید به‌طور نقد و در یک مرحله به واحدهای مزبور پرداخت گردد. این تسهیلات شرایطی دارد:

نخست اینکه؛ این تسهیلات تنها برای سرمایه در گردش واحدهای تولیدی اعطا می­شود و شامل خرید کالاهای موجود نیز نیست.

دوم؛ زمان تحویل کامل محصول به بانک نباید از یک دوره­ی تولید کمتر باشد.

سوم؛ زمان تحویل کامل محصول به بانک نباید از یک سال تجاوز کند.

محصولات پیش خرید سلف باید شرایط زیر را داشته باشند:

الف) کالای موضوع معامله سلف باید از کیفیت مناسب و مطلوب و همچنین بازار فروش خوبی برخوردار باشد.

ب) کالای موضوع معامله سلف باید هنگام تحویل سهل­البیع بوده و فاسد شدنی نباشد.

متقاضی معاملات سلف باید حائز شرایط زیر باشد:

الف) رأسا تولید­کننده کالای مورد معامله باشد.

ب) وسائل و امکانات تولید کالای موضوع معامله را داشته باشد.

ج) مقدار کالای مورد معامله در توان و ظرفیت تولیدی متقاضی در مدت قرارداد بوده و امکان تحویل کالای پیش فروش شده در مهلت تعیین شده را دارا باشد.

د) تسهیلات دریافتی را به مصرف تولید همان کالای مورد معامله سلف برساند.

1. **استصناع**: استصناع عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین در مقابل مبلغی معین، متعهد به ساخت (تولید، تبدیل و تغییر) اموال منقول و غیر منقول، مادی و غیرمادی با مشخصات مورد تقاضا و تحویل آن در دوره زمانی معین به طرف دیگر می­شود. بانک­ها می­توانند به‌منظور گسترش بخش­های تولیدی از قبیل؛ صنعت، معدن، مسکن و کشاورزی تسهیلات لازم را به مشتریان در قالب عقد استصناع اعطا نمایند. بانک­ها می­توانند ساخت موضوع قرارداد استصناع را در قالب قرارداد استصناع دیگری به سازنده واگذار ­کنند.
2. **مرابحه**: مرابحه عبارتست از فروش کالا به بهای معلوم به مشتری، به ترتیبی که تمام یا قسمتی از بهای کالا در سررسیدهای معین به اقساط دریافت شود. به عبارت دیگر، قراردادی است که به موجب آن عرضه­کننده بهای تمام شده اموال و خدمات را به اطلاع متقاضی می­رساند و سپس با افزودن مبلغ درصدی اضافی به‌عنوان سود آن را به‌صورت نقدی، نسیه­ی؛ دفعی (یکباره)، با اقساطی مساوی و یا غیر مساوی در سررسید یا سررسیدهای معین متقاضی واگذار [می­کند](http://می.کند)، نظیر تهیه مواد اولیه لوازم یدکی ماشین­آلات تأسیسات زمین و... برای شرکت­ها جهت رفع نیازهای آنها. بانک­ها می­توانند به‌منظور رفع نیازهای واحدهای تولیدی و بازرگانی و نیازهای خانوارها برای تهیه مسکن، کالاهای بادوام و مصرفی و خدمات با سفارش و درخواست متقاضی مبادرت به تهیه و تملک این اموال و خدمات نموده و سپس آن را در قالب مرابحه به متقاضی واگذار نمایند.
3. **خرید دین:** در این قرارداد شخص ثالثی، دین مدت­دار بدهکار را به کمتر از مبلغ اسمی آن به‌صورت نقدی از داین خریداری می­کند. بانک­ها نیز می­توانند به‌منظور ایجاد تسهیلات لازم جهت تمامی بخش­های اقتصادی دیون موضوع اسناد و اوراق تجاری مدت­دار (حاکی از طلب حقیقی) متقاضیان را تنزیل و خریداری نمایند.
4. **اوراق قرضه (صکوک):** صکوک جمع صک به­ معنای گواهی یا سند می­باشد و بدین­گونه تعریف می­شود: صکوک گواهی­هایی با ارزش یکسان است که پس از اتمام عملیات پذیره­نویسی، بیانگر پرداخت مبلغ اسمی مندرج در آن توسط خریدار یا ناشر می­باشد. دارنده این اوراق، مالک یک یا مجموعه­ای از دارایی­ها، منابع حاصل از دارایی­ها و یا ذینفع یک پروژه یا فعالیت سرمایه­گذاری خاص می­شود. وجه تمایز صکوک و اوراق قرضه ربوی متعارف این است که اوراق قرضه متعارف از یکسری بدهی­های مالی دارای سود ثابت منتشر می­شود ولی انتشار صکوک به پشتوانه­ی عینی است.

انواع صکوک عبارتند از: صکوک­های؛ اجاره، سلف، استصناع، مرابحه، مشارکت، مضاربه، مزارعه، مساقات، حق‌الامتیاز، مالکیت دارایی که در آینده ساخته می­شود، مالکیت منافع دارایی موجود، مالکیت منافع دارایی که در آینده ساخته می­شود، منافع نماینده سرمایه­گذاری.

مقایسه تخصیص منابع در بانکداری بدون ربا و بانکداری متعارف، گروه­بندی ابزارهای مورد استفاده و خلاصه­ی روش­های تجهیز و تخصیص منابع به شرح جدول­های زیر است.

**مقایسه تجهیز(تأمین) منابع در بانکداری بدون ربا و بانک­های متعارف**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **تجهیز (تأمین) منابع در بانکداری بدون ربا** | | | **تجهیز (تأمین) منابع در بانکداری متعارف** | | |
| **عنوان سپرده** | **رابطه­ی حقوقی** | **سود** | **عنوان سپرده** | **رابطه ی حقوقی** | **سود** |
| سپرده جاری | قرص | صفر | حساب جاری | قرض | صفر |
| سپرده پس­انداز | وکالت | متغير | حساب پس­انداز | قرض | ثابت |
| سپرده سرمایه­گذاری | وکالت | متغير | سپرده مدت­دار | قرض | ثابت |

**مقایسه تخصیص منابع در بانکداری بدون ربا و بانک­های متعارف**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **تخصیص منابع در بانکداری بدون ربا** | | | **تخصیص منابع در بانکداری متعارف** | | |
| **عنوان تسهیلات** | **رابطه‌ی حقوقی** | **سود** | **عنوان سپرده** | **رابطه‌ی حقوقی** | **سود** |
| قرض‌الحسنه | قرض | صفر | وام مصرفی | قرض | ثابت |
| قراردادهای شراکتی | شراکت | متغیر | وام تجاری | قرض | ثابت |
| قراردادهای اجاره‌ای | اجاره | معين | وام رهنی | قرض | ثابت |
| قراردادهای مبادله‌ای | وکالت | معین |  | | |

|  |  |
| --- | --- |
| **نوع فعالیت اقتصادی** | **انواع روش‌های اعطای تسهیلات** |
| تولیدی (صنعت، کشاورزی و معدن) | تمامی ۱۲ مورد |
| بازرگانی (صادرات، واردات، داخلی) | مضاربه، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مرابحه، جعاله |
| خدمات | مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، اجاره به ‌شرط تملیک، اقساطی، جعاله |
| مسکن | مشارکت مدنی، اقساطی، اجاره به ‌شرط تملیک، جعاله، سرمایه‌گذاری مستقیم، استصناع، قرض‌الحسنه |
| احتیاجات شخصی | قرض‌الحسنه |

گروه‌بندی ابزارهای مورد استفاده در نظام بانکی برحسب بخش اقتصادی

|  |  |
| --- | --- |
| **نوع فعالیت اقتصادی** | **انواع روش‌های اعطای تسهیلات** |
| تولیدی (صنعت، کشاورزی و معدن) | تمامی موارد |
| بازرگانی (صادرات، واردات، داخلی) | مضاربه، مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، مرابحه، جعاله |
| خدمات | مشارکت مدنی، مشارکت حقوقی، اجاره به ‌شرط تملیک، اقساطی، جعاله |
| مسکن | مشارکت مدنی، اقساطی، اجاره به ‌شرط تملیک، جعاله، سرمایه‌گذاری مستقیم، استصناع، قرض‌الحسنه |
| احتیاجات شخصی | قرض‌الحسنه |

**خلاصه روش‌های تجهیز و تخصیص منابع در نظام بانکداری کشور**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **تأمین(تجهیز) منابع** | | | **تخصیص منابع** | | |
| **نوع سپرده** | **رابطه حقوقی** | **سود** | **نوع تسهیلات** | **رابطه حقوقی** | **سود** |
| قرض‌الحسنه جاری | قرض بی‌بهره | صفر | قرض‌الحسنه | قرض بی­بهره | کارمزد |
| قرض‌الحسنه پس‌انداز | وكالت عام | صفر | فروش اقساطی | بیع نسیه | معين |
| سرمایه‌گذاری مدت‌دار | وكالت عام | متغير | اجاره به شرط تملیک | اجاره | معين |
| گواهی سپرده عام | وكالت عام | متغير | سلف | بيع سلف | معين |
| گواهی سپرده خاص | وکالت خاص | متغير | خرید دین | بيع دين | معين |
|  | | | جعاله | جعاله | معين |
| مشارکت | شرکت | متغير |
| سرمایه­گذاری مستقیم | *—* | متغير |

**مقایسه تخصیص منابع در بانکداری بدون ربا و بانک­های متعارف**

|  |  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- | --- |
| **تخصیص منابع در بانکداری بدون ربا** | | | **تخصیص منابع در بانکداری متعارف** | | |
| **عنوان تسهیلات** | **رابطه­ی حقوقی** | **سود** | **عنوان سپرده** | **رابطه­ی حقوقی** | **سود** |
| قرض‌الحسنه | قرض | صفر | وام مصرفی | قرض | ثابت |
| قراردادهای شراکتی | شراکت | متغیر | وام تجاری | قرض | ثابت |
| قراردادهای اجاره ای | اجاره | معين | وام رهنی | قرض | ثابت |
| قراردادهای مبادله‌ای | وکالت | معین |  | | |

**فصل پنجم:**

قوانین و مقررات بانکی در اتحادیه اروپا

**قوانین و مقررات بانکداری**

بانک­ها نقش محوری در اقتصاد کشورها داشته و در به حداقل رساندن برخی عیب­های موجود در بازار (مانند عدم تقارن اطلاعات، خطر اخلاقی و انتخاب نامطلوب) نقش قابل توجهی ایفا می­کنند. همچنین صنعت خدمات مالی و بانکداری از نظر سیاسی بسیار حساس می­باشد و تا حد زیادی متکی به اعتماد عمومی است. به دلیل ماهیت فعالیت،­ بانک­ها نسبت به شرکت­های دیگر بیشتر مستعد ابتلا به مشکلات هستند. علاوه بر این، به دلیل ارتباط بانک­ها با یکدیگر، ورشکستگی یک بانک می­تواند به سرعت بر سایر بانک­ها تأثیر بگذارد(خاصیت سرایت بانکی) و منجر به ترس و هجوم مردم به سایر بانک‌ها برای دریافت سپرده­هایشان شود. در واقع، سیستم­های بانکداری در معرض ریسک­های سیستماتیک قرار دارند و این خطر وجود دارد که مشکلات موجود در یک بانک به سرعت به کل بانک­ها گسترش یابد. تمامی این موارد نشان‌دهنده آن است که این نهاد نیازمند قانونمندی سطح بالایی است.

در مورد قوانین بانکداری، سه نوع مختلف مقررات شناخته شده است: (الف) قوانین سیستماتیک (ب) قوانین احتیاطی (ج) اداره مقررات کسب.

الف) قوانین و مقررات سیستماتیک، به همه سیاست‌های عمومی اطلاق می­شود که به‌منظور کمینه کردن خطر هجوم مردم به بانک­ها طراحی شده و تحت عنوان شبکه امنیت دولت می­باشد. این شبکه ایمنی شامل دو ویژگی اصلی است؛ بیمه سپرده و کارکرد وام­دهنده نهایی.

بیمه سپرده، تضمینی است که تمام یا بخشی از مبلغ سپرده­گذاری شده در یک بانک در صورتی که یک بانک ورشکسته شود را به سپرده­گذاران می­پردازد. ضمانت ممکن است یا به صراحت در قانون بخش خصوصی و بدون حمایت دولت ارائه شود و یا به‌طور ضمنی از وعده­های کلامی و یا اقدامات گذشته مقامات استنباط شود. در سال­های اخیر بسیاری از کشورها این سیاست را اتخاذ کرده­اند یا در مقابل، یک سیستم سپرده بیمه صریح یا رسمی را مدنظر قرار داده­اند. در ایالات متحده آمریکا، شرکت بیمه سپرده فدرال (FDIC) تضمین می­کند که به سپرده­گذاران، برای ۱۰۰.۰۰۰ دلار اولی که آنها در صورت ورشکستگی بانک سپرده­گذاری کرده­اند به‌طور کامل خسارت پرداخت خواهد کرد. در انگلستان، تنظیمات و مقررات حفاظت از سپرده­های جدید در سال ۲۰۰۱ معرفی شد. بدنه مسئول برای مدیریت این طرح جدید به‌عنوان جبران خدمات مالی (FSCS) شناخته می­شود که تحت خدمات مالی و قانون بازار ۲۰۰۰(FSCS) راه­اندازی شد. FSCS کسب‌وکار انجام شده توسط شرکت­های مجاز توسط سازمان (FSA)[[72]](#footnote-72) را پوشش می­دهد.

ویژگی دوم، کارکرد وام‌دهنده­ی نهایی است. وظیفه وام­دهنده­ی نهایی (LOLR) یکی از وظایف اصلی بانک مرکزی است. بانک مرکزی و یا دیگر نهادهای مرکزی از این طریق برای بانک­هایی که با مشکل مالی مواجه هستند و به هیچ کانال اعتباری دسترسی ندارند بودجه فراهم می­سازند. از طریق مکانیزمLOLR، مقامات می­توانند نقدینگی لازم را برای بخش بانکی در زمان بحران را فراهم کنند.

ب) قوانین احتیاطی و اداره مقررات کسب‌وکار عمدتاً برای حمایت از مصرف­کننده می­باشد که به نظارت و بازرسی بر نهادهای مالی با توجه خاص به کیفیت دارایی­ها و کفایت سرمایه مربوط می­شود. قوانین احتیاطی در بریتانیا توسط FSA وضع شده است و به دنبال حصول اطمینان از اینکه شرکت­ها از نظر مالی ایمن هستند، بوده و این امر شامل تعیین استانداردهای پوشش مدیریت ریسک و سایر الزامات مرتبط نیز می­باشد.

ج) اداره مقررات کسب‌وکار در انگلستان بر این موضوع تمرکز می­کند که بانک­ها و سایر مؤسسات مالی چگونه کسب‌وکار خود را هدایت می­کنند. این نوع از مقررات مربوط به افشای اطلاعات، شیوه­های کسب‌وکار عادلانه، شایستگی، صداقت و یکپارچگی مؤسسات مالی و کارکنان آنها می‌باشد.

**اتحادیه اروپا**

اتحادیه اروپا، به‌عنوان سازمان کشورهای اروپایی که ریشه در جامعه اروپایی فولاد و زغال سنگ سال ۱۹۵۱ دارد، به‌طور رسمی در اول نوامبر ۱۹۹۳ تأسیس شد. مقر این اتحادیه در بروکسل بلژیک قرار دارد و در ابتدا اعضای آن بلژیک، فرانسه، آلمان­غربی، یونان، ایتالیا، لوکزامبورگ و هلند بودند و پس از آن دانمارک، ایرلند، انگلستان، پرتغال و اسپانیا نیز به این کشورها پیوستند. در سال ۱۹۹۱ دولت­های ۱۲ کشور عضو، معاهده­ی اتحادیه اروپا را، که معاهده­ی ماستریخت نامیده می‌شود، به امضا رساندند و به دنبال آن توسط قانونگذاران کلیه­ی کشورهای عضو به تصویب رسید.

معاهده‌ی ماستریخت جامعه اروپایی را به اتحادیه اروپا تبدیل کرد. در سال ۱۹۹۵ اتریش، فنلاند و سوئد نیز به اتحادیه­ی اروپا پیوستند و در سال ۲۰۰۴ نیز ده کشور دیگر به آنها اضافه شدند که تعداد کشورهای عضو اتحادیه را به 25 کشور رساندند. ده عضو جدید عبارت بودند از: استونی، لتونی، قبرس، لیتوانی، مالت، لهستان، جمهوری چک، اسلواکی، مجارستان و اسلوونی.

عکس­العمل­های عمومی علیه برخی عناصر معاهده­ی ماستریخت منجر به برگزاری کنفرانس بین­الدولی میان رهبران اتحادیه اروپا در مارس ۱۹۹۶ شد. در این کنفرانس معاهده­ی آمستردام تنظیم و تصویب شد. پس از آن طرح توسعه­ی اتحادیه اروپا در سال ۲۰۰۱ در معاهده­ای بنام معاهده­ی نیس به امضا رسید که مجموعه­ای از اصلاحات پلکانی را برای آمادگی جهت توسعه­ی اتحادیه­ی اروپا مقرر می­کرد.

|  |  |
| --- | --- |
| جولای ۱۹۴۴ | توافق برتون وودز امضا شد. |
| مارس ۱۹۵۷ | معاهده رم امضا شد که به موجب آن جامعه اقتصادی اروپا EEC تشکیل شد |
| اکتبر ۱۹۷۰ | ورنر گروپ گزارش نهایی­اش را ارائه داد |
| مارس ۱۹۷۱ | کشورهای عضو با برنامه سه مرحله­ای اتحادیه پولی و اقتصادی اروپا موافقت کردند |
| مارس ۱۹۷۳ | دانمارک، ایرلند و انگلیس به جامعه اقتصادی اروپا پیوستند. سیستم برتون وودز شکست خورد |
| مارس ۱۹۷۹ | راه‌اندازی سیستم پولی اروپایی (EMS) |
| اپریل ۱۹۸۹ | کمیته دولور گزارش نهایی­اش را ارائه داد |
| جولای ۱۹۹۰ | مرحله اول EMU آغاز شد |
| فوریه ۱۹۹۳ | معاهده اتحادیه اروپا در ماستریخت امضا و اتحادیه اروپا به‌صورت رسمی تشکیل می­شود. |
| سپتامبر ۱۹۹۳ | ایتالیا و انگلستان از مکانیسم نرخ تبادل (ERM) خارج شدند |
| آگوست ۱۹۹۳ | اصلاح سیستم |
| ژانویه ۱۹۹۴ | مرحله دوم EMU شروع شد |
| ژوئن ۱۹۹۷ | شورای اروپایی در آمستردام SGP را ارائه می‌دهد |
| دسامبر ۱۹۹۷ | شورای اروپایی در لوگزامبورگ یوروگروپ را ایجاد می­کند |
| می ۱۹۹۸ | رهبران اتحادیه اروپا تصمیم می­گیرند تا ۱۱ کشور عضو معیارهای همگرایی را که توسط ECB تنظیم شده است رعایت کنند |
| ژانویه ۱۹۹۹ | مرحله سوم EMU شروع میشود و منطقه­ی یورو بوجود می­آید |

هدف از تشکیل اتحادیه اروپا در بالاترین سطح آن تشویق و توسعه همکاری بین دولت­های عضو در حوزه­های تجارت، اقتصاد، سیاست خارجی، دفاع امنیت و مسائل قضایی و در درجه بعدی تشکیل اتحادیه­ی اقتصادی و پولی بر مبنای واحد پولی یورو[[73]](#footnote-73) بوده است. یورو در ژانویه ی ۲۰۰۲ جایگزین پول­های رایج ملی در ۱۲ کشور عضو گردید.

کشورهای عضو اتحادیه­ی اروپا سعی نمودند برای ورود و مشارکت در اتحادیه پولی و اقتصادی شرایط و استانداردهای ویژه­ی اقتصادی تعریف نمایند. برخی از این شرایط عبارتند از:

1. نرخ تورم هر یک از کشورهای عضو نسبت به متوسط سه کشوری که کمترین نرخ تورم را دارند، نباید از یک و نیم درصد بیشتر شود.
2. کسری بودجه­ی هر یک از کشورهای عضو نباید از ۳ درصد تولید ناخالص داخلی و دیون ملی آن نیز نباید از ۶۰ درصد تولید ناخالص داخلی تجاوز نماید.
3. تفاوت نرخ بهره­ی بلندمدت هر یک از کشورهای عضو نسبت به سه کشوری که کمترین نرخ بهره را دارند نباید بیشتر از دو درصد باشد.
4. کشورهای عضو نباید ارزش پول رایج خود را در مقابل سایر کشورهای عضو، حداقل برای مدت دو سال قبل از الحاق به اتحادیه­ی پولی کاهش دهد.

|  |  |
| --- | --- |
| ژانویه ۲۰۰۱ | یونان به منطقه یورو ملحق می­شود |
| ژانویه ۲۰۰۲ | تغییرات در سکه و اسکناس یورو بوجود می­آید |
| مارچ ۲۰۰۵ | شورای اروپا در بروکل SGP را بازنگری می­کند |
| ژانویه ۲۰۰۷ | اسلوونی به منطقه یورو می­پیوندد |
| ژانویه ۲۰۰۸ | قبرس و مالتا به منطقه یورو می­پیوندد |
| ژانویه ۲۰۰۹ | اسلواکی به منطقه یورو می­پیوندد |
| می ۲۰۱۰ | اتحادیه اروپا و صندوق بین­المللی پول بسته حمایتی مالی را برای یونان تهیه می­کنند |
| می ۲۰۱۰ | مکانیسم ثبات مالی اروپا (EFSM) و تسهیل ثبات مالی اروپا (EFSF) منتشر می­شود |
| نوامبر ۲۰۱۰ | بسته حمایت مالی اتحادیه اروپا و صندوق بین‌المللی پول برای ایرلند |
| دسامبر ۲۰۱۰ | هیأت ریسک سیستماتیک اروپایی تأسیس می­شود |
| ژانویه ۲۰۱۱ | استونی به منطقه یورو می­پیوندد |
| می ۲۰۱۱ | بسته حمایت مالی اتحادیه اروپا و صندوق بین‌المللی پول برای پرتغال |
| اکتبر ۲۰۱۱ | نشست یورو ایجاد شد |
| دسامبر ۲۰۱۱ | شش بسته به جریان افتاد |
| فوریه ۲۰۱۲ | معاهده ESM امضا شد |
| مارس ۲۰۱۲ | پیمان مالی امضا شد |
| ژوئن ۲۰۱۲ | بسته حمایت مالی اتحادیه اروپا و صندوق بین­المللی پول برای اسپانیا |
| اکتبر ۲۰۱۲ | ESM بر پا می­شود |
| مارس ۲۰۱۳ | بسته حمایت مالی اتحادیه اروپا و صندوق بین­المللی پول برای قبرس |
| می ۲۰۱۳ | دو بسته به جریان می­افتد |
| ژانویه ۲۰۱۴ | لاتویا به منطقه یورو ملحق می­شود |
| ژانویه ۲۰۱۵ | لیتوانی منطقه ملحق می‌شود |

**قانون­گذاری بخش مالی در اتحادیه اروپا**

در این بخش مروری کوتاه بر قوانین اتحادیه اروپا که بر بانک­ها و بخش خدمات مالی تاثیرگذار است، می­پردازیم. هدف اصلی قوانین­ اتحادیه­ی اروپا، هماهنگ­سازی قوانینی بوده است که هدفشان ارتقای بازار مالی در خدمات مالی در سرتاسر اتحادیه اروپا می­باشد. در ژانویه ۱۹۹۳ دستورالعمل مشارکتی بانکداری ثانویه به اجرا درآمد. این قانون اشاره­های مهمی به فعالیت­های بانکداری درون اتحادیه اروپا داشته است. دلایل این امر هم به قرار زیر می­باشد.

**مجوز بانکداری مجزای اروپایی:** این اطمینان را ایجاد می­کند که بانک­هایی که عضو اتحادیه هستند و از طرف قانون کشورشان به‌عنوان مرجع نظارت و اعمال اقتدار شناخته شده­اند، به‌صورت خودکار در هر قسمت از اتحادیه اروپا به دلیل به رسمیت شناخته شدن از طرف کشورشان، به‌عنوان بانک شناخته می­شوند.

**ناظران کشور اصلی (مادر):** کشورهای میزبان مسئول نظارت بر تمام عملیاتی که درون بانک­های اتحادیه اروپا در کشورهای مادر حضور دارند، هستند. در نتیجه، بانکی که در بریتانیا از طرف مرکز خدمات مالی به‌عنوان مرجع شناخته شده، هم اکنون قادر است شعبه­هایی در دیگر دولت­های عضو بر پا کند. همچنین به آنها این اجازه داده شده است بدون اینکه به اقتدار کشور میزبان احتیاجی داشته باشند طیف وسیعی از خدمات فرامرزی را ارائه دهند.

**دستورالعمل ورود:** دارا بودن الزامات قانون مبادلات سهام اتحادیه اروپا برای حضور سهام شرکت­ها در مبادلات سهام این اتحادیه

**دستورالعمل خدمات سرمایه­گذاری:** این دستورالعمل برای شرکت­های سرمایه­ای مجوز مجزای اتحادیه اروپا را فراهم می­کند. شرکت­های قانونی در هر یک از کشورهای عضو اتحادیه اروپا به واسطه رسمیت شناخته شدن اقتدارشان، دسترسی مناسبی به بازارهای دیگر کشورهای اتحادیه دارند.

**دستورالعمل شرکت­های جمعی:** این دستورالعمل، قواعد و قوانین را برای نظارت بر شرکت­های مشارکتی مالی هماهنگ می­کند، نظیر شرکت­هایی که بانکداری، بیمه، مستمری، سهام و دیگر فعالیتهای مالی را در هم ادغام می­کنند.

**دستورالعمل­های مستمری:** این دستورالعمل، قواعد و مقررات نظارتی را بر کسب‌وکار به‌طور مستمر تنظیم می­کند.

**دستورالعمل آزادسازی سرمایه**: هدف از این دستورالعمل، غیر قانونی اعلام کردن کنترل­ها در مورد حرکت­های سرمایه درون اتحادیه اروپا می­باشد.

بانک مرکزی اروپا

اعضای اتحادیه­ی اروپا در حوزه­های متفاوت همکاری دارند که اغلب ارکان نامیده می­شود. در مرکز این سیستم، رکن جامعه­ی اروپایی قرار دارد که دارای عملکرد فرا ملی است. ارکان مهم اتحادیه اروپا شامل کلیه مؤسسات حاکمه­ی اتحادیه اروپا می­باشند و مهمترین آنها عبارتند از: کمیسیون اروپایی، شورای اتحادیه اروپا (شورای وزیران)، پارلمان اروپایی، دیوان دادگستری اروپایی و دیوان محاسبات، بانک مرکزی اروپایی.

بانک مرکزی اروپا (ECB)[[74]](#footnote-74) در اول ژوئن ۱۹۹۸ در فرانکفورت آلمان تأسیس شد. این بانک از سوی هیأت مدیره­ای که با توافق دولت­های عضو اتحادیه اروپا انتخاب می­شوند، نظارت می­شود. این هیأت مدیره شامل رئیس بانک مرکزی اروپایی و نایب رئیس آن می­شود. عهدنامه برپایی اتحادیه اروپا، اساسنامه بانک مرکزی و مجمع بانک­های مرکزی اروپا مبنای حقوقی این بانک می­باشند. در اول ژوئن سال ۱۹۹۸ میلادی، اساسنامه مزبور هم بانک مرکزی اروپا و هم مجمع بانک­های مرکزی اروپا را بنا نهاد. بر اساس آنچه در اساسنامه بانک مرکزی اروپا آمده است هدف عمده این بانک، ثبات قیمت در منطقه یورو[[75]](#footnote-75) است. از این رو، در قبال نظارت بر سطح تورم و حفظ قدرت خرید[[76]](#footnote-76) واحد پولی مشترک مسئول است.

بانک مرکزی اروپایی در ترسیم خط­مشی اتحادیه­ی اروپا از جمله اموری مثل تعیین نرخ بهره و تنظیم عرضه­ی پول اختیار انحصاری دارد. اختیار بانک مرکزی اروپایی بر سیاست پولی و استقلال آن از دیگر مؤسسات اتحادیه اروپا، این بانک را به یک نهاد قدرتمند تبدیل کرده است. علاوه بر این، بانک مرکزی نقش عمده­ای در نظارت بر افتتاح و انسجام یورو به‌عنوان پول واحد اروپایی داشته است.

**ساختار سازمانی بانک مرکزی اروپا**

بانک مرکزی اروپا ECB بعنوان بانک بانک­های مرکزی کشورهای اروپایی، مسئول تدوین و اجرای سیاست‌های پولی در اروپا می­باشد و بانک­های مرکزی ملی کشورهای اروپایی[[77]](#footnote-77) نیز ملزم به رعایت دستورالعمل­های این بانک هستند. این بانک از سه بخش اصلی؛ کمیته اجرایی، شورای حکام و شورای عمومی تشکیل شده است که کمیته­ی اجرایی را رئیس ECB، معاون و چهار عضو دیگر و شورای حکام را که از ۱۲ کشور اروپایی می­باشند، شش واحد اجرایی بعلاوه‌ی حاکمان ECB تشکیل می­دهند. چهار عضو کمیته اجرایی را کشورهای اروپایی انتخاب می­کنند.

سومین واحد تصمیم گیرنده­ی این بانک شورای عمومی است. این واحد را رئیس این بانک، معاون بانک و رؤسای بانک­های مرکزی کشورهای اروپایی تشکیل می­دهند. نقش اصلی این شوراt تصمیم­سازی برای اتخاذ تصمیم­های مناسب جهت انجام وظایف نظام یورو و مشاوره در تدوین سیاست‌های پولی و طراحی اقدامات لازم جهت اجرای این سیاست­ها در حوزه یورو می­باشد.

طبق آنچه در ماده ۱۵ پیمان اتحادیه اروپا آمده است بانک مرکزی اروپا به‌عنوان یک بانک مرکزی مستقل می­بایست نسبت به نهادها و مؤسسات دموکراتیک و عموم مردم پاسخگو باشد. همچنین این بانک موظف به ارائه گزارش عملکرد سالانه و سیاست‌های پولی سال­های قبل و همچنین سال جاری به پارلمان اروپا شورای اروپا و کمیسیون اروپا می‌باشد.

**وظایف بانک مرکزی اروپا**

(الف) بر مبنای ماده ۱۰۵.۲ پیمان اتحادیه اروپاt وظایف اصلی بانک مرکزی اروپا عبارتست از:

1. تعریف ابزارهای پولی حوزه یورو
2. هدایت عملیات مبادلات خارجی
3. حفظ و مدیریت پس­اندازهای کشورهای حوزه­ی یورو
4. ارتقای عملیات مربوط به نظام پرداختی

بر اساس ماده ۱۰۵.۱ این پیمان، هدف اولیه بانک مرکزی اروپا حفظ ثبات قیمت­ها و حمایت از سیاست‌های عمومی اقتصادی آن می­باشد و پس از آن در ماده­ی دوم این پیمان هدف بعدی را سطح بالای اشتغال به همراه رشد پایدار بدون رکود اقتصادی تعریف کرده است.

ب (بخش دوم از وظایف اصلی بانک مرکزی اروپا مدیریت عملیات مبادلات خارجی است که عبارتند از:

۱) مداخله در مبادلات خارجی

۲ مبادلات بازرگانی

ج) بخش سوم از وظایف بانک مرکزی اروپا این است که این بانک سه پورتفوی را مدیریت می­کند:

۱- پس­اندازهای خارجی

۲- مستمری و بازنشستگی کارمندان

۳- سبد هزینه­ی بودجه

د) سایر وظايف بانک مرکزی اروپا را می­توان به شرح زیر نام برد:

۱. حق انحصاری انتشار اسکناس

۲. جمع­آوری اطلاعات مالی در همکاری با بانک­های مرکزی کشورهای اروپایی

۳. نظارت بر نظام یورویی جهت دستیابی به هدف مهم ثبات مالی

۴. همکاری بین­المللی و اروپایی

۵. فراهم کردن نظام پرداخت(TARGET)[[78]](#footnote-78)

۶ نظارت بر نظام بازپرداخت و تسويه از طریق تدوین استانداردها

۷. نظارت بر نظام­های تسویه اوراق بهادار

۸ تطبیق نیازها و زیرساخت­های پرداخت حوزه یورو

**سیاست‌های پولی**

همانطور که گفته شد بانک مرکزی اروپا، مسئول تدوین و اجرای سیاست‌های پولی در اروپا در راستای تأمین اهداف این اتحادیه می­باشد. بنابراین سیاست پولی در این اتحادیه به شرطی موفق خواهد بود که به رشد پایدار اقتصادی و ثبات قیمت­ها در اروپا بینجامد.

ابزارهای اصلی سیاست پولی در اتحادیه اروپا عبارتند: ۱) عملیات بازار آزاد ۲) تسهیلات دائمی ۳) احتیاج به یک پس­انداز حداقل.

همانطور که بیان شد بر اساس اساسنامه، هدف عمده بانک مرکزی اروپا، ثبات قیمت در منطقه يورو است و این بانک در قبال نظارت سطح تورم و حفظ قدرت خرید واحد پولی مشترک مسئول است. برای تأمین این هدف نیز در اموری مثل تعیین نرخ بهره و تنظیم عرضه­ی پول، اختیار انحصاری دارد. تاکتیک اصلی این بانک برای اجرای این استراتژی، تعریف ثبات قیمتها در شاخص قیمت مصرف­کننده[[79]](#footnote-79) بوده و بر این اساس، رشد مجاز سالانه این شاخص در منطقه­ی یورو ۲ درصد می­باشد.

سیستم نظارت بر عملکرد بانک مرکزی اروپا جهت هشداردهی حرکت در مسیر تأمین اهداف سیاست‌های پولی بر اساس دو شاخص بنا شده است: M3 [[80]](#footnote-80)و فشار رکودی. این دو شاخص به مانند جهت نما، نشان می­دهند که نتایج حاصل شده تا چه حد در راستای اهداف تعیین شده، قرار دارند. M3 شاخصی است که به‌عنوان یک هدف میان­مدت، نرخ رشد انباشت پولی حجیم را کنترل می­کند و در صورت عدول از اهداف سیاست‌های پولی، این شاخص به خوبی نمایانگر این امر خواهد بود.

فشار رکودی شاخص دیگری است که از طریق آن می­توان به این نتیجه رسید که نتایج حاصل از اعمال سیاست­ها و اجرای استراتژی­ها تا چه حد بر اهداف آن منطبق است. این شاخص از شاخص­هایی نظیر؛ نرخ تبادلات یورویی، نرخ رشد اقتصادی، پژوهش­های مصرف، سیاست‌های مالی و... بدست می­آید.

یکی از موضوعاتی که بیانگر پیچیدگی سیاست­گذاری در منطقه یورویی است موقعیت­های متفاوت کشورهای عضو، از ابتدای تشکیل این اتحادیه، از نظر شاخص­های رشد و توسعه اقتصادی است. به‌طور مثال، موقعیت و نیازهای کشورهای آلمان، فرانسه و ایتالیا و هلند یکسان نیست و بهره­مندی هر یک از اين کشورها نیز از اجرای سیاست‌های پولی یکسان نخواهد بود. بنابراین یافتن یک نسخه مطلوب برای همه[[81]](#footnote-81) کشورهای منطقه یورو، کار بسیار پیچیده است.

بر این اساس و به‌منظور هماهنگ کردن سیاست‌های مالی کشورهای عضو این اتحادیه، سیاست‌های مالی دولت­های عضو در توافق­نامه­ی رشد و ثبات اتحادیه اروپا محدود شدند. هدف از این توافق­نامه، همگرا نمودن سیاست‌های مالی کشورهای عضو با سیاست‌های اتحادیه اروپا و افزایش کارایی آنها می­باشد.

**توافق­نامه رشد و ثبات اتحادیه اروپا**

توافق­نامه رشد و ثبات اتحادیه اروپا در ژوئن ۱۹۹۷ جهت نظارت بیشتر بر سیاست‌های اقتصادی و با هدف نهایی ثبات مالی و رشد اقتصادی این اتحادیه در جلسه شورای اروپا مصوب شد. این توافق­نامه در تاریخ ۲۳ مارس ۲۰۰۵ اصلاح شد و مفاد آن بیش از هر چیز نشان دهنده­ی نظارت اتحادیه اروپا بر سیاست‌های اقتصادی کشورهای عضو می­باشد. برخی از مفاد این توافق­نامه که اعضا نسبت به آن متعهد هستند عبارتند از:

* کمبودهای حکومتی را کمتر از ۳ درصد تولید ناخالص داخلی نگه دارند.
* با نوسانات دوره­ای در اقتصادشان سازگار باشند.
* در سیاست‌های مالی، خود نزدیک به تعادل و یا مازاد در دوره­های میان­مدت باشند.
* ملزم به ارائه برنامه­های ایجادکننده­ی ثبات به شورای اتحادیه اروپا و کمیسیون اروپایی هستند.
* اگر کشورهای عضو رشدی منفی را تجربه کنند می­توانند عوامل مربوط بیشتری را به کار گیرند.

**قوانین مالی در** **انگلستان**

قوانین بانکداری در انگلستان از سال ۱۹۸۰ به بعد به حوزه را در بر می­گیرد. اول اینکه قوانین جدیدی جهت از بین بردن تفاوت­ها بین انواع مختلف شرکت­های خدمات مالی، به خصوص بین بانک­ها و انجمن­های ساخت و ساز و نیز کسب‌وکارهای مربوط به سرمایه­گذاری و بازرگانی تدارک دیده شده است. دوم اینکه، انگلستان موارد متعددی از قوانین اتحادیه اروپا را برای قانون بانکداری داخلی خود اجرا کرده است که این امر به نوبه خود، معرفی مجوز بانکداری منفرد را راحت­تر می­کند و قوانین محتاطانه را چه برای بانک­های بازرگانی و چه برای شرکت­های سرمایه­گذاری تنظیم می­کند. در نهایت آخرین قانون در سایه تصمیمات حکومت کارگری مبنی بر مستقل کردن بانک انگلستان در زمینه­های مربوط به سیاست‌های پولی، مسئولیت­های قانونی را به ابرقانون­گذار یا همان مرجع خدماتی قانونی واگذار کرده است.

چارچوب قانونی کنونی در انگلستان با سه تغییر اصلی، شکل گرفته است. اولین نوع تغییر، ایجاد مرجع قانون­گذاری منفرد با نام مرجع خدمات مالی (FSA) است. دوم، اعطای استقلال به بانک انگلستان در راستای سیاست‌های پولی در قانون جدید بانکی این کشور و در نهایت، تصویب قانون بازارها و خدمات مالی[[82]](#footnote-82) که دوباره در دسامبر ۲۰۰۱ جدی گرفته شد و تغییرات اساسی در ساختار قانونی ایجاد کرده است.

سازمان نظارت بر خدمات مالی[[83]](#footnote-83)، یک بدنه غیرحکومتی و یک شرکت با مسئولیت محدود که از طریق مالیات­های صنعتی تغذیه می­شود، محسوب می­گردد. FSA به پارلمان یا وزارت خزانه­داری پاسخگو می­باشد و سیاست‌های آن توسط هیئتی که متشکل از یک رئیس، سه مدیر اجرایی و یازده مدیر غیر اجرایی است، تدوین می­شود که همه آنها توسط خزانه داری منصوب می­گردند. FSA قدرت قانونی خود را تحت لوای قانون بازار و خدمات مالی (FSMA) پیاده می­کند. در عین حال FSMA چهار هدف دیگر FSA را تعیین می­کند.

* تداوم اعتماد در نظام مالی بریتانیا
* ارتقای فهم عمومی در نظام مالی
* حفاظت از درجه مناسب حفاظت مصرف­کنندگان در حالی که مسئولیت­هایش به رسمیت شناخته می­شود

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| **بانک مرکزی اروپا** | |  | **سیستم یورویی** | **سیستم بانک­های مرکزی اروپا** |
| هیأت اجرایی | شورای حکام | **شورای عمومی** |
| بانک ایتالیا | بانک مرکزی بلژیک |
| بانک مرکزی لوکزامبورگ | بانک آلمان |
| بانک هلند | بانک یونان |
| بانک مرکزی اتریش | بانک اسپانیا |
| بانک پرتغال | بانک فرانسه |
| بانک فنلاند | بانک مرکزی و خدمات مالی ایرلند |
| بانک ملی دانمارک، بانک سوئد، بانک انگلیس | |
| بانک چک، بانک استونی، بانک قبرس، بانک لیتوانی، بانک لتونی | |
| بانک مرکزی مجارستان، بانک مالت، بانک لهستان، بانک سوئد، بانک اسلواکی | |

* کاهش امکان جرائم مالی

نظرگاه­های قانون­گذاری FSA نسبت به گذشتگان آن بسیار متفاوت است. هدف FSA، حفظ بازارهای مالی به‌صورت مرتب و منظم و کارآمد و کمک به خرده­فروشان جهت دستیابی به معاملات مطلوب می­باشد. این دیدگاه جدید بر مبنای نگاه به قانون ریسک محور تمام کسب‌وکارهای مالی که رویکردهای گوناگون پیشینیان را به هم پیوند می­زند، بنا نهاده شده است.

بانکداری در انگلستان

قرارداد میان بانک و مشتری در انگلستان میتواند اشکال متفاوتی داشته باشد انواع مهم قراردادهای بانکی به موجب حقوق انگلستان را می­توان به شرح زیر طبقه‌بندی نمود[[84]](#footnote-84):

قراردادهای میان بانک­ها و مشتریان شرکت­های بزرگ

1. قراردادهای میان بانک­ها و مشتریان شرکت­های کوچکتر و با فعالیت­های تجاری ثبت شده
2. قرارداد میان بانک­ها و مشتریان مرتبط

ارتباط مشتری با بانک جایی است که مشتری در بانک حساب افتتاح می­کند. مطابق قوانین در انگلستان هر شخصی که حسابی را افتتاح می­کند در قوانین حفاظتی یک مشتری قرار می­گیرد ولیکن باید توجه داشت که ماهیت رابطه­ی میان مشتری و بانک قراردادی است و طرفین تعهدات قراردادی با یکدیگر دارند. این رابطه یک رابطه امانتی نیست و به موجب آن بانک باید منافع مشتری را لحاظ نماید[[85]](#footnote-85). بنابراین در رویه بانکداری انگلستان، وجوه سپرده شده از سوی سپرده­گذاران به بانک در قالب عقد وکالت نیست بلکه یک رابطه­ی قراردادی منصرف از رابطه­ی وکالتی و امانتی است و تصریح بر این است که رابطه­ی بین بانک و خریدار وام و تسهیلات رابطه وکیل و موکل نیست. بر خلاف نظام بانکداری و حقوقی ایران که سپرده­گذاری از سوی مشتریان به بانک­ها در قالب دو عقد قرض و وکالت انجام می­پذیرد.

بنابراین رابطه­ی بین بانک و مشتریان در تعاملات بانکداری کاملاً قراردادی بوده و اصل آزادی اراده با رعایت دو قید زیر، حاکم است؛ اعمال شروط ناعادلانه و غیرمنصفانه و اعمال سیاست عمومی و کلی از سوی حاکمیت.

بانک مرکزی انگلستان

بانک مرکزی انگلستان در واقع بانک مرکزی پادشاهی این کشور است. این بانک در سال ۱۶۹۴ میلادی و با هدف افزایش قدرت دولت برای جذب سرمایه تأسیس شد. در ابتدا این بانک یک شرکت سهامی بود و در سال ۱۸۴۴ امتیاز انحصاری چاپ و تولید اسکناس و سکه را در این کشور بدست آورد.

این بانک در قالب یک شرکت سهامی خاص علاوه بر اینکه نقش موثری در مدیریت مالی اقتصاد انگلستان داشت، وظیفه مدیریت ذخایر طلای پادشاهی انگلستان و مبادلات ارزی دولت را نیز بر عهده داشت. علاوه بر این موارد، اموری که امروزه به‌عنوان پایین­ترین سطح از وظایف یک بانک مرکزی شناخته می­شود را نیز انجام میداد. اموری نظیر:

* مرجع چاپ اسکناس و ضرب سکه
* وام دهنده­ی واپسین[[86]](#footnote-86)
* آخرین مرجع خرید اسناد تجاری
* بانکدار دولت
* بانک مادر برای بانک­های داخلی
* نگهداری از اندوخته­های ملی
* سرپرست و ناظر نظام بانکداری
* مدیریت دفاتر ثبت اوراق بهادار دولتی

در سال ۱۹۴۶ تمام سرمایه این بانک به دولت تعلق گرفت و بعنوان بانک ملی در انگلستان معرفی و در سال ۱۹۹۷ نیز به‌عنوان بانک کاملاً مستقل وظیفه یافت تا در راستای ثبات نظام مالی انگلستان حفظ ارزش پول و کارآمدی صنعت خدمات مالی این کشور، به اجرای سیاست‌های پولی بپردازد. در انگلستان مسئولیت تدوین سیاست‌های پولی بر عهده شورای سیاست­گذاری پول می­باشد.

از سال ۲۰۰۴، بانک انگلستان وظیفه یافت تا هم ثبات مالی و هم ثبات پولی را تأمین کند. این مأموریت از سوی هیأت‌مدیران این بانک مصوب و ابلاغ گردید. هیأت مدیران بانک انگلستان، از یک نفر رئیس، دو نفر معاون و ۱۶ مدیر غیراجرایی تشکیل می­شود که رئیس برای یک دوره پنج ساله و مدیران مذکور برای یک دوره سه ساله عهده­دار این مسئولیت می­شوند. در حقیقت وظیفه این افراد را می­توان بدین گونه خلاصه نمود:

وظایف هیأت مدیران این بانک عبارتست از:

الف) تعیین استراتژی و اهداف بلندمدت بانک

ب) تضمین ادای تمام عیار تعهدات

ج) بکارگیری حداکثری منابع

**مقررات بانکداری در بازار جهانی**

مقررات به تنظیم قوانین خاص رفتاری که شرکت­ها مجبور به رعایت هستند مربوط می­شود و ممکن است از طریق قوانین و یا آژانس نظارتی مربوطه تعیین شوند (مثل مرجع ناظر بر خدمات مالی در بریتانیا). نظارت[[87]](#footnote-87) بر این قوانین اشاره به روندی دارد که به موجب آن مقامات مربوطه شرکت­های مالی را برای حصول اطمینان از اینکه آیا قوانین در حال اجراست یا خیر ارزیابی می­کنند. بازرسی[[88]](#footnote-88) بر یک اصطلاح گسترده­تر مورد استفاده برای نظارت عمومی از رفتار شرکت­های مالی اشاره دارد. در عمل باید توجه داشت که به جای این واژه در بحث­های عمومی اغلب از محیط نظارتی استفاده می­شود.

بانک پرداخت­های بین­المللی[[89]](#footnote-89) که به‌عنوان قدیمی­ترین سازمان مالی بین­المللی شناخته می­شود و در حقیقت بانکی برای بانک­های مرکزی است، با هدف جستجوی رویکردی مشترک میان اعضا در رابطه با سنجش کفایت سرمایه­ای و توصیف حداقل استانداردهای سرمایه­ای، در سال ۱۹۳۰ تأسیس شد. این بانک پرداخت­های بین­المللی فراهم­کننده­ی خدمات مشاوره برای اقدامات مشترک میان بانک­های مرکزی است و در حال حاضر به‌عنوان نهادی برای جمع­آوری تلفیق و انتشار آمارهای مالی و اقتصادی است. این بانک با حمایت از کمیته بال گام مهمی در تدوین استانداردها دستورالعمل­های نظارتی و مطابقت سیستم‌های نظارتی بانکی برداشت.

**کمیته بال**

کمیته بال در سال ۱۹۳۰ تحت حمایت بانک پرداخت­های بین­المللی طی تصمیم­گیری در کنفرانس Hague به‌منظور پرداخت غرامت­های آلمان بعد از جنگ جهانی اول پایه­گذاری شد.

دو وظیفه عمده کمیته بال عبارتند از: (۱) مطابقت با سیستم نظارتی ملی در کشور به‌طوری که از عهده ابعاد وسیع­تر تجارت­های بانکی مهم برآید (۲) ترویج همکاری و تعاون نزدیک بین مراجع صلاحیت­دار ملی در بازبینی فعالیت­های شعب خارج از کشور و شرکت­های تابعه، و نیز ایجاد ارتباط با بانک­های خودشان که به‌عنوان شعب خارجی در حیطه قلمرو خودشان مشغول به فعالیت می­باشند.

اساسی­ترین مشکل در ایجاد همکاری و هماهنگی بین‌المللی این است که ساختار نظارتی بانکی هر کشوری مطابق با خواص ویژه آن کشور رشد می­یابد. در بعضی کشورها بحث نظارت بانکداری از بحث اختیارات مالی متمایز است و در برخی از کشورها اینگونه نیست. در برخی از کشورها چارچوب قانونی با جزئیات آورده شده است و در برخی از کشورها متکی بر مقررات انعطاف­پذیر و غیررسمی می­باشد.

این کمیته از قدرت نظارت فراملی بر اعضای خود برخوردار نیست و نتایج تصمیماتش نیز ضمانت اجرایی و قانونی ندارد، با این وجود، استانداردها و دستورالعمل­های کلی نظارتی از جمله؛ استانداردهای نگهداری سرمایه­ی مناسب در بانک­ها را در قالب بیانیه­هایی تدوین می­نماید و اجرای آنها را به اعضای خود از طریق برقراری ترتیبات قانونی در داخل مرزها توصیه می­کند. این بیانیه­ها به شدت مورد حمایت سازمان‌های بین­المللی مانند صندوق بین­المللی پول (IMF) و بانک جهانی (WB) است.

**پیشنهادات بال ۱۹۹۹**

بحران آسیا در سال ۱۹۹۸ بر این موضوع تأکید کرد که نظارت ضعیف می­تواند بازتاب شدیدی بر روی ثبات مالی داشته باشد. در این محیط، کمیته بال پیشنهادات خود را به‌منظور هدفگیری محدودیت­ها در مقررات موجود ارائه کرد. از زمانی که این پیشنهاد ارائه شد ارائه ضمانت و وثیقه در چشم­انداز مالی جایگاه مهمتری پیدا کرد. بانک­ها توانسته بودند مقررات بانکی خود را در خصوص چارچوب­های لازم به‌منظور استفاده از سرمایه با استفاده از ضمانت و وثیقه محدود کنند.

* بیانیه بال یک: تمرکز این بیانیه بر ریسک اعتباری و جنبه­های دیگر آن یعنی ریسک انتقال کشوری است. این ریسک تحت عنوان خطر عدم اجرای تعهدات از سوی طرف مقابل تعریف شده است. در این بیانیه سه بخش اساسی طراحی شده است که شامل؛ ساختار سرمایه، نظام طبقه­بندی دارایی­ها به همراه تعیین ضرایب ریسک و بخش تعیین نسبت استاندارد نگهداری سرمایه است.
* بیانیه بال دو: این بیانیه به‌طور رسمی به نام چارچوب اصلاحیه­ی همگرایی بین­المللی سنجش سرمایه و استانداردهای سرمایه­ای شناخته می­شود و در بردارنده­ی تعیین کفایت سرمایه و فعالیت‌های جدید ناظران برای ارزیابی عملکرد بانک­ها و توافق جدید اعضا برای آشکارسازی میزان سرمایه و وضعیت ریسک­پذیری آنها در مقایسه با یکدیگر است.
* بیانیه بال سه: این بیانیه قوانینی استاندارد برای نظام بانکداری در سراسر جهان در واکنش به بحران مالی سال­های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹ می­باشد. این بحران ثابت کرد که سطوح سرمایه­ای بانکی ناکافی است و کیفیت سرمایه­ی بانک­ها نیز پایین است. بال سه، سری جامعی از اقدامات اصلاحی است که به‌منظور تقویت مقررات، نظارت و مدیریت ریسک بخش­های بانکی تدوین شده است.

فصل ششم :

قوانینبانک مرکزی در ایالات متحده آمریکا

فدرال رزرو (Fed)، بانک مرکزی ایالات متحده آمریکا در کنگره و با امضای قانون فدرال رزرو در سال ۱۹۱۳ بنیان نهاده شد و دلیل شکل­گیری آن این بود که بتواند برای مردم نظام مالی و پولی باثبات­تر، منعطف­تر و امن­تری ایجاد کند.

همانند بانک مرکزی ایالات متحده، اقتدار فدرال رزرو از کنگره آمریکا نشات می­گیرد. این نهاد به‌عنوان بانک مرکزی مستقل قلمداد می­شود. چرا که نیازی نیست تصمیماتش از طرف رئیس­جمهور یا شخص دیگری در حکومت تایید شود، نیاز به دریافت بودجه از کنگره ندارد و دوره­های تصدی اعضای هیأت حاکم بیشتر از دوره­ی کنگره و ریاست­جمهوری است.

فدرال رزرو از طرف کنگره نظارت می­شود که در دوره­های مشخص فعالیت­هایش را زیر نظر دارد و می­تواند مسئولیت­هایش را از طریق قانون عوض کند. همچنین فدرال رزرو باید در چارچوب اهداف کلی سیاسی و خط‌مشی اقتصادی که توسط دولت تثبیت شده است، کار کند. بنابراین فدرال رزرو می­تواند به‌طور دقیق­تری به‌عنوان نهاد مستقلی درون حکومت لحاظ شود.

Fed یک نظام فدرال است که متشکل است از آژانس حکومتی، هیات حاکم در واشنگتن دی­سی و دوازده بانک فدرال رزرو منطقه­ای که در شهرهای بزرگ سراسر ایالات متحده واقع شده­اند. این تشکیلات در مسئولیت نظارت و قانونمند­کردن فعالیت­ها و موسسات مالی خاص شریک هستند. جهت فراهم کردن خدمات بانکی به موسسات سپرده و به حکومت فدرال کارهایی انجام می­دهند و همچنین از این امر اطلاع حاصل می­کنند که مصرف­کنندگان اطلاعات کافی کسب می­کنند و دریافتی مناسبی در کسب‌وکارشان با نظام بانکی دارند.

هر دوازده ناحیه فدرال رزرو یک بانک فدرال رزرو دارد. بوستون، نیویورک، فیلادلفیا، کلولند، ریچموند، آتلانتا، شیکاگو، سنت­لویی، مینا پولیس، کانزاس سیتی، دالاس و سان­فرانسیسکو. بانک­های فدرال رزرو زیر نظر عمومی هیأت حاکمان در واشنگتن عمل می­کنند. هر بانکی یک هیئت­مدیره دارد که بر عملیاتش نظارت می­کند. تمام بانک­های پس­انداز به جز آن­هایی که در بوستون و فیلادلفیا هستند شعبه­هایی دارند که به آن­ها کمک می‌کند فعالیت­هاشان را انجام دهند. در مجموع ۲۵ شعبه وجود دارد.

امروزه وظایف بانک فدرال رزرو به چهار حوزه تقسیم می­شود:

(۱) مدیریت سیاست پولی در سطح عمومی

(۲) نظارت و قانون­گذاری موسسات بانکداری و حفاظت از حقوق اعتباری مصرف­کننده

(۳) حفظ پایداری نظام مالی

(۴) فراهم نمودن خدمات مالی ویژه به حکومت آمریکا، عموم مردم، موسسات مالی و نهادهای رسمی خارجی

ماموریت­های Fed از این قرار است: (۱) ارتقای رشد پایدار (۲) رسیدن به سطح بالای ایجاد شغل، ثبات قیمت­ها. نوعاً، سیاست‌های کلان اقتصادی در ایالات­متحده (همانند اتحادیه اروپا و بریتانیا) بر بسته­های سیاست اقتصادی تأکید دارد، جایی که سیاست‌های پولی دست بالا را دارد و این به خاطر ثبات قیمت­هاست که به‌عنوان یک پیش شرط ضروری برای رسیدن به اهداف اقتصادی سطوح بالا و پایدار رشد و توسعه در نظر گرفته می­شود.

وظایف سیستم فدرال رزرو و یسیتم­های اروپایی بانک­های مرکزی، در جدول زیر مقایسه شده­اند.[[90]](#footnote-90)

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| **وظایف** | **FRS** | **ESCB** |
| تعریف و پیاده­سازی سیاست پولی | 🗸 | 🗸 |
| انتشار اسکناس | 🗸 | 🗸 |
| انجام عملیات ارز خارجی | 🗸 | 🗸 |
| نگهداری و مدیریت ذخایر رسمی | 🗸 | 🗸 |
| عمل به‌عنوان عامل مالی برای دولت | 🗸 | NCBs[[91]](#footnote-91) |
| ارتقاء ثبات سیستم مالی | 🗸 | 🗸 |
| نظارت و تنظیم بانک | 🗸 | Some NCBs |
| پیاده­سازی قوانین حفاظت از مصرف­کننده | 🗸 | Some NCBs |
| کارکرد روان و دقیق از سیستم پرداخت ارتقاء | 🗸 | 🗸 |
| جمع­آوری اطلاعات آماری | 🗸 | 🗸 |
| مشارکت در نهادهای پولی بین­المللی | 🗸 | 🗸 |

**قوانین بانک مرکزی ایالات متحده آمریکا**

الف) اهداف بانک مرکزی آمریکا

اعضای هیأت‌مدیره فدرال رزرو و کمیته بازار باز فدرال باید رشد بلندمدت شاخص­های پولی و اعتباری را متناسب با پتانسیل بلندمدت اقتصاد برای افزایش تولید به­گونه­ای حفظ کنند که اهداف؛ اشتغال حداکثری و ثبات قیمت­ها را تقویت کرده و نرخ بهره بلندمدت را نیز متعادل کند.

(ب) پاسخگویی و شفافیت بانک مرکزی

**ب-۱) وظایف هیئت مدیره بانک مرکزی آمریکا**

**(الف) حضور در کنگره**

1. رئیس هیأت­مدیره موظف است در جلسات میان سال کنگره در خصوص موارد زیر حضور یابد:

* تلاش­ها، اقدامات، اهداف و برنامه­های هیأت‌مدیره و کمیته فدرال بازار باز در خصوص اجرای سیاست‌های پولی
* توسعه اقتصادی و چشم­انداز آینده

1. رئیس هیأت‌مدیره بانک مرکزی باید در زمان­بندی زیر حاضر شود:

* در تاریخ ۲۰ فوریه یا حوالی آن در سال­های فرد و در ۲۰ جولای یا حوالی آن در سال­های زوج در کمیته بانکداری و خدمات مالی مجلس نمایندگان
* در یا حوالی ۲۰ جولای سال­های زوج و یا در حوالی ۲۰ فوریه سال­های فرد در کمیته بانکداری مسکن و امور شهری مجلس سنا
* در هر یک از کمیته­های فوق­الذکر در صورت درخواست کمیته­ها

**(ب) گزارش کنگره**

هیأت‌مدیره موظف است همراه با حضور در جلسات نیم­سالانه موضوع بند فوق، گزارش مکتوبی به کمیته بانکداری، مسکن و امور شهری مجلس سنا و کمیته بانکداری و خدمات مالی مجلس نمایندگان ارسال نماید. گزارش مزبور باید مشتمل بر مباحث مربوط به اجرای سیاست پولی توسعه اقتصادی، چشم­انداز آینده، روند گذشته و چشم­انداز آینده اشتغال، بیکاری، تولید، سرمایه­گذاری، درآمد حقیقی، بهره­وری، نرخ­های ارز، تجارت بین­الملل و پرداخت­ها و قیمت باشد.

**(ج) گزارش سالانه**

هیأت‌مدیره بانک مرکزی موظف است به‌صورت سالانه گزارش جامعی از عملیات خود را به رئیس مجلس نمایندگان ارسال نماید. رئیس مجلس نمایندگان می­تواند نسخه­ای از گزارش مذکور را جهت اطلاع در اختیار کنگره قرار دهد.

**دسترسی عمومی به اطلاعات**

هیأت‌مدیره موظف است بر تارنمای اینترنتی خود، لینکی با عنوان Audit قرار دهد که به صفحه اینترنتی حاوی اطلاعات منتشر شده برای عموم لینک باشد. تاریخ انتشار اطلاعات بر صفحه مذکور در زمانی معقول که کمتر از ۶ ماه پس از تولید اطلاعات نیست، خواهد بود.

اطلاعات مربوطه باید شامل موارد زیر باشد:

* گزارش­های آماده شده توسط ناظر عمومی
* صورت­های مالی سالانه آماده شده برای هیأت‌مدیره توسط حسابرس
* گزارش­های هیأت‌مدیره به ستا و مجلس نمایندگان

**(د) بایگانی بازار باز و سایر سیاست­ها**

هیأت‌مدیره بانک مرکزی موظف است مستندات کامل اقدامات انجام شده توسط هیأت‌مدیره و کمیته بازار باز فدرال در قبال تمامی سوالات مربوط به سیاست‌گذاری در عملیات بازار باز را ثبت کند. در مستندات مربوط لازم است آرای مأخوذه در خصوص تعیین سیاست بازار باز و دلایل پشتیبانی هیأت مدیره و کمیته بازار باز فدرال در هر مورد ثبت شود. هیأت‌مدیره مکلف است بایگانی مشابهی از تمامی پرسش­های احتمالی در قبال سیاست‌های اتخاذ شده توسط هیأت‌مدیره را تهیه کرده و ذیل گزارش سالانه خود به کنگره، مجموعه اقدامات اتخاذ شده در سال گذشته در قبال سیاست‌های بازار باز و عملیات آن و دیگر سیاست‌های اتخاذ شده توسط هیأت‌مدیره را مستند نماید. همچنین در این گزارش بایستی نسخه­ای از اسناد لازم ذیل این بند را در برداشته باشد.

**(ه) حسابرسی مستقل سالانه بانک­های فدرال رزرو و هیأت‌مدیره**

هیأت‌مدیره موظف است دستور دهد که صورت‌های مالی بانک­های فدرال رزرو و هیأت مدیره موضوع حسابرسی مستقل سالانه قرار گیرد.

**ب -۲) اختیارات هیأت‌مدیره بانک مرکزی آمریکا**

**(الف)** **افشا و انتشار اطلاعات توسط بانک مرکزی**

1. به‌منظور حصول اطمینان از افشای اطلاعات ناظر به گیرندگان تسهیلات اعتباری اضطراری، برنامه وام‌دهی، پنجره تنزیل و عملیات بازار باز تحت نظر با اجرا شده توسط هیأت‌مدیره بانک مرکزی، هیأت‌مدیره بانک مرکزی موظف است نسبت به انتشار اطلاعات زیر به اقدام کند:
2. الف) نام و جزئیات هویتی هر وام­گیرنده و اشخاص طرف معامله در هر یک از برنامه­های اعتباری و تراکنش­های کلان با اشخاص مرتبط
3. ب) مقدار وام پرداخت با منتقل شده به هر یک از وام­گیرندگان و طرف­های تراکنش کلان با اشخاص مرتبط

1-ج) نرخ بهره با تنزیل پرداخت شده توسط هر یک از وام­گیرندگان و طرف­های تراکنش کلان با اشخاص مرتبط

1-د) اطلاعات مربوط به نوع و میزان وثابق دریافتی یا دارایی­های انتقال­یافته مرتبط با هر یک از اعتبارات دریافتی و طرف­های تراکنش کلان با اشخاص مرتبط.

1. زمان انتشار اطلاعات در هر مورد:

الف-2) در خصوص تسهیلات اعتباری، هیأت مدیره موظف است اطلاعات مربوطه را یک سال پس از لغو مجوز تسهیلات اعتباری (عدم تمدید سررسید) منتشر نماید.

ب-2) در خصوص تراکنش­های کلان مرتبط با اشخاص، آخرین روز هشتمین فصل پس از فصلی که تراکنش انجام شده است.

1. انتشار اطلاعات زود هنگام:

رئیس هیأت‌مدیره می­تواند در صورتی که انتشار اطلاعات برای عموم را در راستای منافع عمومی و غیرمضر برای اثربخشی تسهیلات یا تراکنش مربوطه بداند، اطلاعات مرتبط مذکور را زودتر از موعد منتشر نماید.

**(و) ترکیب اعضای هیأت‌مدیره**

**و-1) هیأتمدیره فدرال رزرو**

1. **انتصاب و شرایط اعضا**

* هیأت‌مدیره بانک مرکزی متشکل از ۷ نفر است که توسط رئیس­جمهور، با مشورت و تأیید سنا به مدت ۱۴ سال انتخاب می­شوند. در انتخاب اعضای هیأت‌مدیره یک نفر از آنها باید از یکی از فدرال رزروهای منطقه­ای انتخاب شود. رئیس­­جمهور باید ملاحظات منصفانه نمایندگی اعضای هیأت‌مدیره از منافع بخش­های مالی، کشاورزی، صنعتی و تجاری را در نظر بگیرد. در انتخاب اعضای هیأت‌مدیره، رئیس­جمهور باید یک نفر را از میان کسانی که دارای تجربه کار در نظارت بر بانک­های منطقه­ای با کمتر از ده میلیارد دلار دارایی باشند، انتخاب کند. اعضای هیأت‌مدیره بانک مرکزی باید تمامی وقت خود را به کارهای مربوط به هیأت مدیره اختصاص دهند و هر یک سالانه ۱۵۰۰۰ دلار حقوق به‌صورت ماهانه و مخارج سفرهای ضروری خود را دریافت می­کنند.
* یک نفر توسط رئیس­جمهور با مشورت و تأیید سنا به مدت چهار سال به‌عنوان رئیس کل و دو نفر به‌عنوان نواب رئیس کل انتخاب می­شوند. یک نفر از نواب توسط رئیس­جمهور به‌عنوان قائم مقام رئیس کل (در غیاب وی) و یک نفر به‌عنوان نایب رئیس در امور نظارتی آن منصوب می­شوند.
* فرد انتخاب شده نمی­تواند در حین مسئولیت و تا دو سال بعد از آن عضو هیأت‌مدیره بانک­ها باشد. نهایتاً هر عضو حداکثر ۱۴ سال می‌تواند عضو هیأت‌مدیره قرار گیرد.
* عضو هیأت‌مدیره نباید سهامدار بانک­ها و مؤسسات مالی باشد.

1. **ممنوعیت اشتغال اعضای هیأت‌مدیره و طول خدمت رئیس کل و نواب**

* رئیس کل و نواب اعضای هیأت مدیره بانک مرکزی مجاز نیستند در طول خدمت و بعد از آن تا دو سال هیچ مقام، پست یا جایگاه یا اشتغالی در بانک­های عضو داشته باشند. این محدودیت شامل عضوی که دوره خدمت خود را تا آخر به پایان رسانده، نمی­شود.

انتصاب اعضا باید به نحوی باشد که هر دو سال، پایان دوره خدمت یک نفر از اعضای هیأت‌مدیره باشد. به هر حال طول خدمت اعضا باید چهارده سال پس از انقضای دوره فرد قبلی­اش باشد مگر اینکه به دلیلی توسط رئیس­جمهور برکنار شده باشد[[92]](#footnote-92).

نایب رئیس در امور نظارتی موظف است سیاست‌های پیشنهادی مربوط به نظارت و مقررات­گذاری مؤسسات سپرده­پذیر، شرکت­های هلدینگ و سایر بنگاه­های مالی تحت نظارت هیأت‌مدیره را به هیأت‌مدیره ارسال نماید و نظارت و مقررات­گذاری بر این نهادها را رصد کند.

* در جلسات هیأت‌مدیره، رئیس و در صورت غیاب وی نایب­رئیس بايد مدیر جلسه باشند. در صورت غیاب رئیس و نایب رئیس اعضا باید فردی را به‌عنوان رئیس جلسه انتخاب کنند.
* رئیس هیأت‌مدیره تحت نظارت این هیأت، مدیر اجرایی هیأت‌مدیره خواهد بود.
* هریک از اعضای هیأت‌مدیره باید تا چهارده روز پس از اعلام انتخابشان سوگند یاد کنند.
* پس از انقضای دوره خدمت، اعضا موظفند تا انتخاب و تأیید عضو بعدی به خدمت ادامه دهند.

و-2) کمیته فدرال بازار باز

کمیته فدرال بازار باز، از اعضای هیأت‌مدیره بانک مرکزی و پنج نماینده از بانک­های فدرال رزرو تشکیل می­شود. نمایندگان فوق باید رئیس­کل یا قائم­مقام اول بانک­های فدرال رزرو بوده باشند و به شرح زیر انتخاب می­شوند:

یک نفر توسط هیأت‌مدیره­ی فدرال رزرو نیویورک، یک نفر توسط هیأت‌مدیره­ی فدرال رزروهای بوستون، فیلادلفیا و ریچموند، یک نفر توسط هیأت مدیره­ی فدرال رزرو شیکاگو، یک نفر توسط هیأت‌مدیره فدرال رزروهای آتلانتا، دالاس و سنت­لوئیس و یک نفر توسط هیأت‌مدیره‌ی فدرال رزروهای مناپولیس، کنساس­سیتی و سانفرانسیسکو.

در انتخابات، هریک از اعضای هیأت‌مدیره یک حق رأی دارد، سایر جزئیات توسط مقررات کمیته تعیین می­شود و می­تواند در طول زمان متغیر باشد. یک نفر عضو علی­البدل که در صورت غیبت فرد جایگزین می­شود، از رئیس یا نایب رئیس اول بانک­های فدرال­رزرو نیز با همان ساز و کار انتخابات قبلی تعیین می­شود. جلسات کمیته، حداقل سالی چهار بار و با فراخوان رئیس هیأت مدیره­ی بانک مرکزی فدرال یا حداقل سه عضو کمیته، در واشنگتن منطقه کلمبیا برگزار می­شود.

**(ز) قوانین عملیات بازار باز در آمریکا**

**ز-1) اختیارات**

هریک از بانک­های فدرال رزرو باید اختیارات زیر را داشته باشد:

* خرید و فروش

تعهدات ایالات متحده، ایالت­ها و کشور و خريد و فروش داخلی یا در بازارهای خارجی اوراق قرضه و اوراق ایالات متحده، اوراق قرضه منتشر شده تحت احکام بخش قانون وام مالکان مسکن که تا سقف شش ماه از سررسید آنها از زمان خرید باقی مانده باشد اسناد، اوراق، اوراق قرضه درآمدی و اسناد عندالمطالبه(warrants) با سررسید کمتر از شش ماه که مبتنی بر پیش­بینی جمع­آوری مالیات یا درآمدهای مطمئن در آینده توسط هربک از ایالت­ها، کشور، منطقه، تقسیمات سیاسی یا شهرداری­های در مناطق ایالات متحده منتشر شده باشد. خرید اوراق مذکور بايد در تطابق کامل با قواعد و مقررات هیأت‌مدیره بانک مرکزی باشد. با وجود احکام این فصل، هرگونه اوراق قرضه، اوراق یا سایر تعهداتی که به‌صورت مستقیم متعلق به ایالات متحده بوده باشد یا تماماً اصل و سود آن توسط ایالات متحده تضمین شده باشد بدون توجه به سررسید مذکور در این بند قابل خرید و فروش است.

* خرید و فروش در بازار باز: هرگونه از تعهدات مستقیم یا اصل و فرع تعهدات تضمین شده توسط هر یک از نهادهای ایالات متحده تحت جهت­گیری و قواعد کمیته فدرال بازار باز.
* خرید و فروش اسناد تجاری: خرید اسناد تجاری ناشی از معاملات تجاری به شرحی که در این قانون تعریف می­شود از بانک­های عضو و فروش آنها با یا بدون تصویب.
* خرید و فروش گواهی بانک­های اعتباری واسطه­ای فدرال
* خرید و فروش گواهی بانک­های اعتباری واسطه­ای فدرال یا گواهی شرکت­های ملی اعتباری کشاورزی در بازار باز از یا به بانک­های داخلی، بنگاه­ها، شرکت­ها یا اشخاص در صورتی­که هیأت‌مدیره بانک مرکزی اعلام کند که منافع عمومی چنین چیزی را اقتضا می­کند.

**(ح) قوانین اعطای اعتبارات در شرایط اضطرار**

**1- اعتبارات اضطراری به گروهی از بانک‌های عضو**

**اختیار بانک­های رزرو (غیر فدرال) به پرداخت اعتبار**

در صورت اخذ موافقت حداقل ۵پنج عضو هیأت مدیره بانک مرکزی، هر یک از بانک­های رزرو می­توانند به مقداری که هیأت‌مدیره آن بانک رزرو تعیین می­کند، به گروهی متشکل از پنج یا بیشتر از بانک­های عضو در منطقه خود که اکثر آنها مالکان مستقل داشته و تحت کنترل اشخاص مستقل هستند و رویه­های لازم تعریف شده را طی کرده باشند و به دلیل نداشتن دارایی­های لازم امکان دسترسی به اعتبارات عادی بخش (ب) این قانون را ندارند نسبت به پرداخت اعتبار اقدام نمایند.

تعهدات هر یک از بانک­ها در هر گروه از کل تعهدات هر گروه باید معادل مهم سپرده آن بانک از کل سپرده­های بانک­های گروه باشد. اگر نسبت سپرده­های بانک متقاضی دریافت این اعتبار حداقل معادل ده درصد سپرده­های بانک­های آن منطقه باشد، این اعتبارات می­تواند به گروهی با تعداد کمتر از بانک­های عضو نیز اعطا شود. بانک­های گروه می­توانند اعتبار دریافتی را به نحوی که خود توافق کرده­اند بین گروه توزیع کنند، اما قبل از توزیع لازم است یک تراستی ثبت و اعتبار در آن سپرده شود. هر بانک فدرالی که این اعتبارات را پرداخت کرد باید نرخ بهره­ای حداقل یک درصد بالاتر از نرخ بهره پنجره تنزل در زمان اعطای اعتبار را منظور کند.

1. **اعتبارات به هر یک از بانک‌های عضو**

**الف) کلیات**

* هر یک از بانک­های فدرال رزرو تحت قواعد و مقررات تعریف شده توسط هیأت‌مدیره بانک مرکزی می‌توانند بنا به درخواست هر یک از بانک­های عضو، اعتبارات نهایتاً با سررسید چهار ماهه با وثایقی که بانک رزرو بخواهد، پرداخت کند.
* هر یک از بانک­های فدرال رزرو، تحت قواعد و مقررات تعریف شده توسط هیأت‌مدیره بانک مرکزی می‌تواند به هر یک از بانک­های عضو اعتباراتی با سررسیدی که هیأت‌مدیره تعیین می­کند و با وثیقه وام‌های رهنی محل اقامت یک تا چهار خانواده پرداخت کند. این اعتبارات باید نرخ بهره­ای معادل پایین‌ترین نرخ تنزیل مؤثر در آن بانک فدرال رزرو در تاریخ پرداخت آن اعتبار باشد.

**ب) محدودسازی اعتبارات**

1. محدودسازی دوره باز پرداخت: به استثنای موارد مذکور در بند فوق، مانده هیچ اعتباری به هیچ یک از مؤسسات سپرده­پذیر با سرمایه ناکافی توسط هیچ یک از بانک­های رزرو فدرال نباید در طول هر ۱۲۰ روز، بیش از ۶۰ روز مثبت باشد.

2. استثنائات برآمده از پایایی مؤسسه :

الف) کلیات

ا- اگر رئیس نهاد بانکی فدرال مربوطه پیش­تر به‌صورت مکتوب تأییدیه­ای را به بانک رزرو فدرال مربوطه مبنی بر پایایی ارسال کند.

2-اگر هیأت مدیره پس از انجام نظارت بر هر یک از مؤسسات سپرده­پذیر و رئیس هیأت‌مدیره، تأییدیه‌ای مبنی بر پایایی مؤسسه به بانک فدرال رزرو ارسال کند محدودیت 60 روزه از زمان دریافت تأییدیه مذکور اعمال نخواهد شد.

* تمدید مهلت تمدید مهلت 60 روزه برای دوره 60 روزه مازاد مبتنی بر اعلام وصول تأییدیه مکتوب، توسط بانک فدرال رزرو برای هر بار تمدید
* اختیار صدور تأییدیه پایایی مؤسسات قابل تفویض نیست. اختیار رئیس هر یک از نهادها در خصوص صدور تأییدیه مکتوب پایایی موضوع این ماده نباید به شخص دیگری تفویض شود.

**(ط) اختیارات هیأت‌مدیره بانک مرکزی**

1. تعلیق ذخیره قانونی

تعلیق ذخیره قانونی، برای مدت زمانی حداکثر سی روز که در هر صورت و با تمدید تعلیق از ۵۰ روز تجاوز نمی­کند، امکان­پذیر می­باشد.

1. مصونیت اختیارات وزیر خزانه­داری

هیچ یک از محتویات این قانون نباید هیچ یک از اختیارات قانونی وزیر خزانه­داری مرتبط با نظارت مدیریت و کنترل وزارت خزانه­داری، ادارات ذیل آن وزارتخانه را از بین ببرد. در صورتی که اختیارات هیأت‌مدیره بانک مرکزی و بانک­های فدرال رزرو در قانون در تعارض با اختیارات وزیر خزانه­داری باشند، اختیار مربوطه به نفع نظارت و کنترل وزیر اجرایی خواهد شد.

1. سپرده­های دولتی

بنا به جهت­گیری­های وزیر خزانه­داری، وجوه خزانه به استثنای وجوه صندوق، پنج درصد بازخرید اسکناس­های بانکی می­تواند در بانک­های رزرو فدرال که توسط وزیر تعیین می­شوند، سپرده شود و بانک مذکور موظف است به‌عنوان عامل مالی ایالات متحده عمل نماید. درآمدهای دولت باید در بانک مذکور سپرده شود و برداشت از آن باید با صدور چک اتفاق بیفتد.

**(ی) اختیارات بانک­های فدرال رزرو**

هر یک از بانک­های رزرو فدرال اختیارات زیر را دارند.

1. معامله یا وام­دهی طلا

معامله سکه یا شمش طلا در داخل و خارج، پرداخت وام با سکه یا شمش طلا، معامله اسکناس بانک مرکزی در عوض طلا و سکه طلا یا گواهی طلا، قرارداد وام سکه یا شمش طلا با دریافت عنداللزوم اوراق قرضه ایالات متحده یا سایر اوراق بهادار که بانک­های رزرو فدرال مجاز به نگهداری هستند.

1. ایجاد حساب با سایر بانک­های فدرال رزرو با مقاصد مبادله­ای و با دستور و تحت نظر و مقررات هیأت‌مدیره بانک مرکزی
2. افتتاح و نگهداری حساب در کشورهای خارجی، انتصاب نماینده، ایجاد نهادهای عامل در کشورهای که مقاصد مناسبی برای خرید فروش و جمع­آوری اسناد تجاری به شمار می­روند.
3. خرید و فروش با یا بدون مجوز اسناد تجاری برآمده از معاملات تجاری که بیش از ۹۰ روز به واخواهی آنها باقی نمانده از طریق نمایندگان یا نهادهای مربوطه
4. افتتاح حساب برای نمایندگان نهادهای عامل بانک مرکزی بانک­ها یا بانکداران خارجی و یا دولت­های خارجی با مجوز هیأت‌مدیره بانک مرکزی

* در صورتی که با مجوز هیأت‌مدیره هر یک از بانک­های فدرال رزرو افتتاح حساب برای نمایندگان و سایر اشخاص را انجام دادند مابقی بانک­های فدرال رزرو نیز امکان افتتاح حساب برای اشخاص مذکور را خواهند داشت. هر گونه تراکنش موضوع این ماده باید ذیل قواعد و مقررات هیأت‌مدیره انجام شود.
* هیأت‌مدیره بانک مرکزی موظف است بر تمامی روابط و تراکنش­های بانک­های فدرال رزرو یا هر بانک یا بانکدار خارجی، یا هر گروه از بانک­ها یا بانکداران خارجی اعمال نظارت کند. تمامی روابط و تراکنش­های مذکور باید بر اساس قواعد و مقررات، شرایط و محدودیت­های وضع شده توسط هیأت‌مدیره انجام شوند. هیچ­یک از کارمندان یا نمایندگان هیچ­یک از بانک­های فدرال رزرو حق انجام مذاکره با کارمندان یا نمایندگان هیچ­یک از بانک­های خارجی را بدون دریافت مجوز از هیأت‌مدیره بانک مرکزی ندارد .
* هیأت‌مدیره بانک مرکزی به صلاحدید خود حق دارد به وسیله نماینده یا نمایندگانی که تعیین می­کند در هر مذاکره یا همایشی حاضر شود. گزارش جامعی از همایش یا مذاکره و یافته­ها و توافقات حاصله یا معاملات مورد توافق و سایر مفاد مطرح شده در همایش یا مذاکره باید توسط یک مقام رسمی هر بانک فدرال­رزرو که در همایش یا مذاکره شرکت کرده به‌صورت مکتوب درآمده و به هیأت‌مدیره بانک مرکزی ارائه شود.

منابع

1. بهمنی، محمود، غفاری، مهدی، اصول بانکداری، موسسه عالی آموزش بانکداری ایران، چاپ هشتم، 1401.
2. تقی­زاده حصاری، فرهاد، ابوجعفری، روح­الله، یوشینو، نائویوکی، نوآوری نهادی در نظام پولی و مالیاتی ژاپن، نشر نهادگرا، 1402.
3. خسروی ویشکائی، میثم، جمور، محمد، بررسی تطبیقی قوانین مرکزی کشورهای منتخب(ویرایش اول)، دفتر مطالعات و پژوهش­های اقتصادی مجلس شورای اسلامی، 1401.
4. راعی، رضا، موفق، مسعود، محمدخانی، هادی، بانکداری در هزاره سوم، انتشارات نگاه دانش، 1394.
5. زمانی فراهانی، مجتبی، پول، ارز و بانکداری، انتشارات ترمه، 1389.
6. صالح­آبادی، علی، بازارهای مالی اسلامی، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، 1385.
7. قجر، محمد، سری دیوشلی، ابراهیم، پول، ارز و بانکداری، انتشارات کتاب فرشید، 1391.
8. کشاورز معتمدی، سکینه، اهمیت داوری در قراردادهای بانکی و اداری (مقایسه قوانین ایران، آمریکا و انگلیس)، انتشارات گپ، 1398.
9. مدورا، جف، شهرآبادی، ابوالفضل، رحمانی، نیما، نهادهای پولی و مالی، انتشارات بورس، 1391.
10. محسنی، حسین، مبانی بانکداری با رویکرد مالی، انتشارات بورس، 1393.
11. Hatami Alamdari, Bahar" The Emerging Popularity of International Abiration in the Banking and Financial Sector-is this a Fashionable Trend or a Viable Replacement?, April 2016, 95

1. سپرده دیداری (demand deposit) نام دیگر سپرده­های جاری است و به دلیل اینکه استرداد آنها بدون آگاهی قبلی و به محض رویت دستور انجام می­شود(دریافت با چک یا حضوری)، به این نام خوانده می­شود. در مقابل این نوع پول، سپرده­ مدت­دار (term deposit) وجود دارد. [↑](#footnote-ref-1)
2. Monetary Base [↑](#footnote-ref-2)
3. High Powered [↑](#footnote-ref-3)
4. Sources of the Base [↑](#footnote-ref-4)
5. Currency [↑](#footnote-ref-5)
6. Reqvived Reserves [↑](#footnote-ref-6)
7. Uses of the best [↑](#footnote-ref-7)
8. در ایران با توجه به اینکه اقلام عمده پایه پولی شامل خالص دارایی­های خارجی و خالص بدهی بخش دولتی عمدتاً از محل صادرات نفت و ناشی کسری بودجه دولت می­باشد و به سبب عدم دخالت بانک مرکزی در تصمیمات درآمد و هزینه دولت از جمله صادرات نفت، تحولات پایه پولی در ایران را باید تابع عواملی دانست که از کنترل بانک مرکزی خارج است و می­توان پایه پولی ایران را تابعی از عواملی نظیر تحولات ارزی و بودجه دولت دانست. بنابراین بخش دولت با برخورداری از اختیار کامل در زمینه تصمیمات ارزی و میزان صادرات نفت کنترل عرضه پول را در دست دارد. [↑](#footnote-ref-8)
9. در وام سندیکایی، دو یا چند بانک (اعضای سندیکا) با هم به توافق می­رسند تا به یک قرض­گیرنده وام‌دهند. هر عضوی از سندیکا، ادعای جداگانه­ای نسبت به قرض‌گیرنده پیدا می­کند، اگرچه تنها یک قرارداد توافق وام وجود دارد. یک یا چند وام­دهنده به‌طور معمول به‌عنوان یک مدیر و یا هماهنگ­کننده عمل می­کنند که توسط قرض­گیرنده ترغیب می­شود تا کنسرسیومی از بانک­ها را با هم متحد کند تا بتواند پولی را در یک دوره معین قرض‌دهند. معمولاً وام­گیرندگان شرکتی یا بانک­ها، ارتباط خودشان را در مرکز این سندیکا حفظ می­کنند و ممکن است باتوجه به اندازه پیچیدگی و قیمت وام و همچنین تمایل شرکت به توسعه فعالیت­ها، به گسترش طیف وسیعی از روابط بانکی خوداقدام کنند. قیمت­گذاری وام در حاشیه بالای نرخ بهره بین بانکی، معمولاً توسط لایبور تعیین می­گردد. [↑](#footnote-ref-9)
10. (قجر ص ۵۹) [↑](#footnote-ref-10)
11. For example, see Mishkin , 2000.. [↑](#footnote-ref-11)
12. تعاریف بر اساس استانداردهای حسابرسی :

    * دارایی عبارتست از حقوق نسبت به منافع آنی یا سایر راه­های دستیابی مشروع به منافع که در نتیجه معاملات و با سایر رویدادهای گذشته به کنترل واحد تجاری درآمده است. بنابراین دارایی به معنای حقوق ناشی از مالکیت اموال است نه خود مال.
    * بدهی عبارتست از تعهد انتقال منافع اقتصادی توسط واحد تجاری ناشی از معاملات با سایر رویدادهای گذشته.
    * درآمد عبارتست از افزایش در حقوق صاحبان سرمایه (بجز مواردی که به آورده صاحبان سرمایه مربوط می‌شود).
    * هزینه عبارتست از کاهش در حقوق صاحبان سرمایه (بجز مواردی که به ستانده صاحبان سرمایه مربوط می‌شود).
    * حقوق صاحبان سرمایه عبارتست از کسر جمع بدهی‌ها از جمع دارایی‌های واحد تجاری.
    * مفهوم سرمایه به دو صورت بیان میشود. سرمایه مالی (مترادف با خالص دارائی­ها یا حقوق صاحبان سرمایه) و سرمایه عملیاتی( به مفهوم ظرفیت تولیدی واحد تجاری).

    [↑](#footnote-ref-12)
13. term deposit [↑](#footnote-ref-13)
14. اوراق قرضه دولتی و شرکت­ها، ابزار مشتقه اوراق با پشتوانه رهن [↑](#footnote-ref-14)
15. PD, Probability of Default [↑](#footnote-ref-15)
16. LGD. Loss Given Default [↑](#footnote-ref-16)
17. EAD, Exposure At Default [↑](#footnote-ref-17)
18. بر اساس استاندارد بال این نسبت نباید از ۸ % کمتر باشد. [↑](#footnote-ref-18)
19. طبق موافقت­نامه­ی بال در سال ۱۹۸۸در ارزیابی کفایت سرمایه، عناصر کلیدی سرمایه شامل سهام عادی و سود انباشته است که باید بیش از ۵۰% کل سرمایه­ی بانک باشد. [↑](#footnote-ref-19)
20. Tier 1 capital [↑](#footnote-ref-20)
21. در تحلیل وام­های اعطایی به ارزهای خارجی، باید احتمالات نرخ تسعیر ارز و نرخ بهره­ی ارزی را در کانون توجه قرار داد. [↑](#footnote-ref-21)
22. term deposit [↑](#footnote-ref-22)
23. انتشار یک سهام جدید و یا اوراق خزانه جدید جزء فعالیت‌های بازار اولیه است در حالی که فروش سهام موجود و با اوراق خزانه‌ای که قبلا انتشار یافته و در اختيار افراد است از فعالیت‌های بازار ثانویه است. [↑](#footnote-ref-23)
24. به‌طور کلی و عمومی تفاوت سرمایه و دارایی را در دو عامل می­دانند: زمان لازم برای نقدشدن و درآمدزا بودن. براین اساس، دارایی مدت زمان بیشتری برای نقد شدن، نسبت به سرمایه لازم دارد. دوم اینکه سرمایه بیش از اینکه به‌طور مستقیم درآمدزا باشد، اعتبار آفرین است برخلاف دارایی که هدف اول از نگهداری آن، درآمدزایی است. [↑](#footnote-ref-24)
25. شامل عوامل؛ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فناوری، قانونی، زیست­محیطی. [↑](#footnote-ref-25)
26. Principle of Liquidity [↑](#footnote-ref-26)
27. Asset Liquidity Management )Asset Conversion( Strategy [↑](#footnote-ref-27)
28. Borrowed Liquidity )Liability( Management Strategy [↑](#footnote-ref-28)
29. Balanced )Asset and Liability( Strategy [↑](#footnote-ref-29)
30. Principle of Solvency [↑](#footnote-ref-30)
31. Principle of Profitability [↑](#footnote-ref-31)
32. Principle of Savings [↑](#footnote-ref-32)
33. Principle of Loanand Investment [↑](#footnote-ref-33)
34. Principle of Services [↑](#footnote-ref-34)
35. Principle of Secrey [↑](#footnote-ref-35)
36. Principle of Efficiency [↑](#footnote-ref-36)
37. Principle of Safety [↑](#footnote-ref-37)
38. Principle of Economy [↑](#footnote-ref-38)
39. Portfolio [↑](#footnote-ref-39)
40. Harry Markowitz [↑](#footnote-ref-40)
41. Risk-Return [↑](#footnote-ref-41)
42. Trade off [↑](#footnote-ref-42)
43. انتشار یک سهام جدید و با اوراق خزانه جدید جزء فعالیت‌های بازار اولیه است در حالی که فروش سهام موجود و با اوراق خزانه ای که قبلا انتشار یافته و در اختیار افراد است از فعالیت‌های بازار ثانویه است. [↑](#footnote-ref-43)
44. برای ارائه این مبحث از اثر محمود بهمنی (۱۴۰۱) استفاده شده است. [↑](#footnote-ref-44)
45. Standard & Poors [↑](#footnote-ref-45)
46. Moody's [↑](#footnote-ref-46)
47. Fitch [↑](#footnote-ref-47)
48. External Rating System [↑](#footnote-ref-48)
49. Internal Rating System [↑](#footnote-ref-49)
50. Point – in - time [↑](#footnote-ref-50)
51. Through – the - cycle [↑](#footnote-ref-51)
52. این کمیته در فصول بعدی تعریف و تصریح می­شود.  [↑](#footnote-ref-52)
53. Capital Adequacy [↑](#footnote-ref-53)
54. Asset Quality [↑](#footnote-ref-54)
55. Management Capability [↑](#footnote-ref-55)
56. Earning [↑](#footnote-ref-56)
57. Liquidity [↑](#footnote-ref-57)
58. Sensitivity [↑](#footnote-ref-58)
59. کمیته بال، ریسک بازار را اینگونه تعریف می­کند: خطر ضررها در موقعیت خارج از ترازنامه که از نوسانات قیمت­های بازاری ناشی می­شود. [↑](#footnote-ref-59)
60. تفاوت سود اقتصادی و سود حسابداری در محاسبه­ی هزینه فرصت است.  [↑](#footnote-ref-60)
61. (KPI(Keys Performance Indicators [↑](#footnote-ref-61)
62. این نتیجه­گیری در مورد دارایی­های مشهود صحیح بوده و در مورد دارایی­های نامشهود، این شاخص گمراه‌کننده است. [↑](#footnote-ref-62)
63. تفاوت ارزیابی پشتوانه فلزی پول کشور موضوع قانون ۲۸ اردیبهشت ماه سال ۱۳۳۶ جمعاً ۷.۱۰۹.۸۵۲.۱۷۶ ریال بود که ۳.۶۰۹.۸۵۳.۱۷۶ ریال آن به بانک مرکزی ایران اختصاص داده شد. از این مقدار مبلغ ۳۶۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال به­عنوان سرمایه و بقیه به‌صورت اندوخته بانک منظور گردید. مبلغ ۳.۵۰۰.۰۰۰.۰۰۰۰ ریال بابت تفاوت ارزیابی پشتوانه اسکناس به موجب ماده ۸۷ قانون بانکی و پولی کشور مصوب ۷ خرداد ۱۳۳۹ به سرمایه بانک کشاورزی اضافه شد. [↑](#footnote-ref-63)
64. روسای بانک مرکزی ایران از ابتدای تأسیس تاکنون عبارتند از ابراهیم کاشانی (۱۳۳۹-۱۳۴۰)، علی اصغر همایون پور (۱۳۴۰-۱۳۴۳)، مهدی سمیعی (۱۳۴۳-۱۳۴۸)، خداداد فرمانفرمائیان (۱۳۴۸- ۱۳۴۹)، مهدی سمیعی (۱۳۴۹-۱۳۵۰)، عبدالعلی جهانشاهی (۱۳۵۰-۱۳۵۳)، محمد یگانه (۱۳۵۲-۱۳۵۴)، حسن علی مهران (۱۳۵۴-۱۳۵۶)، یوسف خوش کیش (۱۳۵۶-۱۳۵۷)، محمد علی مولوی (۱۳۵۷-۱۳۵۸)، علی رضا نوبری ۱۳۵۸۸-۱۳۶۰)، سید محسن نوربخش (۱۳۶۰-۱۳۶۵)، مجید قاسمی (۱۳۶۵-۱۳۶۸)، سید محمد حسین عادلی (۱۳۶۸-۱۳۷۳)، سید محسن نوربخش (۱۳۷۳-۱۳۸۲)، محمد جواد و هاجی قائم مقام رئیس کل (۱۳۸۳)، ابراهیم شیبانی (۱۳۸۲ -۱۳۸۶)، طهماسب مظاهری (۱۳۸۶-۱۳۸۷)، محمود بهمنی (۱۳۸۷-۱۳۹۲)، ولی­الله سیف (1392-1397)، عبدالناصر همتی(1397-1400) و علی صالح­آبادی(1400-1401) و مجمد فرزین (۱۴۰۱- اکنون) [↑](#footnote-ref-64)
65. LENDER OF LAST RESORT [↑](#footnote-ref-65)
66. مصوب هفتم خردادماه ۱۳۳۹ [↑](#footnote-ref-66)
67. سازمان نظارت بر خدمات مالی [↑](#footnote-ref-67)
68. در قانون پولی و بانکی مصوب سال ۱۳۵۱ و قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب سال ۱۳۶۲ اصل تخصصی بودن بانک­ها تصریح نشده است. بنابراین بانک­های تجاری علاوه بر معاملات معمولی و کوتاه­مدت به عملیات بانکی بلند­مدت و تأمین مالی از قبیل اعطای تسهیلات میان­مدت و بلند­مدت، مشارکت و سرمایه­گذاری نیز می­پردازند. [↑](#footnote-ref-68)
69. اصل نقدینگی، اصل منفعت، اصل امنیت، اصل نظارت. [↑](#footnote-ref-69)
70. تعریف و توضیح این اصول، در فصل سوم ارائه شد. [↑](#footnote-ref-70)
71. در آئین­نامه فصل سوم قانون عملیات بانکی بدون ربا، بند سوم و چهارم، مشارکت حقوقی و سرمایه­گذاری­های مستقیم بانک­ها را تشریح می­کند. [↑](#footnote-ref-71)
72. سازمان نظارت بر خدمات مالی [↑](#footnote-ref-72)
73. Euro [↑](#footnote-ref-73)
74. **European Central Bank** [↑](#footnote-ref-74)
75. Euroarea [↑](#footnote-ref-75)
76. Purchasing Power [↑](#footnote-ref-76)
77. (**NCB( National Central Bank** [↑](#footnote-ref-77)
78. TARGET: Trans-European Automated Real-time Gross settlement Express Transfer system [↑](#footnote-ref-78)
79. HICP [↑](#footnote-ref-79)
80. نرخ رشد انباشت پولی حجیم [↑](#footnote-ref-80)
81. one size tit all [↑](#footnote-ref-81)
82. FSMA [↑](#footnote-ref-82)
83. FSA [↑](#footnote-ref-83)
84. Hatami Alamdari, Bahar" The Emerging Popularity of International Abiration in the Banking and Financial Sector-is this a Fashionable Trend or a Viable Replacement?, April 2016, 95 [↑](#footnote-ref-84)
85. **Ibid.99** [↑](#footnote-ref-85)
86. **Lander of last resort** [↑](#footnote-ref-86)
87. Monitoring [↑](#footnote-ref-87)
88. Supervision [↑](#footnote-ref-88)
89. Bank for International Settlements [↑](#footnote-ref-89)
90. Pollard(2003),p.18 [↑](#footnote-ref-90)
91. بانک­های مرکزی ملی در کشورهای حوزه یورو [↑](#footnote-ref-91)
92. این موضوع به‌صورت صریح در قانون تعیین تکلیف نشده، فقط چنین امکانی به‌صورت ضمنی برای رئیس­جمهور در نظر گرفته شده است. [↑](#footnote-ref-92)